

# نام شناخت

(تبارشناسی معنای نامهای کسان)

## شروین و کیلی





نام شناخت

دکتر شروین وکیلی

پیشکش بہ مادرم؛ آذرخش

و بہ یاد پدرم؛ انوشیروان



نام کتاب: نام شناخت

نویسنده: شروین وکیلی

تاریخ نگارش: تابستان 1382

انتشارات داخلی موسسه‌ی فرهنگی خورشید راگا

شماره‌ی ثبت کتابخانه‌ی ملی: 11010 و - 36/87/4646

[www.soshians.ir](http://www.soshians.ir)

[https://telegram.me/sherwin\\_vakili](https://telegram.me/sherwin_vakili)

## شیوه نامه

کتابی که در دست دارید هدیه ایست از نویسنده به مخاطب. هدف غایی از نوشته شدن و انتشار این اثر آن است که محتوایش خواننده و اندیشیده شود. این نسخه هدیه ای رایگان است، بازپخش آن هیچ ایرادی ندارد و هر نوع استفاده ی غیرسودجویانه از محتوای آن با ارجاع به متن آزاد است. در صورتی که تمایل دارید از روند تولید و انتشار کتابهای این نویسنده پشتیبانی کنید، یا به انتشار کاغذی این کتاب و پخش غیرانتفاعی آن یاری رسانید، مبلغ مورد نظرتان را به حساب زیر واریز کنید و در پیامی تلگرامی (به نشانی @sherwin\_vakili) اعلام نمایید که مایل هستید این سرمایه صرف انتشار (کاغذی یا الکترونیکی) چه کتاب یا چه رده ای از کتابها شود.

شماره کارت: 6104 3378 9449 8383

شماره حساب نزد بانک ملت شعبه دانشگاه تهران: 4027460349

شماره شبا: IR30 0120 0100 0000 4027 4603 49

به نام: شروین وکیلی

همچنین برای دریافت نوشتارهای دیگر دکتر شروین وکیلی و فایل صوتی و تصویری کلاسها و سخنرانی هایشان می توانید تارنمای شخصی یا کانال تلگرامشان را در این نشانی ها دنبال کنید:

[www.soshians.ir](http://www.soshians.ir)

([https://telegram.me/sherwin\\_vakili](https://telegram.me/sherwin_vakili))

## دیباچه

خرد، دانستنِ معنای اسامی است.

کنفوسیوس

پرسش از معنای نامها، و کنجکاوی در این مورد که هر اسمی چه ریشه‌ای و چه اجزایی و چه معنایی دارد، سرگرمی فکری ساده‌ایست که شاید بسیاری از ما هر از چند گاهی شیفته‌اش شویم. اما این که اسم مردم چه معنایی دارد، و چرا در هر زبان و فرهنگی معناهای خاصی برای نامیدن افرادی از جنسیتها، رده‌های شغلی، و طبقات اجتماعی گوناگون به کار گرفته می‌شود، پرسشی جامعه‌شناسانه است. اگر در کنجکاوی بازیگوشانه‌ی نخستین تنها به فهمیدن معنای اسم فردی نامدار بسنده می‌کردیم، در پرداختن به دومی باید از مطالعات زبان‌شناسانه، داده‌های اسطوره‌شناسی، و مدارک تاریخی بهره برد. به این ترتیب، این دو پرسش که «اسم مردم چه معنایی دارد؟»، و این که «چرا اسم مردم چنین معنایی دارد؟» می‌توانند به عنوان سرفصل دو رده از پژوهشها در حوزه‌ی فرهنگ عامه و جامعه‌شناسی فرهنگ پنداشته شوند.

پرسش از نامها، برای نگارنده از روزگاری بسیار دور آغاز شد و برای دیر زمانی در قلمرو سوال نخست باقی ماند. نخستین دفترچه‌ای که اسم آدمیان را -از همشاگردی‌ها گرفته تا شخصیت‌های داستانها- در آن یادداشت می‌کردم، هنگامی نوشته شد که دانش آموزی دبستانی بودم. اگر به تحلیلهای روانشناختی علاقمند باشیم،

می‌توانیم تبارشناسی این پرسش را به شرایط خاص حاکم بر اسم خودم تحویل کنیم. دغدغه‌ی کنکاش در دلیل نامیده شدنِ فلانی به فلان اسم و معنای این برچسب، شاید به دلیل تفاوت اسم کوچک همان کودک دبستانی با نامهای هنجار در میان اطرافیانش پدید آمده باشد. به هر صورت، تبدیل شدنِ سوال بازیگوشانه‌ی نخستین به پرسش پیچیده‌ترِ دومی، مدیون پژوهشی است که از چند سال پیش در حوزه‌ی تاریخ فرهنگ آغاز شد. در آن هنگام بود که برخورد با نامهای عجیب و غریب نامدارانی که اسمشان هزاران سال پیش به فراموشی سپرده شده بود، به اشتیاقِ بازبینی داده‌های گردآوری شده در این دفترچه‌ها دامن زد.

پرداختنِ جدی به تاریخ، سر و کار داشتن با اسامی غریبی همچون «اونتاش ناپیریشا» و «خائم‌واست مرنِ آمونِ نجرِ حقایونو» (!!)) را می‌طلبد، و این کاری است که بدون دانستن معنای نامها بسیار خسته کننده و دشوار می‌نماید. هنگامی که نتیجه‌ی این پژوهش را در قالب دوره‌های تاریخ فرهنگ گردآوری نمودم و تصمیم گرفتم در قالب مجموعه‌ای از کتابها صورتبندی‌شان کنم، در این فکر بودم که بر هر کتاب پیوستی کوچک اضافه کنم و معنای نامهای مربوط به آن دوره‌ی تاریخی را در آن شرح دهم. اما به زودی دغدغه‌ی پرسش دوم چنان گریبانگیرم شد که به طور جدی‌تر در بحث نامها وارد شدم و خود را با خزانه‌ای از داده‌ها روبرو دیدم که تجزیه کردنشان به پیوستهای کم‌رنگ شایسته نمی‌نمود. پس تصمیم بر آن شد که این داده‌ها در قالب نام‌نامه‌ای با توضیح مختصر جمع‌بندی کنم.

مجموعه‌ی حاضر حدود سه هزار نام را در بر می‌گیرد. این نامها به تمام فرهنگهای اثرگذار در تاریخ، و نژادها و اقوام عمده تعلق دارند. بخش بزرگی از این نامها هم‌اکنون به اشکال مختلف کاربرد دارند و این امر نمایشگر یکی از وجوه نامها، یعنی محافظه‌کاری و پایداری عجیبشان در مسیر زمان است. بسیار مایل بودم در همین متن به بحثهای جدی‌تری درباره‌ی جامعه‌شناسی تاریخی نامها و الگوهای خاص نامگذاری بپردازم، اما تنگنای فضا و زمان چنین کاری را ممکن نساخت. پس ناگزیر، پرداختن به تحلیلی عمیقتر و پاسخگویی به پرسش دوم را

به وقتی دیگر وا می‌گذارم، و پاسخ به پرسش ساده‌تر نخست را بسنده می‌دانم. چرا که بدون دستیابی به دانشی عام درباره‌ی معنای نامها، بحث درباره‌ی ماهیت و الگوهای تکاملشان دشوار است.

اسامی این مجموعه، از میان فهرستهایی بلند بالا و طولانی از اسمهای اقوام گوناگون برگزیده شده‌اند. در برخی از موارد -مثلا نامهای سرخپوستی- تنها به شخصیت‌هایی با اهمیت تاریخی و شهرت نسبی اکتفا کرده‌ام، و در برخی دیگر -مانند نامهای چینی- ترجیح داده‌ام عناصر معنادار تشکیل دهنده‌ی اسمهای مرکب را فهرست کنم و فهم معنای ترکیبهای تاریخی‌اشناتر را به خواننده واگذار کنم. در مورد برخی از اقوام -مثلا اورارتوهای باستان، لولوبی‌ها، بومیان استرالیا، و اسکیموها، اسناد و منابع چنان تُنک و کم‌مایه بود که ناگزیر اشاره به آنها را تا گردآوری داده‌هایی بیشتر به تعویق انداخته‌ام.

تعداد مراجع به کار گرفته شده برای تنظیم فهرست کنونی چنان زیاد و تناقضهای میان تفسیرهای گوناگون در مورد یک نام خاص در مواردی چنان زیاد بود که تنظیم کتابنامه و فهرست مراجع را بی‌فایده دیدم. تنها مراجع مهمی که به شکلی نظام‌یافته به معنای نامها پرداخته‌اند و برای استفاده‌کننده‌ی ایرانی قابل دستیابی هستند، بانک‌های داده‌ی موجود بر شبکه‌ی اینترنت هستند. مهمترین سایتهای سودمند در این زمینه عبارتند از [www.behindthenames.com](http://www.behindthenames.com) و [www.genealogy.com](http://www.genealogy.com) لازم به تذکر است که بسیاری از این سایتهای به شکلی نه چندان مستند به بحث از معنای نامها پرداخته‌اند و به همین دلیل هم تفاوت آرا و اختلاف نظر در میانشان بسیار دیده می‌شود. در متن کنونی رویکرد زبانشناسی تاریخی را اصل گرفته‌ام و نامها را بر مبنای معنای ریشه‌شان در زبان مبدأ معنا کرده‌ام. در مواردی هم که درباره‌ی معنای اسمی اختلاف نظر جدی و مستدل وجود داشت، تمام روایتها را گوشزد کرده‌ام.

در ذکر نامها، تلفظ اصلی آن در زبان مبدأ را اصل گرفته‌ام و با علایم سجاوندی این تلفظ را در حد امکان به پارسی بیان کرده‌ام، و املای استانده‌ی انگلیسی اسمهایی که در زبانهای اروپایی به شکلی رواج داشته‌اند را پس

از نام در میان دو کمان ( ) آورده‌ام. برای رعایت اختصار، زنانه یا مردانه بودن نامها را با علامت ♀ و ♂



نشان داده‌ام. بعد از آن زبان خاستگاه نام را در دوکمان به صورت کژدیسه نوشته‌ام و به دنبالش معنای نام را با حروف درشت و ریشه‌ی آن با حروف ریزتر آورده‌ام. در برخی موارد برای شناسایی اهمیت اسطوره‌شناختی یا تاریخی آن اسم، شرحی با حروف کژنویس در داخل علامت [ ] نگاشته شده است. همچنین هنگام اشاره به تبار و خانواده‌ی اسمها از ریزبینی پرهیز کرده‌ام و تمام زبانهای آریایی حوزه‌ی تمدن ایرانی را با برچسب پارسی، و مثلاً همه‌ی نامهای آمریکای پیشاکلمبی را با برچسب سرخپوست مشخص کرده‌ام. گذشته از چند نام که در سالهای اخیر یافته‌ام و به اصل این اثر افزودم، کلیت آن همان است که در سال 1380 نوشته شد و در 1382 قراردادی بستیم و انتظار چنین بود که نشر نی منتشرش کند، که به دلیل فضای نامساعد آن روزها نکرد و کتاب ماند تا امروز که الکترونیکی منتشر می‌شود.

## آ

آئولوس (Aulus ♂♂ لاتین) صلح، از ریشه‌ی لاتین.

آئونگوس (Aonghus ♂♂ آنگلساکسون) قدرت یگانه، از ریشه‌ی اسکاتِ aon (یک) و ghus (قدرت).

آئیولوس (Aiolos ♂♂ یونانی) تندرو، از ریشه‌ی یونانی باستان αἰολος (تندرو) [خدای باده‌ها].

آباس (Abas ♂♂ یونانی) سوسمار [از پهلوانان تروایی در ایلید].

آبان (𐎠𐎴𐎡𐎴 پارسی) منسوب به آب، با ایزدباستانی آبها آپام نپات هم ریشه است [صفت آناهیتا در اساطیر ایرانی].

آبتین (♂♂ پارسی) فرزند آب، آورنده‌ی روشنی، از ریشه‌ی اوستایی آئویه (فرزند آب) که همتای واژه‌ی

سانسکریت آپتیه (آورنده‌ی روشنی، صفت ابر) است [پدر فریدون که به دست صحاک کشته شد].

آبدروس (Abderus ♂♂ یونانی) پسرِ جنگ [اسم منطقه‌ای در یونان].

آبدون (Abdon ♂♂ عبری) ابرِ داوری [ابری که قوم یهود را در بیابان راهبری می‌کرد].

آبشالوم (Abshalom ♂♂ عبری) پدرم صلح است، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و شلوم (صلح).

آبنر (Abner ♂♂ عبری) پدرم نور است، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و نر (نور).

آبیل (♂ Abiel عبری) پدرم خداست، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و ایل (خدا).

آپریل (♂ April انگلوساکسون) گشاینده، از ریشه‌ی لاتین (aperire گشودن) [نام یکی از ماه‌های اروپایی].

آپولو (♂ Apollo یونانی) مربوط به سیب (!)، نابودکننده، از ریشه‌ی یونانی باستان (سیب) πολλυμ (خدای خورشید و موسیقی).

آپیس (♂ Apis یونانی) مدت‌ها پیش، از ریشه‌ی یونانی باستان απισ.

آتا (♂ ترکی) پدر، موسس [آتاتورک = پدر ترکیه].

آتاراه (♂ Atarah عبری) خوشبخت، شاد.

آتاهامیتی اینشوشیناک (♂ ایلامی) اینشوشیناک پدری وفادار است، از ریشه‌ی ایلامی آتاهامیتی (پدر وفادار) و اینشوشیناک (خدای شوش) [شاه ایلام].

آتای (♂ ترکی) مشهور، معروف.

آترئوس (♂ Athreus یونانی) بی‌پروا، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه، پیشوند نفی) و θρεω (ترسیدن، احتیاط کردن) [از پهلوانان آخانی].

آتروپوس (♂ Atropus یونانی) انعطاف‌ناپذیر، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه، پیشوند نفی) و τροπειεν (خم شدن، تغییر شکل دادن) [از پهلوانان ایلیاد].

آتسز (♂ ترکی) بی نام یا لاغر، از ریشه‌ی ترکی آت (گوشت) یا آو (نام) و سیز (نه، فاقد) [از امیران خوارزمشاهی].

آتلاق (♂ ترکی) فهم، شعور.

آتِلانت (Atlanta ♂ یونانی) نستوه، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه، پیشوند نفی) و τλειη (خسته

شدن) [نام قومی اساطیری].

آتلی (♂ ترکی) اسب سوار.

آتِنَا (Athena ♀ یونانی) ملکه‌ی بهشت [ایزدبانوی خردمندی و صلح].

آتوسا (♀ پارسی) دارنده‌ی پاهای زیبا، برساخته از بن اوستایی هو(نیک، زیبا) و تئوسَه (پا، ران) [همسر

گشتاسپ و مادر اسفندیار در روایت زرتشتی].

آتوم (Atum ♂ مصری باستان) کامل [خدای خورشید شامگاهی].

آتیس (Atys ♂ یونانی) بدشانس [در اساطیر یونانی چوپانی که عاشق سیبل شد]..

آتِیلا (♂ ترکی) آهن [جهانگشای هون].

آجار (♂ ترکی) قوی پنجه، کسی که با چنگ کردن چیزی [اسم قبیله‌ایست].

آچِیق (♂ ترکی) وسیع، گسترده.

آحَاب (Ahab ♂ عبری) عمو، از ریشه‌ی عبری آهی (برادر) و آب (پدر) [از شاهان یهودی].

آحْموسَه (Ahmose ♂ مصری باستان) ماه زاده شد، از ریشه‌ی مصری باستان آح (ماه) و موسَه (نوزاد،

زاییده شدن) [نخستین فرعون دودمان هژدهم].

آخَان (Achan ♂ عبری) ترسناک، مهیب، از ریشه‌ی عبری آخار (ترسناک).

آخائِئوس (Achaeus ♂ یونانی) عزادار، از ریشه‌ی یونانی باستان αχαια [جد اساطیری

یونانیان/آخائی‌ها].

آخپرکارع (♂ Akheperkare مصری باستان) روح رع پر عظمت است، از ریشه‌ی مصری باستان آخپر  
(عظمت)، کا (روح) و رع [لقب توت‌موزیس اول از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آخپرنرع (♂ Akheperenre مصری باستان) رع پر عظمت است، از ریشه‌ی مصری باستان آخپر  
(عظمت) و رع [لقب توت‌موزیس دوم از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آخپرورع (♂ Akheperure مصری باستان) تجلیات رع پر عظمت هستند، از ریشه‌ی مصری باستان  
آخپر (عظمت) و رع [لقب آمن حوتپ دوم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].  
آخشام (♂ ترکی) عصر، غروب.

آخلوئیس (♀ Achelois یونانی) مهارکننده‌ی مرگ، از ریشه‌ی یونانی باستان αχελειν.

آخن آتن (♂ Akhenaten مصری باستان) خدمتگزار آتون، از ریشه‌ی مصری باستان آخن (خدمتگزار)  
و آتون (خدای خورشید) [لقب آمن حوتپ چهارم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آخیلوس (♂ Achillus یونانی) نام رودی در یونان، درد (?)، برگرفته از axelous نام رودی یا از  
ریشه‌ی یونانی αχολος (درد) [پهلوان بزرگ آخائی در ایلید].

آدا (♀ پارسی) پاداش و جزای روز قیامت، پادافره، به معنای پاداش است [نام دیگر ایزدبانوی آشی در متون  
اوستایی است].

آدا (♂ ترکی) جزیره.

آداخ (♂ ترکی) نامزدی.

آدالیا Adalia (♂ عبری) یهوه عادل است، از ریشه‌ی عبری آدل (عادل) و ایل (خدا).

آدبورگا ( Eadburga آنگلو ساکسون) دژ ثروتمند، از ریشه‌ی انگلیسی باستان ead ثروت) و  
burga (دژ، قلعه)

آدلاید (Adelaide) آنگلو ساکسون) شریف‌زاده، اصیل‌زاده، از ریشه‌ی ساکسونی adal نجیب،  
شریف) و heid (نوع، رده) [زنِ اوتوی بزرگ در اساطیر آنگلو ساکسون].

آدلپرید (Adelpryd) آنگلو ساکسون) قدرتِ اشرافی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی،  
نجیب) و pryd (قدرت).

آدلرد (Adelred) آنگلو ساکسون) مشاور اشرافی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی، نجیب)  
و raed (مشاور) [نام دو تن از شاهان ساکسون در انگلستان].

آدلستان (Adelstan) آنگلو ساکسون) سنگِ سلطنتی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی،  
نجیب) و stan (سنگ) [از شاهان باستانی انگلستان].

آدلفرید (Adelfrid) آنگلو ساکسون) صلح اشرافی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان Adel (اشرافی،  
نجیب) و frid (صلح).

آدم (Adam) عبری) ساخته شده، یا سرخ، از ریشه‌ی آشوری آدامو (ساخته شده) یا واژه‌ی عبری آدم  
(سرخ).

آدولف (Adolph) آلمانی) گرگ نجیب، از ریشه‌ی آلمانی aed (نجیب) و wolf (گرگ).

آدونیجاه (Adonijah) عبری) سرور من یهوه است، از ریشه‌ی عبری آدونی (سرورم) و جاه (یهوه).

آدونیس (♂ Adonis فنیقی) سرور ما، از ریشه‌ی آرامی آدو (ارباب) و پسوند نا (مال ما) [از خدایان کشاورزی سوریه].

آدیتی (♀ هندی) بی‌کرانه، بی‌پایان، در سانسکریت अदिति از دو بخش آ (نه) و دیتَه (تمام شدن) تشکیل یافته است [ایزدبانوی زاینده‌ی ایزدان بسیار در وداها]

آدیسا (♂ Adisa آفریقایی) کسی که روشن و شفاف است، از ریشه‌ی یوروبا [باقی مانده در نام آدیس‌آبابا]

آذر (♀ پارتی / ♂ پارسی) آتش، از ریشه‌ی اوستایی سده (آثره) و پهلوی آتور و آتخش [از ایزدان مهم ایرانی، پسر اهورامزدا].

آذرباد / آتورپات (♂ پارسی) نگهبان آتش، بر ساخته از آتور (آتش) و پات (پاییدن) در پارسی باستان [سردار هخامنشی که راه ورود اسکندر به ماد را سد کرد و نام خود را به آذربایجان داد]

آذرگشسپ / آذرگشنسپ (♂ پارسی) آتش‌اسب، از ریشه‌ی پهلوی آتور (آتش)، گوشن (نرینه) و آسپ (اسب) [سردار بزرگ خسرو پرویز].

آرئیا (♀ Areia یونانی) شبیه جنگ، از ریشه‌ی یونانی باستان αρεσ [لقب آتنا].

آرابلا (♀ Arabella انگلوساکسون) نیایشگران، از ریشه‌ی لاتین arabelle (نیایش کردن).

آراتا (♂ Arata ژاپنی) تازگی.

آراچی (♂ ترکی) میانجی، واسطه.

آراز (♂ ترکی) رود ارس.

آرام (♂ Aram عبری) متعالی، از ریشه‌ی سامی باستان [جد آرامی‌ها].

آران (♂ ترکی) جلگه، زمین پست.

آرانتخا (♀ Arantxa باسک) بوته‌ی پر خار.

آرتائونیس / آرتاوند (♂ پارسی) دارنده‌ی پارسایی، یونانی شده‌ی آرتَه (پارسایی) و پسوند -وند [از مهندسان دوران داریوش بزرگ]

آرتابرن / ارته‌برزنَه (♂ پارسی) بلندای پارسایی، راستیِ تناور، برساخته از ارته (پارسایی و راستی) و برزنَه (بلند و تناور) در پارسی باستان [پسر داریوش بزرگ]

آرتاتَهَم / آرتَه‌تَخَمَه (♂ پارسی) نیروی پارسایی، کسی که به خاطر پرهیزگاری زورمند شده، از ریشه‌ی پارسی باستان آرتَه (پارسایی) و تَهَمَه (زورمندی و درستی) [زرگری از کارمندان تخت جمشید]

آرتاخائس / ارته‌خایَه (♂ پارسی) از نژاد پارسا، از تبار راستکاران، یونانی شده‌ی نامی که در پارسی باستان از ارته (پارسایی) و خایَه (تبار، نژاد) تشکیل شده [از مهندسان مشهور دوران داریوش بزرگ]

آرتاسوراس / آرتَه‌سورَه (♂ پارسی) قدرتِ پارسایی، برساخته از دو بخشِ ارته (پارسایی) و سورَه (نیرومند) [شهربان ماد در عصر هخامنشی]

آرتاکام / آرتَه‌کامَه / آرتاکامس (♂ پارسی) آرزومندِ راستی، دوستدار پرهیزگاری، برساخته از ارته (راستی و پرهیزگاری) و کامَه (آرزو، میل) در پارسی باستان [نام سردار فریگی کوروش بزرگ]

آرتام (♂ ترکی) برتری، ارزش.

آرتاواز / آرتاباسوس (♂ پارسی) نیکوکار، احتمالاً همان آرتاورز است [شاه ارمنستان در دوران سلوکی]



آرتاورز/ ارتَه‌وَرَدِيَه (♂ پارسى) نيكوكار، پارسا، برساخته از آرتَه (پارسايى) و وَرَدِيَه (ورزیدن، انجام دادن)  
[سردار داریوش بزرگ]

آرتمیس (♀ Arthemys یونانى) سرچشمه‌ی برتر آب [ایزدبانوی شکار].

آرتور (♂ Arthur سلت) مردِ خرس، از ریشه‌ی سلتی art (خرس) و viros (مرد) [پادشاه افسانه‌ای  
انگلستان].

آرتیق (♂ ترکی) زیاد، برتر، بالا.

آرخلائوس (♂ Archelaus یونانى) فرمانروى مردمان، از ریشه‌ی یونانى باستان αρχι (رهبر، برتر،  
رأس).

آرخياس (♂ Archias یونانى) برجسته، آشکار، از ریشه‌ی یونانى باستان از ریشه‌ی یونانى باستان αρχι (رهبر، برتر، رأس).

آرچیپه (♀ Archippe یونانى) جادوگرِ مسلط، از ریشه‌ی یونانى باستان αρχι (رهبر، برتر، رأس).

آردالوس (♂ Ardalus یونانى) کثیف.

آردن (♂ Arden آنگلساکسون) دره‌ی عقاب، از ریشه‌ی انگلیسی باستان arn (عقاب) و den (دره).

آرس (♂ Ares یونانى) ویرانگر، از ریشه‌ی یونانى αρχι (ویرانى) [خدای جنگ]

آرش (♂ پارسى) درخشنده، از ریشه‌ی اوستایی اَرخْشَه (درخشان) [پدر منوچهر کیانی، در حماسه‌ی نبرد  
ایران و توران، کمانگیری است که مرز دوکشور را با پرتاب تیری تعیین کرد].

آرشیبالد (Archibald ♂) آنگلو ساکسون) جسورِ بزرگ، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\rho\chi\iota$  (برترین،

بزرگترین)، و اسم ساکسونی bald (شجاع).

آرغیش (♂ ترکی) کاروان.

آرکل (Arkell ♂) آنگلو ساکسون) کلاهخودِ عقاب، از ریشه‌ی نوردیک باستان arn (عقاب) و kell

(کلاهخود).

آرگیوس (Argeius ♂ یونانی) سفید شده، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\rho\gamma\omicron\sigma$  (درخشش).

آرگوس (Argus ♂ یونانی) درخشان [largus از پادشاهان ایلید].

آرگونات (Argonautes ♂ یونانی) کشتی درخشان، از ریشه‌ی یونانی  $\alpha\rho\gamma\upsilon\sigma$  (درخشش) و

$\nu\alpha\upsilon\tau\omicron\sigma$  (ناو، کشتی) [دریانوردانی که به جستجوی پشم زرین با جیسون همراه شدند].

آرگیوپه (Argiope ♀ یونانی) سفیدرو، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\rho\gamma\upsilon\sigma$  (درخشان) و  $\iota\omicron\pi\eta$  (چهره)

[مادر اروپا و زن شاه فنیقیه].

آرمان (♂ پارسی) آرزو، حیرت، امید، از ریشه‌ی پارسی [از سرداران خسرو پرویز].

آرمنوس (Aremenus ♂ یونانی) اتحاد.

آرنا (Arnaea ♀ یونانی) میش.

آرناکیا (Arnakia ♀ یونانی) پوست گوسفند.

آرنولد (Arnold ♂ آنگلو ساکسون) قدرت عقاب، از ریشه‌ی نوردیک باستان arn (عقاب) و wald

(قدرت).

آرینه ( Arene یونانی) شبیه مرد، مردانه [اسم شهری در بئوسی].

آروگان ( هندی) قهرمان، در زبان تامیلی அருகன் مترادفی است برای مهاویره [بنیانگذار آیین جین]

آرونا ( Aruna هندی) غروب، از ریشه‌ی سانسکریت.

آرونداتی ( Arundhati هندی) نامحدود، نام ستاره‌ایست، از ریشه‌ی سانسکریت آ (نه، پیشوند نفی) و رونداهاتی (محدود) [زنِ واشیستا].

آرویگ ( Arevig ارمنی) شبیه خورشید.

آریا ( Aria یونانی) بلوط، از ریشه‌ی یونانی باستان αρια [معشوقه‌ی آپولون].

آریادنه ( Ariadne یونانی) مقدس‌ترین، از ریشه‌ی یونانی باستان αρι (برترین، بیشترین) و αδνη (تقدس) [دختر شاه کرت].

آریامن ( پارسی- هندی) دوستی با بیگانگان، مهمان‌نوازی [در وداها अर्यमन् از ایزدان خورشیدی و در اوستا 𐬀𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎𐬎 نماینده‌ی مهمان‌نوازی است]

آریستاگوراس ( Aristagoras یونانی) برگزیده‌ی بازار، از ریشه‌ی یونانی باستان αριστος (برگزیده) و αγορά (بازار، جای شلوغ) [شاه میلئوس در قرن پنجم پ.م].

آریستایوس ( Aristaeus یونانی) بهترین، از ریشه‌ی یونانی باستان αριστα (بهترین).

آریستوفانس (Aristophanes ♂ یونانی) آراسته، دارای بهترین ظاهر، از ریشه‌ی یونانی باستان  
αριστος (بهترین، برگزیده) و φανης (ظاهر، سر و وضع) [درام‌نویس مشهور یونانی و نویسنده‌ی کمدی  
ابرها].

آریستوکلس (Aristocles ♂ یونانی) افتخارِ اشراف، از ریشه‌ی یونانی باستان αριστος (بهترین،  
برگزیده) و κληα (افتخار) [نام اصلی افلاطون]

آریستومنیس (Aristomenes ♂ یونانی) نیروی برگزیده، بهترین قدرت، از ریشه‌ی یونانی باستان  
αριστος (بهترین) و μενεσ (قدرت) [رهبر قیام مسنی‌ها بر ضد اسپارتها در قرن هشتم پ.م].

آریستید (Aristid ♂ یونانی) برگزیده، نخبه، از ریشه‌ی یونانی باستان aristos (بهترین) [از افسران  
یونانی در نبرد سلامین].

آریسو (Arisu ♀ ژاپنی) آلیس، شکل ژاپنی شده‌ی نامی اروپایی..

آریل (Ariel ♂ عبری) شیرِ خدا، از ریشه‌ی عبری آری (شیر) و ایل (خدا).

آریون (Arion یونانی) بومیِ ارجمند، از ریشه‌ی یونانی باستان αρι (برترین، بیشترین) [اسبی بادپا که از  
آمیزش هادس و دمتر پدید آمد].

آزئوس (Azeus ♂ یونانی) خدمتگزارِ معبد، برگرفته از نام زئوس.

آزرمیدخت (♀ پارسی) دوشیزه‌ی همیشه جوان، از ریشه‌ی پهلوی آ (نه، پیشوند نفی)، زَریمه (پیر، شکسته)

و دوخت (دختر، دوشیزه) [ملکه‌ای ساسانی].

آزمان (♂ ترکی) بزرگ، تنومند .

آژاکس ( Ajax ♂ یونانی) نوحه‌خوان، مویه‌کنان، از ریشه‌ی یونانی باستان αἰαστεις (نوحه خواندن) [از پهلوانان آخائی در ایلیاد].

آژیدهاک / اژدها / ضحاک ( ♂ پارسی) اژدها، از ریشه‌ی پهلوی آژی (مار بزرگ)، ده و آک (عیب، نقص) به معنای ماری که ده نقص بزرگ را داراست [فرزند مرداس تازی که جمشید را نابود کرد و هزار سال بر ایران فرمان راند].

آسا (Asa ♂ عبری) پزشک، از ریشه‌ی عبری باستان.

آسپاسیا ( Aspasia ♀ یونانی) کسی که خوش آمده، یا دارنده‌ی اسب (؟) [همسر پریکلس آتنی]

آستروپه (Astrope ♂ یونانی) خورشید چهر، از ریشه‌ی یونانی باستان Ἀστρος (اختر، ستاره) و ἰοπη (چهره) [از پهلوانان آخائی در ایلیاد].

آستریتر ( Astrithr ♀ آنگلوساکسون) ایزدِ زیبا، از ریشه‌ی نوردیک باستان as (خدا) و trithr (زیبارو).

آسترید ( Astrid ♂ آلمانی) خدای زیبا، از ریشه‌ی ساکسونی as (خدا) و trid (زیبا).

آستریوس ( Asterius ♂ یونانی) آسمان پرستاره، از ریشه‌ی یونانی باستان Ἀστρος (اختر، ستاره).

آستور (Astor ♂ آنگلوساکسون) شاهین، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

آستیوِخا (Astiocha ♂ یونانی) صاحب شهر، کدخدا [از پهلوانان ایلیاد].

آستیاغ (Astyagus ♂ پارسی) نیزه‌انداز، شکل یونانی شده از آرشتی وِیگه که از دو بخش آرشتی (نیزه) و وِیگه (پرت کردن) تشکیل شده [آخرین شاه ماد]

آسِحْرِع (Asehre) ♂♂ مصری باستان) رع بزرگِ مجلس است، از ریشه‌ی مصری باستان آسِح (بزرگِ مجلس) و رع [لقبِ نحسی، نخستین فرعون دودمان چهاردهم].

آسْدیس (Asdis) ♂♂ آلمانی) خدا-ایزدبانو، از ریشه‌ی نوردیک باستان as (خدا) و dis (ایزدبانو).

آسْک (Asc) ♂♂ آنگلو ساکسون) درخت زبان گنجشک، از ریشه‌ی ساکسونی.

آسْکالافوس (Ascalaphus) ♂♂ یونانی) جغد گوش کوتاه [از پهلوانان آخائی در ایلیاد].

آسْکالوس (Ascalus) ♂♂ یونانی) تا وقتی که.

آسْکَلِپِوس (Asclepius) ♂♂ یونانی) همواره نجیب [پسر آپولون و خدای پزشکی].

آسِنَاث (Asenath) ♂♂ عبری) او به پدرش تعلق دارد، از ریشه‌ی مصری [نام همسرِ مصری یوسف].

آسوپِیوس (Asopius) ♂♂ یونانی) خاموش نشدنی، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه، هرگز) و σοπι (خاموش).

آسیا (Asia) ♂♂ لاتین) شرق، از ریشه‌ی آشوری «آسو» (شرق) [اسم رومی ایالتی واقع در آسیای صغیر].

آکویلا (Aquila) ♂♂ لاتین) عقاب.

آسیه (♀) عربی) پزشک، غمگین [اسم زن فرعون و مادرخوانده‌ی حضرت موسی].

آشتی (♂♂ پارسی) سازگاری و صلح و دوستی، از ریشه‌ی اوستایی آخْشتی و پهلوی آشت و آشتیه [نام ایزد صلح و آشتی در ایران باستان است].

آشِر (Asher) ♂♂ عبری) شادی.

آشور (Ashur ♂) عبری) قطب زمین در ریشه‌ی سومری (آنشار)، یا سرور در ریشه‌ی هند و ایرانی (آسوره) [ایزد بزرگ آشوریه‌ها].

آشور ایتیل ایلانی (♂ آشوری) آشور قهرمان خدایان است، از ریشه‌ی آشوری آشور (خدای بزرگ)، ایتیل (قهرمان) و ایلانی (خدایان) [شاه آشور در 623 پ.م.].

آشور بانپال (♂ آشوری) آشور تاج را بخشید، به آشوری: آشور بانی (بخشید) و اپلی (تاج) [شاه آشور در 668-627 پ.م.].

آشور نصیرپال (♂ آشوری) آشور حافظ تاج من است، از ریشه‌ی آشوری آشور (خدای بزرگ آشوریان)، نصیر (حفاظت می‌کند) و اپلی (تاج) [نام چند تن از شاهان آشور].

آشوکا (♂ هندی) بی‌درد و غم، در شکل سانسکریت اش (अशोक) بر ساخته از آ (نه) و سوکه (غم، سوگ) [اولین شاه بودایی هند، قرن سوم پ.م.].

آشیل / آخیلِس (Achilles ♂ یونانی) بدون لب، از ریشه‌ی یونانی باستان α (بدون) و χιλλεσ (لب) [از پهلوانان آخائی در نبرد تروا].

آغاجی (♂ ترکی) حاجب، پرده دار.

آغاوی (♀ Aghavi ارمنی) کبوتر.

آغداش (♂ ترکی) سنگ سفید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و تاش (سنگ) [آغداشلو: دارای سنگ سفید].

آغسال (♂ ترکی) مایل به سفید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و سال (شبیهِ).

آغوش (♂ ترکی) پرنده‌ی سپید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و قوش (نام پرنده‌ایست) [لقب غلامان ترک].

آفارئوس (Aphareus) ♂ یونانی) بی‌لباس، برهنه، از ریشه‌ی یونانی باستان α (بدون) و φαρησ (لباس، جامه) [از پهلوانان آخائی در ایلیداد].

آفرودیته (Aphrodite) ♀ یونانی) فرزند کف دریا [ایزدبانوی عشق و باروری].

آق قویونلو (♂ ترکی) صاحب گوسفند سپید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید)، قویون (گوسفند) و لو (پسوند مالکیت) [قبیله‌ای ترک که پیش از صفویان حاکم بخشی از ایران بودند].

آق سنقر (♂ ترکی) شاهین سپید، از ریشه‌ی ترکی آق (سفید) و سنقر (شاهین).

آکادموس (Academus) ♂ یونانی) اهل محله‌ای ساکت [پهلوانی که خانه‌اش را برای تدریس در اختیار افلاتون گذاشت، نام آکادمی از او مشتق شده].

آکاستوس (Acastus) ♂ یونانی) ناپایدار، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه) و χασθος (پایدار، ثابت) [از پهلوانان ادیسه].

آکاکئوس (Akakios) ♂ یونانی) بی‌گناه، از ریشه‌ی یونانی باستان α (پیشوند نفی) و kakios (پلیدی، گناه).

آکتایا (Actaea) ♀ یونانی) ساحلی، ساکن کنار دریا، از ریشه‌ی یونانی باستان ακτα (ساحل).

آکتایون (Actaeon) ♂ یونانی) ساکن ساحل، از ریشه‌ی یونانی باستان ακτα (ساحل) [برادر سمله که با جادوی آرتیمیس به گوزنی تبدیل شد و به دست سگهای شکاری‌اش کشته شد].

آکتور (Actor) ♂ یونانی) رهبر [پادشاه اوروکومن در ایلیداد].

آکتیس (Actis) ♂ یونانی) باریکه‌ی نور [اسم جزیره‌ای در یونان].



اَکِسْتِس (Acestes ♂ یونانی) بزِ شادمان.

اَکِمی (Akemi ♀ ژاپنی) زیبای درخشان.

اَکِنْرِع (Aqenenre ♂ مصری باستان) همچون روح رع، از ریشه‌ی مصری باستان آکنه (روان) و رع [لقب آپی دوم، از فراعنه‌ی دودمان پانزدهم].

اَکی (Aki ♀ ژاپنی) پاییز.

اَکیرا (Akira ♂ ژاپنی) هوشمندی، بلوغ.

اَکیکو (Akiko ♀ ژاپنی) فرزند پاییز.

اَکیو (Akio ♂ ژاپنی) پسر درخشان.

اَگاتا (Agatha ♀ آنگلوساکسون) خوب، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه، ضد) و γαθα (خرابی، فساد) [اسم کوچک نویسنده‌ی مشهور جنایی، آگاتا کریستی].

اَگاتانگوس (Agathangelos ♀ یونانی) فرشته‌ی خوب، از ریشه‌ی یونانی باستان αγαθος (خوب) و ανγγελος (فرشته).

اَگاتیرسوس (Agathyrus ♂ یونانی) بسیار خشمگین، از ریشه‌ی یونانی باستان αγα (بسیار) و θυρσος (خشم) [از پهلوانان جنگ تروا].

اَگاکلس (Agacles ♂ یونانی) بسیار ستوده شده، حمید، از ریشه‌ی یونانی باستان αγα (بسیار) و κλη (ستودن) [پدر اپیژه، از پهلوانان ایلیاد].

آگاگ (Agag) ♂ (عبری) جنگی.

آگاممنون (Agamemnon) ♂ (یونانی) بسیار با اراده، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\gamma\alpha$  (بسیار) و  $\mu\epsilon\mu\nu\sigma$  (اراده) [رهبر ارتش آخائی در جنگ تروا].

آگریئوس (Agreus) ♂ (یونانی) وحشی، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\gamma\rho\epsilon$  (حمله کردن و خشونت به خرج دادن)

آگریوپه (Agriope) ♀ (یونانی) دارای چهره‌ی وحشی، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\gamma\rho\epsilon$  (حمله و خشونت) و  $\iota\omicron\pi\alpha$  (چهره).

آگلانوس (Agelaus) ♂ (یونانی) چوپان [از پهلوانان جنگ تروا].

آگنس (Agnes) ♀ (انگلساکسون) بیگناهی، عصمت، از ریشه‌ی یونانی باستان  $agnos$  به همین معنا.

آگنی (Agni) ♂ (هندی) آتش، در منابع ودایی  $अग्नि$ ، به معنای شعله و آتش (از ایزدان مهم ریگ ودا)

آگنیتاس (Agnitas) ♂ (یونانی) پاک کننده [از پهلوانان جنگ تروا].

آگوستوس (Augustus) ♂ (لاتین) بزرگ، از ریشه‌ی لاتین  $augere$  (افزودن، زیاد کردن) [امپراتور بزرگ روم].

آگهارا (Aghara) ♂ (هندی) بی‌باک، شجاع، بر ساخته از ریشه‌ی سانسکریت آ (نه) و گُهارَه (ترسیدن) [ایزد ودایی خرد و شجاعت]

آل (Al) ♀ (چینی) دوست داشتنی.

آل (Al) ♀ (ژاپنی) عشق.

آلاباش (♂ ترکی) سگ شکاری.

آلاجا (♂ ترکی) رنگارنگ، ابلق.

آلاریک (Alaric ♂ آلمانی) قانونگذار اشرافی، کسی که برای همه قانونگذاری می‌کند، از ریشه‌ی گُتِ al (همه) و aric (قانون) [رهبر اقوام مهاجم ژرمن و فاتح رم].

آلاستور (Alastor ♂ یونانی) انتقامگیر، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\alpha\sigma\tau\epsilon\iota$  (انتقام گرفتن) [از پهلوانان جنگ تروا].

آلاقابی (♂ ترکی) دروازه‌ی بزرگ.

آلاکومینوس (Alalcomeneus ♂ یونانی) نگهبانِ قدرت [مربی آتنا].

آلان / آلن (Allen/Alan ♂ آنگلو ساکسون) خوش‌چهره، برازنده، قلوه سنگ، از ریشه‌ی برتون به همین معنا.

آلان (Alan ♂ آنگلو ساکسون) سنگ.

آلب ارسلان (♂ ترکی) شیر قهرمان، از ریشه‌ی ترکی الپ (قهرمان) و ارسلان (شیر) [سلطان سلجوقی].

آلپ اصلان (♂ ترکی) شیر قهرمان، از ریشه‌ی ترکی الپ (قهرمان) و اصلان (شکل تحریف شده‌ی ارسلان = شیر).

آلپ تکین (♂ ترکی) شاهزاده‌ی قهرمان، از ریشه‌ی ترکی الپ (قهرمان) و تکین (شهبزاده) [از سرداران مملوک سامانی].

آلتای (♂ ترکی) جنگل مرتفع.

آلتِس (Aletes ♂♂ یونانی) خانه به دوش، سرگردان [نام سرزمینی در یونان].

آلتون (Alton ♂♂ آنگلساکسون) ده کنار سرچشمه رودخانه، اسم خاصی از ریشه‌ی انگلیسی باستان.

آلتون تاش (♂♂ ترکی) سنگ طلا، از ریشه‌ی ترکی آلتین (طلا) و تاش (سنگ) [نام حاجب سلطان محمود غزنوی].

آلتین (♂♂ ترکی) زر، طلا.

آلدن (Alden ♂♂ آنگلساکسون) دوست قدیمی، از ریشه‌ی انگلیسی باستانی al (قدیمی، پیر [old]) و wyn (دوست).

آلدوس (Aldous ♂♂ آنگلساکسون) دوست قدیمی، شکل لاتینی شده‌ی آلدن.

آلسیبیاد (Alcibiades ♂♂ یونانی) آلت نیرومند، ابزار قوی [سردار آتنی].

آلسیوس / آکیوس (Alkaios ♂♂ آنگلساکسون) توانمند، از ریشه‌ی ساکسونی alk (قدرت) و aeus (پسوند نسبت)

آلفرد (Alfred ♂♂ آنگلساکسون) مشاور پریان، از ریشه‌ی ساکسونی alf (جن، پری) و raed (مشاور).

آلفسیگر (Alfsigr ♀♀ آلمانی) پیروزی پریان، از ریشه‌ی نوردیک باستان alf (جن، پری) و sigr (پیروزی).

آلفونس (Alfons ♂♂ آنگلساکسون) آماده‌ی نبرد، از ریشه‌ی آنگلساکسون adal (جنگ) و fons (آماده).

آلفیوس (Alpheius) ♂ یونانی) سفید، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\beta\alpha$  [نام رودی در آرکادیا].

آلفین (♂ ترکی) شجاع.

آلکازار (Alcazar) ♂ اسپانیایی) کوتاه قد، یا قیصر، از ریشه‌ی عربی القصر یا القیصر.

آلکسینوس (Alexinus) ♂ یونانی) یاریگر، پاسدار، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\epsilon\xi\omicron\sigma$  (یاور، مراقب)

[از تزارهای روسیه].

آلکسیون (Alxion) ♂ یونانی) بومی جنگجو، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\kappa\iota$  (نیرومند).

آلکمایون (Alcmaeon) ♂ یونانی) جستجوگر نیرومند، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\kappa\iota$  (نیرومند) و

$\mu\alpha\epsilon\omicron\nu$  (جستجو).

آلکمنه (Alcmene ♀ یونانی) کسی که به کمک ماه نیرومند شده، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\kappa\iota$

(نیرومند) [زن آمفیتریون و مادر هرکول].

آلکیمدس (Alcimedea) ♂ یونانی) آلت نیرومند، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\lambda\kappa\iota$  (نیرومند) و  $\mu\epsilon\delta\omicron\sigma$

(ابزار، وسیله).

آلگار (Algar) ♂ آنگلساکسون) نیزه‌ی پریان، از ریشه‌ی ساکسونی  $alf$  (جن، پری) و  $gar$  (نیزه).

آلگرنون (Algernon) ♂ آنگلساکسون) سیپلو، شکل ساده شده‌ی عبارت نورمنی  $aux gernon$

(دارای سیپل).

آلما (Alma ♀ اسپانیایی) روح، یا پرستار، این عبارت در اسپانیایی روح و در لاتین پرستار معنا می‌دهد.

آلمیرا (Almira ♀ اسپانیایی) امیر، سرور، از ریشه‌ی عربی «الأمیر».

آلوار (Alvar) ♂ آنگلساکسون لشکر پریان، از ریشه‌ی ساکسونی alf (جن، پری) و ahere (لشکر).

آلوارو (Alvaro) ♂ آنگلساکسون نگهبان همه، از ریشه‌ی آنگلساکسون al (همه) و waro (حفاظت کردن).

آلوپکوس (Alopecus) ♂ یونانی) روباه [یکی از دو برادری که با دیدن تندیس آرتیمیس دیوانه شدند].  
آلون (Allon) ♂ عبری) بلوط.

آلویس (Alvis) ♂ آلمانی) خردمند کامل، از ریشه‌ی نوردیک باستان al (همه) و vis (خرد) [کوتوله‌ای که دختر ثور را به زنی گرفت].

آلوین (Alvin) ♂ آنگلساکسون) دوست پریان، از ریشه‌ی ساکسونی alf (جن، پری) و wyn (دوست).

آلیز (Aliz) ♂ ترکی) بیمار، ناخوش.

آلیسون / آلیس (Alison / Alice) ♀ گل - فرانسه‌ی کهن) اشرافی.

آمابل (Amabel) ♀ آنگلساکسون) دوست داشتنی، وام‌واژه از لاتین amabilis از ریشه‌ی amora (عشق).

آمارانت (Amarante) ♀ یونانی) آشکار، برجسته، از ریشه‌ی یونانی باستان α (پیشوند نفی) و μαραντειεν (پنهان کردن).

آماریاه (Amariah) ♂ عبری) یهوه گفته، از ریشه‌ی عبری آمری (امر کرد) و جاه (یهوه).

آماریلیس (Amaryllis آنگلساکسون) جرقه زن، آتش افروز، از ریشه‌ی یونانی باستان  
αμαρυλλισ (جرقه زن).

آمازون (Amazon یونانی) زن ماه یا زن بی‌پستان، از ریشه‌ی یونانی باستان α (پیشوند نفی) و μαστια  
(پستان) [قومی از زنان جنگجو].

آمالثا (Amalthea یونانی) نرم، لطیف، از ریشه‌ی یونانی باستان αμαλθα (نرم و لطیف) [اسم  
بزی که زئوس در کودکی از پستانش شیر خورد].

آمالیا (Amalia آنگلساکسون) کاری، فعال، از ریشه‌ی انگلیسی باستان aemalia به معنای کار.

آمایا (Amaya ژاپنی) باران شبانه.

آمبر (Amber آنگلساکسون) مُشک، از ریشه‌ی عربی عنبر.

آمبروس (Ambros آنگلساکسون) نامیرا، جاویدان، از ریشه‌ی لاتین ambrosias به همین معنا  
[یکی از قدیسه‌های مسیحی].

آمپارو (Amparo اسپانیایی) سرپناه، محافظ.

آمتیست (Amethyst آنگلساکسون) هشیار، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه، ضد)، و μεθιστον  
(مستی) [اسم سنگی نیمه قیمتی].

آمفیتریون (Amphitryon یونانی) هجوم برنده به جلو و عقب، از ریشه‌ی یونانی باستان αμφι  
(دو طرف، جفت) و τρυος (مهاجم) [پادشاه تیرنت که زئوس در قالب وی در آمد و همسرش را بارور کرد].

آمفیکتیون (Amphictyon) ♂ یونانی متصل کننده، متحد کننده، از ریشه‌ی یونانی باستان αμφι (جفت، دو طرف) و εκτυον (رابط، واسطه) [داماد کرانائوس و شاه آتن].

آمفی لوخوس (Amphilochus) ♂ یونانی کمینگاهی با دو روزنه، از ریشه‌ی یونانی باستان αμφι (هر دو، جفت) و λοχυσ (روزنه، شکافی برای دیدن).

آمفیماروس (Amphimarus) ♂ یونانی کسی که می‌تواند با هر دو دستش شمشیر بزند، ذوالیمینین، از ریشه‌ی یونانی باستان αμφι (جفت، هر دو) و μαρυσ (به کار گرفتن) [نام پهلوانی است].

آمفیون (Amphion) ♂ یونانی شهروند دو کشور، از ریشه‌ی یونانی باستان αμφι (جفت، هر دو) و ον (پسوند نسبت) [از پهلوانان آخائی در ایلید].

آمن حوتپ (Amenhotep) ♂ مصری باستان آرامشِ آمون، آمون از او راضی است، از ریشه‌ی مصری باستان آمن (نام خدایی است) و حوتپ (راضی بودن) [نام چهار تن از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آمنم حِت (Amenemhet) ♂ مصری باستان آمون در سر است، از ریشه‌ی مصری باستان آمن (اسم خدایی است) ام (درون) و حِت (سر) [نام چند تن از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

آمنمِسس (Amenmesses) ♂ مصری باستان آفریده‌ی آمون، از ریشه‌ی مصری باستان آمون (نام خدایی است) و مسه (ساختن، زاییدن) [از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

آمنمِنیسو (Amenemnisu) ♂ مصری باستان آمون شاه است، از ریشه‌ی مصری باستان آمون و نیسو (شاه) [از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

آمنموپه (Amenemupe) ♂ مصری باستان آمون در جشنواره‌ی اوپت، از ریشه‌ی مصری باستان آمون و اوپت (نام جشن بزرگی بوده) [از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].



آمنه (♀) (عربی) مطمئن، فاعل از ریشه‌ی امن [مادر حضرت محمد].

آموس (Amos) (♂) (عبری) حمل کننده، حامل، از ریشه‌ی عبری آمو  $\text{אָמוֹס}$  (حمل کردن) [از نبی‌های یهودی].

آمون (Ammon) (♂) (یونانی) خاکی، شنی، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\mu\mu\mu\omicron\nu$  (گوسفند).

آمون (Amon) (♂) (مصری باستان) پنهان، از ریشه‌ی مصری باستان [خدای بزرگ خورشید].

آمیتیس (♀) (پارسی) اندیشه‌ی نیک،  $\text{Αμυτις}$  یونانی و  $\text{Amytis}$  لاتین شکل تحریف شده‌ی اسمی ایرانی است که در اوستایی به شکل هومیتی دیده می‌شود و شکل پارسی باستان‌اش احتمالاً اومتی ( $Umati^*$ ) بوده است. از دو بخش هو (نیک) و میتی / متی (اندیشه) ساخته شده است [دختر ارشتی و یگه آخرین شاه ماد و همسر کوروش بزرگ]

آمیل (Ammiel) (♂) (عبری) خدا خویشاوند من است، از ریشه‌ی عبری آم (خویشاوند) و ایل (خدا).

آن (♀) (Anne) (عبری) مادر مقدس، از ریشه‌ی عبری "هائه" (زن مقدس).

آن (An) (♂) (چینی) آرامش، صلح.

آنا (♀) (ترکی) مادر.

آناتولیا / آناتول (♀) / (♂)  $\text{Anatol / Anatolia}$  (یونانی) افق خاور، مشرق، از ریشه‌ی یونانی باستان

$\alpha\nu\alpha$  (به سوی بالا) و  $\tau\omicron\lambda\iota\alpha$  (آفتاب) [نام منطقه‌ی آسیای صغیر].

آناستازیا (♀) ( $\text{Anastasia}$  یونانی) رستاخیز، از ریشه‌ی یونانی  $\alpha\nu\alpha$  (به سوی بالا) و

$\sigma\tau\alpha\sigma\iota\alpha$  (ایستادن) [دختر آخرین تزار روسیه].

آنکس (♂ یونانی) شاه، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\nu\alpha\xi\omicron\sigma$  [از پهلوانان نبرد تروا].

آنکساگوراس (♂ یونانی)  $Anaxagoras$  شاه بازارها و محل‌های شلوغ (صفت استاد سخنوری)، از

ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\nu\alpha\xi\omicron\sigma$  (شاه، حاکم) و  $\alpha\gamma\omicron\rho\alpha$  (بازار) [از فلاسفه‌ی یونانی].

آناندا (♂ هندی) شادمانی و لذت [شاگرد و مرید بودا]

آناهیتا (♀ پارسی) بی‌آلایش، پاکیزه، از ریشه‌ی اوستاییِ آنا (نه، پیشوند نفی) و هیتَه (آلودگی، آلایش)

[ایزدبانوی آب و باروری در ایران باستان].

آناهید (♀ پارسی / ارمنی) ناهید.

آنتاگوراس (♂ یونانی) کسی که رویاروی بازار می‌ایستد، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\nu\tau\iota$

(رویارو، مقابل) و  $\alpha\gamma\omicron\rho\alpha$  (بازار).

آنتایوس (♂ یونانی) ستوده شده در دعاها.

آنتونیوس / آنتونی (♂ لاتین) گُل، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\nu\theta\omicron\sigma$  (گل) [سردار رومی و

شوهر کلئوپاترا].

آنته‌آ (♀ یونانی) نوعی گل.

آنتیبیا (♀ یونانی) قدرت پیشاروی، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\nu\tau\iota$  (رویارو، مقابل) [از

پهلوانان ایلپاد].

آنتیفاس (♂ یونانی) کسی که از جانب دیگری سخن می‌گوید، از ریشه‌ی یونانی باستان

$\alpha\nu\tau\iota$  (رویارو، مقابل) و  $\phi\alpha\sigma\iota\alpha$  (سخن گفتن) [از پهلوانان تروا در ایلپاد].

آنتیگونه (Antigone ♀ یونانی) به جای مادر، از ریشه‌ی یونانی باستان αἴτι (رویاری، به جای) و γυνή (زاینده، مادر) [دختر آگامنون].

آنتیلوخوس (Antilochus ♂ یونانی) کمین‌گر، از ریشه‌ی یونانی باستان αἴτι (مقابل، رویارو) و λοχυσ (جنگ).

آنتیوپه (Antiope ♀ یونانی) کسی که در نظر است، مورد توجه، از ریشه‌ی یونانی باستان αἴτι (رویاری، روبرو) و ἰοπη (چهره، صورت) [زن تزئوس و مادر هیپولیت].

آنتیوخوس (Antiochus ♂ یونانی) ضد راننده، کسی که با راننده‌ی گردونه می‌جنگد، از ریشه‌ی یونانی باستان αἴτι (رویاری، ضد) و οχυσ (راننده، ارابه‌ران) [از سرداران مقدونی].

آنجیب (Anedjib ♂ مصری باستان) قلبش ایمن است، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان نخست].

آنخ‌خپرورع (Ankhkheperure ♂ مصری باستان) زندگی از تجلیات رع است، از ریشه‌ی مصری باستان آنخ (حیات)، خپر (ظهور) و رع [لقب سمنخ‌کارع، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آندراسته (Andraste ♀ سلت) شکست‌ناپذیر [ایزدبانوی پیروزی].

آندروکلئا (Androclea ♀ یونانی) افتخار مردان، از ریشه‌ی یونانی باستان ἄνδρος (مرد) و κλεα (افتخار).

آندروگئوس (Androgeus ♂ یونانی) مرد زمینی، از ریشه‌ی یونانی باستان ἄνδρος (مرد) و γηα (زمین).

آندروماخه ( ♀ Andromache یونانی) نبرد مردان، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{Ανδρoσ}$  (مرد) و  $\text{μαχoσ}$  (نبرد) دختر ائتیون، زن هکتور از دلاوران تروا].

آندرومدا ( ♀ Andromeda یونانی) حاکم بر مردان، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{Ανδρoσ}$  (مرد) و  $\text{μεδa}$  (فرمان راندن) [زنی افسانه‌ای که به دست پرسئوس از چنگ اژدهایی نجات یافت].

آندرونیکوس (♂ Andronicos یونانی) پیروزیِ مردانه، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{Ανδρoσ}$  (مرد) و  $\text{νικη}$  (پیروزی)

آندره / آندرناس / اندرو (♂ Andreas / Andre یونانی) مرد.

آنسلم (♂ Anselm آلمانی) کلاهخود خدا، از ریشه‌ی آلمانی باستان  $\text{ans}$  (خدا) و  $\text{elm}$  (کلاهخود) [فیلسوف و متاله بزرگ انگلیسی].

آنگوس (♂ Angus آنگلوساکسون) انتخاب، گزینه.

آنگیتیا (♀ Angitia یونانی) الهی مار، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{ανγυτια}$  (مار).

آنمون (♀ Anemon آنگلوساکسون) شقایق، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{ανεμονη}$  (باد).

آنویس (♂ Anubis مصری باستان) شاهزاده، توله سگ، از ریشه‌ی مصری باستان آن (سلطنت) و پو (بچه، توله) [خدای راهنمای مردگان].

آنوش (♀ Anush ارمنی) شیرین.

آنوکت (♀ Anuket مصری باستان) در آغوش کشیدن، از ریشه‌ی مصری باستان [ایزدبانوی شهوت].

آنون (Anon) ♂ (عبری) ابر.

آنیک (Annick) ♀ (آلمانی) همان «آن» است.

آوان (♂ ترکی) دشمن، بی اعتنا.

آوسید (Avesid) ♂ (ارمنی) خبر خوب.

آوفه (Aoife) ♀ (سلت) زیبا، از ریشه‌ی گل aoibh (زیبا) [ملکه‌ای که از کوکولان شکست خورد و با او ازدواج کرد].

آهتاهاکاکوپ (Ahtahkakoop) ♂ (سرخپوستی) روپوشِ ستارگان، به زبان کری [رئیس قبیله‌ی کُری در قرن نوزدهم].

آی ایتِنجِر (Ay- Itnetjer) ♂ (مصری باستان) آی، پدر خدایان است، از ریشه‌ی مصری باستان آی (اسم خدایی است)، ایت (پدر) و نِجِر (خدایان) [از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

آی تیمور (♂ ترکی) آهن-ماه، از ریشه‌ی ترکی آی (ماه) و تیمور (آهن) [شاهی از دودمان سربداران 744-746 ه.ق].

آیا (Aya) ♀ (ژاپنی) رشته‌ی ابریشم.

آیاز (♂ ترکی) مهتابی، آسمان شبانه‌ی بی‌ابر [نام غلام مشهور سلطان محمود غزنوی].

آیاق (♂ ترکی) قدح، پیمانہ.

آیبک (♂ ترکی) سرورِ ماه، از ریشه‌ی ترکی آی (ماه) و بیک (ارباب، سرور) [از ممالیک مصر].

آیتک ( ♀ ترکی) مهوش، همچون ماه.

آی تکین ( ♂ ترکی) همچون ماه، ارزشمند.

آیتور (Aitor ♂ باسک) خوب.

آیتیولاس (Aethiolas ♂ یونانی) نابود کننده با آتش [از پهلوانان جنگ تروا].

آیخان ( ♂ ترکی) شاه ماه، از ریشه‌ی ترکی آی (ماه) و خان (ارباب، شاه) [پسر اوغوزخان مغول].

آیدا ( ♂ ترکی) در ماه.

آیدان (Aidan ♂ آنگلو ساکسون) آتش.

آیدین ( ♂ ترکی) روشن و آشکار.

آیریم ( ♂ ترکی) محل انشعاب جاده‌ها.

آیلوپوس (Aellopus ♂ یونانی) گامهای توفانی، از ریشه‌ی یونانی باستان aellos (توفان) و

pus (پا).

آیلیل (Ailil ♂ سلت) جن، پری، از ریشه‌ی سلتی [شوهر ملکه مائِب].

آیتزاره ( ♀ Aintzare باسک) پرافتخار

آییق ( ♂ ترکی) بیدار.

اِئَا (♂ سومری) خانه‌ی آبها، از ریشه‌ی سومری اِ (خانه، معبد) و آ (آب) [خدای آبهای جاری].

اِئَانَاتوم (♂ سومری) شایسته‌ی معبد اِئا، از ریشه‌ی سومری اِئَا (خدای آبها) و ناتوم (شایسته) [شاه لاگاش در میانه‌ی هزاره‌ی سوم پ.م].

اِئوس (Eos ♀ یونانی) غروب، از ریشه‌ی یونانی باستان eos (سحرگاه) [برادر هلیوس و سلنه و نوه‌ی اورانوس].

اِبْتِهَاج (♀ عربی) شادمانی، اسم هم ریشه‌ی بهجت.

اِبْدِنِگُو (Abednego ♂ عبری) بنده‌ی نبو، از ریشه‌ی بابلی عِبِد (بنده) و نِبُو (نام خدایی بابلی)

اِبْرَام (Abram ♂ عبری) پدرِ بلندی‌ها، از ریشه‌ی عبری اَب (پدر) و رام (اتفاع).

اِبْرَاهِیم (Ibrahim ♂ عبری) پدر همگان، از ریشه‌ی عبری اَب (پدر) و هَمون (همه، خیلی) [جدِ بزرگ اقوام سامی].

ابلیس (♂ عربی) نامید (از ریشه‌ی ایلاس و ییلِس: نامید شدن) ، یا خداوند (از شکل یونانی شده‌ی  $\delta\iota\alpha\beta\omicron\lambda\iota\varsigma$  : خدا) [لقب شیطان].

ابنزر (Ebenezer ♂ عربی) سنگ یاری‌گر، از ریشه‌ی عبری اب (سنگ) و نزر (یاری کردن).

ابوبکر (♂ عربی) پدر تازگی، از ریشه‌ی بکر [خلیفه‌ی دوم].

ابوتراب (♂ عربی) پدر خاک، از ریشه‌ی تراب (خاک).

ابوذر (♂ عربی) پدر مورچگان، از ریشه‌ی آب (پدر) و ذر (مورچه) [از صحابه].

ابونصر (♂ عربی) پدر پیروزی، از ریشه‌ی نصر (پیروزی) [ابونصر فارابی: دانشمند ایرانی].

آبتال (Abital ♀ عبری) پدرم شب‌نم شبانه است، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و تالو (شب‌نم).

آبیجه (Abijan ♂ عربی) پدرم یهوه است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و جاه/ یاه (یهوه).

آبیدان (Abidan ♂ عربی) پدرم قاضی است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و دان (قاضی).

آبیرام (Abiram ♂ عربی) پدرم متعالی است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و رام (بلند، مرتفع).

آبیشال (Abishal ♂ عربی) پدرم هدیه است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و شام (هدیه).

آبیگیل (Abigail ♀ عبری) پدرم خوشحال است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و گیل (خوشحال).

آبی‌مکش / آبی‌ملک (Abimalash ♂ عربی) پدر شاه، از ریشه‌ی عبری آب (پدر) و مکش (شاه، ملک)

[از شاهان کنعانی].

آبیهو (Abihu ♂ عربی) او پدرم است، از ریشه‌ی عبری آبی (پدرم) و هو (او).



آپوش (♂ پارسی) پوشاننده، از ریشه‌ی پارسی پوش (پنهان کردن) [نام دیو خشکسالی در اوستا که آنها را پنهان می‌کند].

اپونا (♀ Epona سلت) بانوی اسب، از ریشه‌ی سلتی epo اسب) [ایزدبانوی حامی اسبها و سوارکاران].

اپی‌تیمبریا (♀ Epitymbria یونانی) مربوط به مقبره، از ریشه‌ی یونانی باستان επι (روی) و τυμβρια (مقبره، سرداب).

اپیکتتوس (♂ Epiktetos یونانی) تازه به دست آمده [از حکمای بزرگ رومی].

اپیمتئوس (♂ Epimetheus یونانی) نزدیک‌بین، پس‌آگاه، کسی که بعد از وقوع از رخدادها خبردار می‌شود، از ریشه‌ی یونانی باستان επι (روی، بعد) و μηθ (دیدن) [از تیتان‌ها، برادر پرومته]

اتابک (♂ ترکی) پدر بزرگ، از ریشه‌ی ترکی آتا (پدر) و بیک (ارباب، سرور) [از خاندان‌های حاکم بر فارس].  
اتان (♂ Athan عبری) محکم، مقاوم.

اتراهیس (♂ سومری) بسیار عاقل، از ریشه‌ی سومری [لقب نوح در اساطیر سومری].

اتل (♂ Ethel آلمانی) اشرافی.

اتلیغ (♂ ترکی) سوار دلاور.

اتلیندا (♀ Ethelinda آنگلوساکسون) مار نجیب، از ریشه‌ی ساکسون aedel (مار) و linda (نجیب)

اتین (♀ Etain سلت) حسود؟، از ریشه‌ی ایرلندی باستان et (حسادت) [ایزدبانوی خورشید].

اثير (♂ عربی) درخشنده (صفت شمشیر)، اسم فاعل از ریشه‌ی اثير [ابن اثير، مورخ عرب].

احود/ ايهود (Ehud ♂ عبری) قوی.

اخذموس (Echedemus ♂ یونانی) حافظ مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان εχου (نگهبان) و δεμος (مردم).

اخفرون (Echephron ♂ یونانی) هوشمند، از ریشه‌ی یونانی باستان

اخيون (Echion ♂ یونانی) افعی نر، از ریشه‌ی یونانی باستان εχιο (افعی نر).

ادگار (Edgar ♂ آنگلساکسون) نیزه‌ی مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی aed (مقدس) و gar (نیزه).

ادموند (Edmund ♂ آنگلساکسون) حافظ/خانه‌ی مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی aed (مقدس) و mund (جهان، خانه).

ادوارد (Edward ♂ آنگلساکسون) نگهبان مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی aed (مقدس) و ward (نگهبان).

ادورنه (Edurne ♀ باسک) برف.

ادوم (Edom ♂ عبری) سرخ [از اقوام فلسطینی].

ادوین (Edwin ♂ آنگلساکسون) دوست مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی aed (مقدس) و win (دوست).

ادهم (♂ عربی) سیاه، صاحب اسب سیاه، اسم خاص [شاعری از عصر اموی و لقب ابراهیم ادهم صوفی].

ادیتا/ آیدا (Editha/ Ida ♀ آنگلساکسون) جنگ مقدس، از ریشه‌ی ساکسونی aed (مقدس) و aitha (جنگ).

اراتو ( Erato ♀ یونانی) عشق، محبت، از ریشه‌ی یونانی  $\epsilon\rho\alpha\tau\omega$  (عشق) [ایزدبانوی مرثیه و شعر غنایی، از موزها].

اراسموس ( Erasmus ♂ لاتین) دوست داشتنی، از ریشه‌ی یونانی  $\epsilon\rho\alpha\nu$  (دوست داشتن) [قدیس مسیحی قرن سوم و کیمیاگر عصر رنسانس].

ارتستون / ارته‌ستونه / ایرتشتونه ( ♀ پارسی) ستون پرهیزگاری، بر ساخته از آرتّه (پرهیزگاری، راستی) و ستونه (ستون) در پارسی باستان [دختر کوروش بزرگ]

آرجاسپ ( ♂ پارسی) دارای اسبانِ ارزشمند، از ریشه‌ی اوستاییِ آرجّه (ارج، ارزش) و اسپّه (اسب) [فرزند تور، شاه توران].

ارحوبوم ( Erhobum ♂ عبری) آزاد کننده‌ی مردم.

آردشیر ( ♂ پارسی) پادشاه مقدس، از ریشه‌ی پارسی باستانِ آرتّه (مقدس) و خُشّیّه (پادشاهی) [فرزند بیژن در شاهنامه، بنیانگذار دودمان ساسانی].

آردم ( ♂ ترکی) فضیلت، کار یا هنرِ خوب.

آردوان / آرتابانوس ( ♂ پارسی) یاریگرِ راستی و پاکی، از ریشه‌ی پهلویِ آرتّه (پاکی، تقدس) و پان (یاری‌رسان، نگهدار) [از شاهان اشکانی].

اردیبهشت ( ♂ پارسی) بهترین پارسایی، بر ساخته از ریشه‌ی اوستاییِ آرتّه (راستی، پارسایی) و وهیشتّه (بهترین) [نام یکی از فرشتگان زرتشتی]

آرژنگ / آرچنگ، آرْتَنگ (♂ پارسى) ارزشمند، پراج، از ریشه‌ی پارتی آرْتَنگ (پراج)، که خود احتمالاً از ریشه‌ی آرْجَنامَه مشتق شده [نام کتاب مانی پیامبر].

ارسطو / اسطاطالیس (♂ Aristoteles یونانی) دارای عالی‌ترین اهداف، از ریشه‌ی یونانی باستان αριστος (اشرافی، بلند مرتبه) و τέλος (غایت، هدف) [فیلسوف بزرگ یونانی].

ارسلان (♂ ترکی) شیر [از شاهان سلجوقی].

آرشتاد (♀ پارسى) راستی و درستی، از ریشه‌ی اوستایی [نام ایزدبانوی راستی و درستی در دین زرتشتی].

ارشمیدس (♂ Archimedes یونانی) استاد اندیشه، از ریشه‌ی یونانی باستان arxi (استاد، شاه) و medhs (اندیشه) [ریاضیدان و مهندس بزرگ یونانی].

ارفخشَد (♂ Arfakhshad عبری) رها کننده.

ارمغان (♂ ترکی) پیشکش، هدیه، از ریشه‌ی ترکی یرمغان (هدیه دادن).

ارنست (♂ Ernest آلمانی) جدی.

آرنواز (♀ پارسى) آنکه سخنش رحمت می‌آورد، از ریشه‌ی اوستایی آرَنَه (سزاوار، شایسته) و واچه (دختر جمشید) [واژه، سخن].

اروند / اورونتس (♂) نیرومند و تیزرو [شهربان ارمنستان در دوران اردشیر اول]

اریس (♂ Eris یونانی) ستیزه، انتقام، از ریشه‌ی یونانی باستان ηρις (کینه، انتقام) [کسی که با انداختن سیب طلایی برای زیباترین زن، بین سه ایزدبانو باعث مشاجره‌شان شد].

اریک (♂ Eric آلمانی) همیشه حاکم.

ارین (Erin) ♂ آنگلساکسون) ایرلندی، از ریشه‌ی سلتی Er.

ارینیس (Erinyes) ♂ یونانی) روح انتقامجو، از ریشه‌ی ηρις (کینه، انتقام) و υυοο (روان، روح) [الهه‌های انتقام].

ازتَب (Eztebe) ♂ باسک) شکل تغییر یافته‌ی استفان.

ازرا (Ezra) ♀ عبری) کمک و یاری، از ریشه‌ی عبری عزرا אֶזְרָא (کمک کردن).

ازهار (Ezra) ♀ عربی) گلها، اسم جمع از ریشه‌ی زهر (گل).

اُستاد (Astad) ♂ پارسی) راهبر، راهنما، از ریشه‌ی پهلوی اُشتاد [دلآوری در سپاه خسرو پرویز، نام فرشته‌ی نگهبان روز بیست و ششم ماه].

استالین (Stalin) ♂ اسلاو) پولادین، وامی از ریشه‌ی آنگلساکسون stal (فولاد) [دیکتاتور شوروی].

استانلی (Stanley) ♂ آنگلساکسون) دشت سنگ، از ریشه‌ی انگلیسی باستان stan (سنگ) و ley (دشت).

استانیمیر (Stanimir) ♂ بلغاری) دوستدار صلح، از ریشه‌ی بلغاری stan (دوستدار) و mir (صلح، آرامش).

استر (Ester) ♀ عبری) ستاره، از ریشه‌ی پارسی ستاره [زنِ عبرانیِ خشایارشا].

استریوگ (Stribog) ♂ اسلاو) خدای وزیدن، از ریشه‌ی اسلاو باستان stri (وزنده) و bog (خدا، بغ) [خدای بادها].

استفان (Stephan) ♂ یونانی) تاج.

استوارت (Stewart) ♂ (آلمانی) نگهدارنده، محافظ، از ریشه‌ی ساکسونی ste (پایدار) و ward (نگهبان).

استیگاندر (Stigandr) ♂ (آلمانی) سرگردان.

اسحاق (عربی) ♂ بلند، از ریشه‌ی عربی سحق (بلندی)، یا خندان از ریشه‌ی عبری [فرزند حضرت ابراهیم].

اسحاق (Isaac) ♂ (عبری) خندان، از ریشه‌ی عبری سحق (خندیدن) [پسر ابراهیم].

اسدالله (عربی) ♂ شیر خدا [لقب حضرت علی].

اسرائیل (Israel) ♂ (عبری) کسی که با خدا کشتی گرفت، از ریشه‌ی عبری ایسر יִסְרָאֵל (کشتی گرفتن)

و ایل יִשְׂרָאֵל (خدا) [لقب یعقوب].

اسرَحَدون (عربی) ♂ آشوری آشور تاج را عطا کرد، از ریشه‌ی آشوری آشِر (آشور)، اپلی (تاج) و ایدین (عطا کرد)

[شاه آشور در 680-668 پ.م].

اسعد (عربی) ♂ خوشایندترین، مبارک‌ترین، صفت برتر از ریشه‌ی سعد (خوشبختی).

اسفندیار (پارسی) ♂ آفریده‌ی مقدس، از ریشه‌ی اوستایی سپنته (مقدس) و داته (آفریده، داده شده) [پهلوان

رویین تن ایرانی و پسر گشتاسپ].

اُسکار (Oscar) ♂ (آنگلوساکسون) نیزه‌ی خدا، از ریشه‌ی ساکسونی as (خدا) و gar (نیزه).

اسکندر (Alexander) ♂ (یونانی) حافظ مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان αλεξίς (نگهبان، پشتیبان) و

ανδρῆα (مردان) [جهانگشای مشهور].

اسکوتیا (Scutia) ♂ (یونانی) تاریکی، از ریشه‌ی یونانی باستان σκυτία (تاریکی، ظلمت).

اسکولاپیوس (Aesculapius) ♂ یونانی) آویخته از بلوط بلند، از ریشه‌ی یونانی باستان αἰσχυρος (بلوط و λαπει (آویختن) [خدای پزشکی و درمان].

اسماعیل (Ismael) ♂ عبری) خدا می‌شنود، از ریشه‌ی عبری سمع שמע (شنیدن) و ایل יל (خدا) [پسر ابراهیم].

اسوابوگ (Svabog) ♂ اسلاو) خدای خورشید، از ریشه‌ی اسلاو باستان sva (خورشید) و bog (خدا، بیغ) [خدای خورشید].

اسوتلانا (Svetlana) ♂ بلغاری) نور، از ریشه‌ی بلغاری svet (نور).

آشتون (Ashton) ♂ آنگلو ساکسون) شهر درخت زبان گنجشک، از ریشه‌ی انگلیسی باستان ash (درخت زبان گنجشک) و ton (شهر).

اشرف (عربی) ♂ شریف‌ترین، صفت تفضیلی از ریشه‌ی شرف [رییس ایل غلزایی از افغانستان و فاتح ایران].  
اشکان (پارسی) ♂ منسوب به ارشک [لقب پادشاهان سلسله‌ی اشکانی].

اشکناز (Ashkenaz) ♂ عبری) آتش گسترده [پسر گومر].

آشمون هانو (Ashmunhanu) ♂ فنیقی) آشمون لطف کرد.

آشمونیاتون (Ashmuniaton) ♂ فنیقی) هدیه‌ی آشمون، از ریشه‌ی فنیقی آشمون (اسم خدایی) و عاطون (عطا کرد).

اصغر (عربی) ♂ کوچکترین، صفت عالی از ریشه‌ی صغر.

اصهب (عربی) ♂ موی سرخ و سفید، صفت شیر.

اطلس (Atlas ♂) یونانی) تحمل‌ناپذیر، یا نستوه، از ریشه‌ی یونانی باستان α (نه/نا)، و τλασειεν

(تحمل کردن) [غولی که جهان را بر پشتش نگه می‌داشت]

اغریرت (♂ پرسی) دارنده‌ی ارابه‌ی تندرو، از ریشه‌ی اوستایی اعره (پیش رونده) و رته (ارابه) [برادر

افراسیاب].

افرائیم (Ephraim ♂ عبری) بسیار بارور.

افراسیاب (♂ پرسی) هراس‌آور، از ریشه‌ی اوستایی فرنگرسین (ترسناک؟) [شاه توران، نام خدای ملی

تورانی‌ها].

افشار (♂ ترکی) شکارچی چابک، از ریشه‌ی ترکی آو یا آف (شکار) و شار یا چار (چابک) [نام قبیله‌ی

نادرشاه].

افشین (♂ پرسی) جنگجو، لقب امیران منطقه‌ی سغد و خوارزم [سرداری ایرانی که بابک خرمدین را شکست

داد].

افلاطون (Plato ♂ یونانی) درشت، تنومند، از ریشه‌ی یونانی Πλάτων (پهن و درشت و زمخت)

[فیلسوف بزرگ یونانی]

اکبر (♂ عربی) بزرگترین، صفت عالی از ریشه‌ی کبر.

اکرم (♂ عربی) بزرگوارترین، صفت عالی از ریشه‌ی کرم [لقب حضرت محمد].

اکلم‌دوگ (♂ سومری) پسر خوب شرق، از ریشه‌ی سومری ا (پسر)، کلمد (شرق) و دوگ (خوب) [شاه اور].

اکوان/ اکومن (♂ پرسی) بد اندیش، دشمن، از ریشه‌ی پهلوی اک (پلید) و منه (منش، اندیشه) [دیوی که

هماورد بهمن -از امشاسپندان- است].



اِکِیْدَنَه / اِخِیْدَنَه (Echidne ♀ یونانی) افعی ماده، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\epsilon\chi\iota\delta\nu\eta$  (افعی ماده) [همسر تیفون و زاینده‌ی دیوهای مهیب].

اِگِیْون / اِژِیْون (Aegaeon ♂ یونانی) همچون بز، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\alpha\epsilon\gamma\upsilon\sigma$  (بز) [جد افسانه‌ای مردم اژه‌ای، نام دریای اژه از اسم او مشتق شده].

الافیوس (Elaphios ♀ یونانی) شبیه به گوزن، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\epsilon\lambda\alpha\phi\alpha$  (گوزن).

البرز (پارسی ♂) هَرای بزرگ، هَرای سربلند، از ریشه‌ی پهلوی هَرا (نام خدایی باستانی و کوهی در شمال تهران) و بُرْزَیْتی (بلند، ستبر) [نام بزرگترین رشته کوه ایران است].

اَلْچِیچَک (ترکی ♂) گل سرخ، از ریشه‌ی ترکی آلا (قرمز) و چیچک (گل سرخ).

الحن (عربی) آوازاها، اسم جمع از ریشه‌ی لحن.

اَلْغِ بیک (ترکی ♂) امیر بزرگ، از ریشه‌ی ترکی الغ (بزرگ) و بیک (ارباب، سرور) [از شاهان گورکانی].

الودیا (Elodia ♀ اسپانیایی) ثروت دیگر، همه‌ی ثروت، از ریشه‌ی گوتی  $el$  (دیگر، همه) و  $odia$  (ثروت).

الون (Elon ♂ عبری) قوی.

الویرا (Elvira ♀ اسپانیایی) حقیقت محض، حقیقتی دیگر، از ریشه‌ی گوتی  $el$  (دیگر، همه) و  $vira$  (حقیقت).

الهام (عربی) سروش، پیام الهی.

الی (Eli ♂) عبری) خدای من، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و پسوند ملکی ی (مال من).

الیاس (Elias ♂ یونانی) شکلی یونانی شده (Ἠλίας) از نام عبری الیاهو אֱלִיָּהוּ یعنی یهوه خدای من است.

الیجاه (Elijah ♂ عبری) خدای من یهوه است، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و جاه/ یاه (یهوه)، همان الیاس است.

الیزابت (Elizabeth ♀ عبری) خدا سوگند من است، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و صابات (سوگند خوردن).

الیشا (Elisha ♂ عبری) خداوند نجات بخش است، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و ایشا (نجات دادن) [پسر یاوآن].

الیعازر (Eliezer ♂ عبری) خداوند یاری‌گر من است، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و عزر (کمک کردن) [مردی که مسیح زنده اش کرد].

الیفلت (Eliphelet ♂ عبری) خدا آزاد است، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و فلت (آزاد).

الیگیو (Eligio ♂ اسپانیایی) برگزیده، از ریشه‌ی لاتین eligere (انتخاب کردن).

انلیل نادین آخه (Ananias ♂ بابلی) انلیل برادری عطا می‌کند، تشکیل شده از انلیل (خدای بزرگ سومریان)، نادین (عطا می‌کند)، و آخه (برادر) [آخرین شاه کاسی حاکم بر بابل].

الیهو (Elihu ♂ عبری) یهوه خداست، از ریشه‌ی عبری ایل (خدا) و ایهو (یهوه).

امات بعل (Amatbaal ♂ فنیقی) خدمتگزار بعل، از ریشه‌ی فنیقی امات (خدمتگزار).

امام (♂ عربی) پیشوا.

امانوئل (Emmanuel ♂ عبری) خدا با ماست، از ریشه‌ی عبری ایمانو (همراه ما) و ایل (خدا).

امر (♀ Emer سلت) چابک، فرزند، از ریشه‌ی سلتی eimh (سریع).

آمرسین (♂ اکدی) گوساله‌ی سین، از ریشه‌ی اکدی آمر (گوساله و سین (خدای ماه) [شاه اور]).

ام‌کلثوم (♀ عربی) صاحب صورت گوستالو، دارای چهره‌ی فربه، از ریشه‌ی أم (مادر) و کلثوم (فیل).

آمورگه (♂ پارسی) جاویدان، بی‌مرگ، برساخته از آ (نه) و مورگه (مرگ) [سردار سکایی که متحد کوروش بزرگ بود]

امی (♀ Emi ژاپنی) زیبای آمرزیده شده.

امید (♂ ترکی) چشمداشت، از ریشه‌ی ترکی اومماق (انتظار داشتن) [گویا از ریشه‌ی پهلوی اَمِت به همین معنا وام‌گیری شده باشد].

امیر (♂ عربی) حاکم، فرمانروا، اسم فاعل از ریشه‌ی امر.

امیل (Emile ♂ آلمانی) کار.

امین (♂ عربی) قابل اعتماد، از ریشه‌ی امن [لقب حضرت محمد].

ان‌تمنه (♂ سومری) فرمانروای سکوی معبد، از ریشه‌ی سومری [شاه لاگاش، برادرزاده‌ی ائاناتوم].

انکی (Enki ♂ سومری) سرور آبها، از ریشه‌ی سومری ان (سرور) و کی (آب) [خدای باران].

انلیل (Enlil ♂ سومری) سرور آسمان، از ریشه‌ی سومری ان (سرور) و لیل (آسمان) [خدای آسمان].

انوخ (Enoch) ♂ (عبری) معلم، از ریشه‌ی سامی باستان [پسر قابیل].

انور (Anur) ♂ (عربی) نورانی‌ترین، صفت عالی از ریشه‌ی نور [انور سادات: رئیس جمهور مصر].

انوس (Enos) ♂ (عبری) مرد خانواده، از ریشه‌ی سامی باستان [پسر شیث].

انوشیروان (Anushirvan) ♂ (پارسی) دارای روان جاویدان، بر ساخته از پیشوند پهلوی آنا (نه، پیشوند نفی)، اوش (مرگ) و روان (روح) [پادشاه بزرگ ساسانی].

انهاید (Aeneid) ♀ (یونانی) ستودنی، از ریشه‌ی یونانی باستان αἴνε (ستودن).

انید (Enid) ♀ (سلت) روح، زندگی، از ریشه‌ی ولشی enaid (حیات).

انیس (Anis) ♂ (عربی) دوست، صفت از ریشه‌ی انس.

آنیسه (Anise) ♀ (عربی) همدم، اسم فاعل از ریشه‌ی انس.

اوارستا (Evarista) ♀ (اسپانیایی) خوشنود، راضی.

اوباریان (Ubarian) ♂ (عبری) پرستنده‌ی یهوه.

اوبرون (Auberon) ♂ (آلمانی) خرس نجیب، از ریشه‌ی آلمانی باستان adal (نجیب) و bern (خرس).

اوبری (Aubery) ♂ (آلمانی) قدرت پری، نیروی جن‌ها، از ریشه‌ی آلمانی باستان alb (پری) و rey/ric (قدرت).

اوبورزوس / وهوبرز (♂ Oborzos پارسی) شکل یونانی شده‌ی وهوبرزه در پارسی باستان [از اشراف پارسی دوران اسکندر]

اوترپه (♀ Euterpe یونانی) کسی که می‌داند چگونه مورد پسند واقع شود، خوشایند، از ریشه‌ی یونانی باستان εὐ (حقیقی، راستین) و τέρπη (لذت بردن، خوشایند بودن) [ایزدبانوی غزل و موسیقی، از موزها].  
اوتس (♂ Otes آلمانی) پسر اوت.

اوتنیل (♂ Othniel عبری) شیر خدا، از ریشه‌ی عبری اوتین (صفت شیر) و ایل (خدا).  
اوتومدون (♂ Automedon یونانی) حاکم مستقل، از ریشه‌ی یونانی باستان αὐτο (خود، خویشتن) و μεδη (اندیشیدن، حکم راندن) [گردونه‌ران آخیلوس در ایلید].

اودری (♂ Audry آلمانی) قدرت اشرافی.

اودورا (♀ Eudora یونانی) بخشنده‌ی نیک، از ریشه‌ی یونانی باستان εὐ (خوب، راستین) و δόρα (بخشش) [رهبر میمدون‌ها در ایلید].

اودوکسوس (♂ Eudoxus یونانی) پندار نیک، نی‌اندیش، از ریشه‌ی یونانی Eὖ (نیک، خوب) و δοξος (اندیشه) [از اخترشناسان قدیم یونانی]

اودیپوس (♂ Oedipus یونانی) دارای پای ورم کرده، از ریشه‌ی یونانی باستان oedos (متورم) و pus (پا) [پسر لائیوس پادشاه تبس که ندانسته پدر خود را کشت و با مادر خود ازدواج کرد].

اورانیا ( Urania یونانی) بانوی آسمان، از ریشه‌ی یونانی باستان urania (آسمان) [ایزدبانوی اخترشناسی، از موزها].

اورسولا ( Ursulla لاتین) خرس کوچک، از ریشه‌ی لاتین ursus (خرس) و پسوند ula (کوچک).

اورلیوس ( Aurelius لاتین) زرین، از ریشه‌ی لاتین aureus (طلا) [آخرین امپراتور بزرگ روم].  
اورنمو ( سومری) جنگجوی نَمو، از ریشه‌ی سومری اور (جنگجو) و نَمو (ایزدبانوی سومری) [بنیانگذار امپراتوری اور].

اوروتنر ( پارسی) نیرومند، زورمند، از ریشه‌ی اوستایی اوروه (زور و قدرت) [نام پسر زرتشت]  
اوروسار ( پارسی) نیرومند، زورمند، از ریشه‌ی اوستایی اوروه (زور و قدرت) [در اوستا احتمالاً لقب افراسیاب است]

اوری ( Uri عبری) نور.

اوریاہ ( Uriah عبری) یهوه نور من است، از ریشه‌ی عبری اوری (نور من) و آه (یهوه).

اوریل ( Uriel عبری) خدا نور است، از ریشه‌ی عبری اوری (نور) و ال (خدا).

اورینومه ( Eurinome یونانی) حاکم شهرهای دوردست، از ریشه‌ی یونانی باستان εϋρι (دور دست) و νομης (قانون، حکم) [زن زئوس و مادر کالیت‌ها].

اوز ( Oz عبری) محکم، قوی [پسر آرام].

اوزبک ( ترکی) امیر خوب، از ریشه‌ی ترکی اوز (خوب) و بیک (ارباب، سرور) [یکی از قبایل بزرگ تاتار].

اوزیبوس (Eusebius) ♂ یونانی) دیندار، پرهیزگار [مورخ بزرگ کلیسایی].

اوزی (Uzi) ♂ عبری) قدرت.

اوزیاه/ اوزیل (Uzziah/ Uzziel) ♂ عبری) قدرت خدا، از ریشه‌ی عبری اوزی (قدرت) و ال/ آه (خدا/یهوه).

اوساگی (Usagi ♀) ژاپنی) خرگوش.

اوسامو (Osamu) ♂ ژاپنی) قانون برتر.

اوسِرِّع (Auserre) ♂ مصری باستان) بزرگ و قوی همچون رع، برساخته از اوسر (قوی) و رع [لقب آپی اول، از فراغنه‌ی دودمان پانزدهم].

اوسِرِّکارع (Userkare) ♂ مصری باستان) روح رع نیرومند است، برساخته از اوسر (نیرومند)، کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان سیزدهم، با نام خنجر هم شناخته می‌شود].

اوسِرِّکاف (Userkaf) ♂ مصری باستان) روحش نیرومند است، برساخته از اوسر (نیرومند) و کا (روح) و ف (شبهه به) [نخستین فرعون دودمان پنجم].

اوسِرِّکاورع سِتپِنِرِع (Userkaure Setepenre) ♂ مصری باستان) تجلیات رع که توسط برگزیده شده‌اند نیرومند هستند، برساخته از اوسر (نیرومند)، کاو (ظهور)، رع، سِتپِن (برگزیدن)، و رع [لقب ستناخته، از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

اوسِرِّمات رع (Usermaatre) ♂ مصری باستان) عدالت رع نیرومند است، برساخته از اوسر (نیرومند)، مات (عدالت)، و رع [لقب رامسس پنجم، از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

اوسوا ( ♀ Usoa باسک) کبوتر

اوشاق ( ♂ ترکی) غلام بچه، کنایه به فرزند.

اوفرُوسینه ( ♀ Euphrosyne یونانی) شادی، از ریشه‌ی یونانی باستان εὐ (راستین، خوب) و φρῶσινη (شادمانی) [دختر زئوس و اورینومه، از کاریت‌ها].

اوفورتیلد ( ♀ Eoforthild آنگلوساکسون) گراز جنگجو، از ریشه‌ی ساکسونی eofort (گراز) و hild (جنگ).

اوکئانوس ( ♂ Oceanus یونانی) اقیانوس، دریا، از ریشه‌ی یونانی ὠκεανὸς (دریا) [فرزند اورانوس و گایا].

اوکا ( ♂ ترکی) مرد فرهیخته و باکیاست.

اولریش / اولریخ ( ♂ Ulrich آلمانی) قدرتمند و ثروتمند، از ریشه‌ی آلمانی باستان ul (همه) و rich (ثروت).

اولیمنه ( ♀ Eulimene یونانی) آسمان نیک، از ریشه‌ی یونانی باستان εὐ (نیک، راستین) و λιμνη (آسمان).

اولیور ( ♂ Oliver گُل - فرانسه‌ی کهن) زیتونی.

اوما ( ♂ Uma هندی) کتان، از ریشه‌ی سانسکریت.

اومتی ( ♀ پارتی) اندیشه‌ی نیک، بر ساخته از هو (نیک) و متی (اندیشه) در پارسی باستان [دختر خشایارشا]



اومفالیون (♂ Omphalion یونانی) دارای ناف کوچک، از ریشه‌ی یونانی باستان ομφαλυσ (ناف).

اومولپوس (♂ Eumolpos یونانی) دعاخوان [پسر پوزئیدون، شاه تراس و بنیانگذار آیین الوزیس].

اومه (♀ Ume ژاپنی) شکوفه‌ی آلو.

اوتتاش ناپیریشا (♂ ایلامی) ناپیریشا (نام خدایی) به من کمک کرد، از ریشه‌ی ایلامی اوتتاش (کمک کردن) [شاه ایلام در 75 پ.م].

اونگوس (♂ Aongus سلت) قدرت یگانه، از ریشه‌ی سلتی oen (یک، یکتا) و gus (قدرت) [خدای عشق و جوانی].

اونو (♀ Oeno یونانی) دوشیزه‌ی شراب.

اونیسه (♀ Eunice یونانی) پیروزی، از ریشه‌ی یونانی باستان εϋ (راستین) و νικη (پیروزی).

اووید (♂ Ovide لاتین) گوسفند، از ریشه‌ی لاتین ovis گوسفند [شاعر و مورخ رومی در قرن نخست میلادی].

اویسین (♂ Oisín سلت) خرس کوچک، از ریشه‌ی سلتی ois (خرس) و پسوند in (کوچک) [شاعری که نیام عاشقش شد].

اویغور (♂ ترکی) متفق، خویشاوند [نام قبیله‌ای ترک و شاخه‌ای از زبانهای قلمرو خاوری].

ایبزان (♂ Ibban عبری) فعال.

ایبی سین (♂ اکدی) کسی که به سوی سین فراخوانده شده، از ریشه‌ی اکدی ایبی (فرا خواندن) و سین (خدای ماه) [شاه اور در نیمه‌ی هزاره‌ی سوم پ.م].

ایتامار (Ithamar ♂) عبری) جزیره‌ی نخل، از ریشه‌ی عبری ای (جزیره) و تامار (خرما، نخل).

ایتزیار (Itzlar ♀) باسک) اسم روستایی، سنگ کهن معبدی

ایچیرو (Ichiro ♂) ژاپنی) پسر اول.

ایخابود (Ichabod ♂) عبری) افتخار کجاست؟

اینچل (Ixchel ♀) سرخپوستی) بانوی رنگین کمان، از ریشه‌ی مایا [ایزدبانوی زمین، ماه و پزشکی در میان مایاها].

ایدوتئا (Eidothea ♀) یونانی) همچون خدا، از ریشه‌ی یونانی باستان εἶδος (مشابه) و θεα (خدا) [دختر پرومتهوس و از فرشتگان دریا].

ایدویا (Idoya ♀) باسک) برکه

ایدویگ (Eadwig ♂) آنگلو ساکسون) غنیمت جنگی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان ead (ثروت) و wig (جنگ).

ایراد (Irada ♂) عبری) خر وحشی، از ریشه‌ی سامی کهن [پسر قایل].

ایرج (Aerj ♂) پارسی) آریایی، ایرانی، از ریشه‌ی ایرج اوستایی که با ایریچ پهلوی هم‌ریشه است [فرزند فریدون].

ایرداباما/ آرتابام (Artabam ♀) پارسی) روشنائی راستی، درخشش پرهیزگاری، بر ساخته از آرتَه (راستی، پرهیزگاری) و مامَه (روشنائی، درخشش) در پارسی باستان [مادر داریوش بزرگ]

ایرما (Irma ♀) آلمانی) تمام، کل، از ریشه‌ی آلمانی باستان Irmen (تمام).

ایرینه ( Irene ♀ لاتین) صلح [ایزدبانوی صلح].

ایزولڈ ( Isolde ♀ سلت) زیبا.

ایزیدور ( Isidor ♀ مصری باستان) هدیه‌ی ایزیس، بر ساخته از ایزیس مصری باستان (نام ایزدبانویی) و پسوند یونانی δώρα (هدیه).

ایزیس ( Isis ♀ مصری باستان) تاج، از ریشه‌ی مصری باستان آست (تاج) [ایزدبانوی باروری و خاک].

ایسا ( Isah ♂ عبری) پشمالو [برادر یعقوب].

ایساخار ( Isakhar ♂ عبری) پاداش گیرنده، کارگر مزدور [نهمین پسر یعقوب و بنیانگذار یکی از قبایل دوازده گانه‌ی یهودی].

ایسامو ( Isamu ♂ ژاپنی) شجاعانه.

ایسانا ( Isana ♂ هندی) حاکم، فرمانروا [ایزد پساوایی و لذت در وداها]

ایسایاه ( Isaiah ♂ عبری) رستگاری از آن خداست، از ریشه‌ی عبری یشا (سعادت) و یهو (یهوه)

ایشنی کاراب ( اکدی ♂) او دعاهای ما را نازل کرده است [خدای پیمان در میانرودان و ایلام].

ایکاروس ( Icarus ♂ یونانی) پیرو، از ریشه‌ی یونانی باستان ικαρος (دنباله‌رو) [پسر داندالوس که

به دلیل پرواز در نزدیکی خورشید بالهایش را از دست داد و در اثر سقوط به دریا کشته شد].

ایکشواکو ( Ikshvaku ♂ هندی) شکرین، شیرین (?)، در سانسکریت इक्ष्वाकु از ایکش (इक्षु) مشتق شده

که یعنی نیشکر [نیای بودا]

ایگور (Igor) ♂ (آلمانی) کمانگیر.

ایلدرم (İldırım) ♂ (ترکی) آذرخش، صاعقه [لقب بایزید اول عثمانی].

ایلدگلد (Ealdgylde) ♀ (آنگلوساکسون) جنگجوی پیر، از ریشه‌ی انگلیسی باستان eald (پیر) و glyd (نبرد، جنگ).

ایمامو (İmamu) ♂ (آفریقایی) رهبرِ ما، امام ما، از ریشه‌ی عربیِ امام.

ایم‌حوتپ (Imhotep) ♂ (مصری باستان) او در آرامش می‌آید، از ریشه‌ی مصری باستان حوتپ (آرامش، رضایت) [معمارِ زوسر، نخستین فرعون دودمان سوم].

ایملدا (İmelda) ♀ (آلمانی) جنگ کامل، از ریشه‌ی آلمانی باستان emen (کامل / همه) و hild (جنگ).

ایموگن (İmogen) ♀ (آنگلوساکسون) باکره، از ریشه‌ی ساکسون.

اینئاس (İneas) ♂ (یونانی) ستودنی، از ریشه‌ی یونانی باستان εἰναῖος (ستوده) [از پهلوانان جنگ تروا و نیای رومی‌ها].

ایناکِی (İnaki) ♂ (باسک) شکل تحریف شده‌ی ایگناسیوس.

ایندره (İndra) ♂ (هندی) بارانی [خدای باد و باران در وداها].

ایندیرا (İndira) ♀ (هندی) زیبایی، از ریشه‌ی سانسکریت [دختر جواهر لعل نهر و نخست وزیر هند].

اینشوشیناک (İnsuşinak) ♂ (ایلامی) خدای شهر شوش، از ریشه‌ی سومری نین-شوش-ایناک.

اینگ (İng) ♂ (آلمانی) آنکه بهترین است، از ریشه‌ی نوردیک باستان ingwaz (بهترین) [خدای باروری].

ایوب (♂ عربی) کسی که در روز سفر می‌کند، آن که باز می‌آید، اسم فاعل از ریشه‌ی اُوأب (باز آمدن)

[پیامبری در تورات].

ایون (Ion ♂ باسک) تحریف شده‌ی جان.

أبان (♂ عربی) روشن، آشکار، اسم فاعل از ریشه‌ی اَبن (آشکار کردن) [ابان ابن عثمان بن عفان، ابان ابن ولید

بن عقبه].

أبی (♂ عربی) پدر کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی اَب (پدر) [ابی بن کعب].

أحوس / أوس (♂ عربی) گرگ [نام قبیله‌ایست].

أدیب (♂ عربی) زیرک و نکته‌سنج، اسم فاعل از ریشه‌ی اَدب.

أرغد (♂ عربی) ثروتمند و خوشبخت، صفت برتر از ریشه‌ی رغد (دولتمندی).

أسد (♂ عربی) شیر.

أشهب (♂ عربی) سفیدی آمیخته با سیاهی (صفت شیر)، صفت از ریشه‌ی شهب (آمیختگی سیاهی و سفیدی).

أکلیل (♂ عربی) دستار شبیه به تاج.

أویس (♂ عربی) گرگ کوچک [اویس قرنی: از ستاینندگان حضرت محمد].

أیاد (♂ عربی) بازو، آغوش، از ریشه‌ی ید (دست) [جد قبیله‌ی بنوایاد].

أیاس (♂ عربی) عطیه، هدیه، از ریشه‌ی اَیس (عطا کردن).

أیهَم (♂ عربی) گستاخ و دلیر [الایهم بن جبلة الحارث الغسانی: شاه شام در عصر جاهلیت].

## ب

بئوولف (Beowulf ♂ آلمانی) خرس، از ریشه‌ی ساکسونی beo (زنبور) و wolf (گرگ).

بائنرِ مِری نِجِرو (Baenre-Merynetjeru ♂ مصری باستان) روح رع، محبوب خدایان، از ریشه‌ی مصری باستان با (روح)، رع، مِری (محبوب) و نِجِرو (خدایان) [لقب مرن‌پتاح، از فراغنه‌ی دودمان نوزدهم].

بائو (Bao ♂ چینی) گنجینه، گرانبها.

بائی (Bai ♂ چینی) سفید.

باتو (♂ ترکی) قوی و سخت [نوه‌ی چنگیز].

بادی (♂ عربی) آشکار، آغازگر، اسم فاعل از ریشه‌ی بدو (آغاز).

بارتولومئو (Bartholomew ♂ عبری) پسرِ کسی که شخم می‌زند، شکل یونانی شده‌ی نامی از ریشه‌ی آرامی بن / بار (پسر، فرزند) تولمای (شخم زدن).

بارع (♂♂ عربی) صاحب برتری در علم، اسم فاعل از ریشه‌ی برع (برتری).

بارلاس (♂♂ ترکی) قهرمان دلیر، از ریشه‌ی ترکی برلاس [یکی از چهار قبیله‌ی مهم جغتایی].

بارمان (♂♂ پارسی) محترم، دارای روح بزرگ، از ریشه‌ی پهلوی بار (بزرگ، باشکوه) و مَنَه (اندیشه، فکر) [از پهلوانان شاهنامه].

باری (Barry) ♂♂ آنگلساکسون) نیزه.

باسایوان (Basajuan) ♂♂ باسک) سرور جنگل، از ریشه‌ی Juan (ارباب) و Basa (جنگل).

باسل (♂♂ عربی) دلیر، استوار، از ریشه‌ی بیسل (تندخو).

باسم (♂♂ عربی) لبخندزننده، از ریشه‌ی بسم (لبخندزدن).

باشقرد (♂♂ ترکی) اولین قبیله، یا گرگ خاکستری، شاید شکل تحریف شده‌ی بوزقورد (گرگ خاکستری) باشد [نام قبیله‌ای ترک در روسیه].

باقی (♂♂ عربی) جاوید، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی بقی (بقا یافتن) [از القاب خداوند].

باک (Buck) ♂♂ آنگلساکسون) گوزن نر.

باکارع (Bakare) ♂♂ مصری باستان) روح رع افتخار آفرین است، برساخته از با (افتخار)، کا (روح)، و رع [لقب تانوتامون، آخرین فرعون دودمان بیست و سوم].

باکوس (Bacchus) ♂♂ یونانی) فریاد، نعره‌زن، از ریشه‌ی یونانی باستان βακχο (فریاد زدن) [خدای شراب].

بالتازار (Baltazar) ♂♂ فنیقی) بعل حفظش کند، از ریشه‌ی سامی بعل (نام خدایی) و تَزَر (حفظ کردن) [شاه یهودیه]

بالدر (Balder) ♂ آلمانی) شاهزاده، از ریشه‌ی نوردیک باستان [پسرِ اودین -خدای خدایان- و فریگ].

بالدو (Baldev) ♂ هندی) خدای قوی، از ریشه‌ی سانسکریت bal (قوی) و dev (خدا) [برادر بزرگ کریشنا].

بالدومرو (Baldomero) ♂ آلمانی) شجاع مشهور، از ریشه‌ی آلمانی باستان bald (جسور) و meros (مشهور).

بالروفون (Balerophon) ♂ یونانی) سازنده‌ی نیزه و زوبین، از ریشه‌ی یونانی باستان βαληροσ (نیزه) و پسوند φον (آورنده) [پهلوان کشته‌ی کیمرا].

باهر (♂ عربی) روشن و درخشان، اسم فاعل از ریشه‌ی بهر (روشنایی).

بایرام (♂ ترکی) عید، جشن، از ریشه‌ی ترکی بیرم.

بایرون (Byron) ♂ آنگلو ساکسون) اصطبل گاو.

بایسُنُور (♂ ترکی) شاهین بزرگ، از ریشه‌ی ترکی بای (بزرگ) و سنقر (شاهین) [پسر شاهرخ تیموری].

بایقرا (♂ ترکی) امیر سیاه، از ریشه‌ی ترکی بای (امیر، بزرگ) و قرا (سیاه) [حاکم همدان در عصر تیموری].

بایندر (♂ ترکی) پر نعمت [پسر کوک خان و نوه‌ی اوغوز خان مغول].

بَت بعل (Batbaal) ♂ فنیقی) دختر بعل، از ریشه‌ی فنیقی بَت (دختر).

بَثْشِبا (♀ Bathsheba عبری) دخترِ سوگند، از ریشه‌ی عبری بَت (دختر) و صابات (سوگند خوردن).

بَتل (♀ Bethel عبری) خانه‌ی خدا، از ریشه‌ی عبری بیت (خانه) و ایل (خدا).

بتوئل (Bethuel) ♂ عبری) مرد خدا، از ریشه‌ی عبری بتو (مرد) و ایل (خدا).



بتول ( ♀ ) عربی) تارک دنیا، زنی که ازدواج نمی‌کند، اسم از ریشه‌ی بتل.

بِدرِوس ( ♂ Bedros ) ارمنی) همان پتروس است.

بِده ( ♂ Bede ) آنگلساکسون) دعاخوان، از ریشه‌ی انگلیسی باستانِ baede (دعا خواندن) [مورخ و قدیس انگلیسی قرن هشتم میلادی].

بِدیع ( ♂ ) عربی) نو، شگفت، صفت از ریشه‌ی بدع (نوآوری) [بِدیع‌الزمان فروزانفر].

بِراق ( ♂ ) ترکی) پشمالو، سگ تازی، از ریشه‌ی ترکی پِراق (پشمالو) یا باراق (سگ تندرو) [حاجب قراختاییان، از سرداران خوارزمشاهی].

بِران ( ♂ Bran ) سلت) کلاغ، در زبان ولش.

برانخوس ( ♂ Branchus ) یونانی) ورد، دعا.

برانیمیر ( ♂ Branimir ) بلغاری) نگهبان صلح، از ریشه‌ی بلغاری bron (حفاظت کردن) و mir (صلح، آرامش).

بِرِتا ( ♀ Bertha ) آنگلساکسون) مشهور، درخشان.

بِرترام ( ♂ Bertram ) آلمانی) کلاغ درخشان، از ریشه‌ی آلمانی bert (درخشان) و ram (کلاغ).

بِرزو ( ♂ ) پارسی) تنومند، از ریشه‌ی پهلوی بُرز (بلند و نیرومند) [فرزند سهراب، لقب بهرام گور در هندوستان].

بِرزین ( ♂ ) پارسی) بالنده و رشید، از ریشه‌ی پهلوی بُرز (بلند و نیرومند) و ین (پسوند نسبت) [از سرداران کی قباد].

بردیا (♂ پارسى) بلندقامت و زورمند و تناور، شکل بابلی شده‌ی برزیه در پارسی باستان [پسر کهتر کوروش بزرگ]

برعم (♂ عربی) شکوفه، غنچه.

برک (Barak) (♂ عبری) رعد و برق.

برگه/ بارکا (Barka) (♂ فنیقی) رعد و برق، آذرخش [سردار مشهور فنیقی که با رومیان می‌جنگید]

برکیارق (♂ ترکی) کلاه شکسته، یا شکست‌ناپذیر، از ریشه‌ی ترکی بورکی (کلاه، یا دشواری) و یاروق [زخمی شدن] [پسر سلطان ملک‌شاه سلجوقی].

برمک (♂ پارسی) کاهن، راهب بودایی، تغییر یافته‌ی پرموگه [بنیانگذار خاندان برمکی]

برنابا (Barnabas) (♂ عبری) پسر پیغمبر، از ریشه‌ی آرامی بر (فرزند، پسر) و نبی/نبا (پیامبر) [از نویسندگان انجیل].

برنارد (Bernard) (♂ آلمانی) خرس شجاع، از ریشه‌ی آلمانی ber (خرس) و nald (نجیب).

برندان (Bredan) (♂ انگلوساکسون) شاهزاده.

برنوس (Brennus) (♂ سلت) شاهزاده، کلاغ [از شاه/پهلوانان سلت].

برنیکه (Bernike) (♀ یونانی) آورنده‌ی پیروزی، از ریشه‌ی مقدونی βερ (آورنده) و νικη (پیروزی) [نام ملکه‌ی مشهور مقدونی].

بروئه (Beroe) (♂ یونانی) آورنده‌ی تخم‌مرغ، از ریشه‌ی یونانی باستان βερ (آورنده) و οη (تخم مرغ).

بروخ (Bruch) (♂ عبری) رستگار.

بروس (Bruce) ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) پنیر، از ریشه‌ی گلِ breueuse (پنیر خالدار).

بروسوس / بروز (♂ بابلی) کسی که خداوند چوپان اوست، احتمالاً شکل یونانی‌شده‌ی نام «بعل رثوشو» است که از دو کلمه‌ی بعل (خدا) و رثو (چوپان) ساخته شده [مورخ بزرگ بابلی و کاهن اعظم معبد مردوک بین سالهای ۲۵۸ تا ۲۵۳ پ.م.]

برونتس (Brontes) ♂ یونانی) رعد، از ریشه‌ی یونانی باستان βροντησ (رعد).

برونو (Bruno) ♂ آلمانی) قهوه‌ای، از ریشه‌ی آلمانی باستان.

برونیهیلد (Brunhild ♀ آلمانی) سلاح جنگی، جنگ‌افزار، از ریشه‌ی آلمانی باستان brun (سلاح) و hild (جنگ) [ملکه‌ای در اسطوره‌ی حلقه‌ی نیبلونگ‌ها].

برهان (♂ عربی) دلیل، از ریشه‌ی برهه.

برهما (Brahma) ♂ هندی) دعاخوان، از ریشه‌ی سانسکریت [خدای بزرگ هندوان].

برهمه‌داته (♂ Brahmadata هندی) بخشش برهما، خداداد، برساخته از نام برهما و داته (بخشش) [شاه اردوگاه آنگا در هند باستان]

بریان / برایان (Brian) ♂ آنگلو ساکسون) اشرافی.

بریجیت / بریژیت (♀ Btidget سلت) برترین، متعالی، از ریشه‌ی ولشی brig (ایزدبانو) و hid (عالی) [نام ایزدبانوی بزرگ ولش‌ها].

بریسه (♀ Brice گُل - فرانسه‌ی کهن) خال، لکه.

بریموس (Brimus یونانی) نیرومند، خشم‌آور [ایزبانویی که معشوق هرمس بود].

بریونی (Berjouni ارمنی) بانوی زیبا.

بسّام (عربی) لبخندزننده، از ریشه‌ی بسّم (لبخندزدن).

بسّطام (پارسی) همان گسته‌م است [دایی خسرو پرویز].

بسمان (عربی) لبخندزننده، از ریشه‌ی بسّم (لبخندزدن).

بشار (عربی) مژده دهنده، از ریشه‌ی بشر (بشارت دادن) [بشار بن برد: شاعری مشهور].

بشیر (عربی) مژده دهنده، از ریشه‌ی بشر (بشارت دادن).

بصیر (عربی) بینا، صفت از ریشه بصر (دیدن) [از القاب خداوند].

بصیر (عربی) بیننده، صفت از ریشه‌ی عربی بصر (دیدن) [از القاب خداوند].

بطلمیوس (Ptolemy یونانی) جنگجو، مهاجم، از ریشه‌ی یونانی باستان πτολυμη (جنگ، تهاجم)

[شاه مقدونی مصر].

بعل شمر (Baalshamar فنیقی) بعل حمایت کرد.

بَعلم (Baelam عبری) خدای مردم، از ریشه‌ی فنیقی بعل (خدا) و آمو (مردم).

بغداد/ بی‌داد (پارسی) بخشش خداوند، بر ساخته از بغ (خدا) و داد (بخشش، هدیه) [حاکم شهر استخر در

دوران سلوکی]

بغرا (ترکی) خوک نر [از شاهان خوارزمشاهی].

بغراخان (♂ ترکی) شتر نر قوی، از ریشه‌ی ترکی بوغرا (شتر نر) [رئیس ایل قراخان و فاتح بخارا (383 ه.ق)].

بقراط / هیپوکرات (Hippocrates) (♂ یونانی) قدرت اسبها، از ریشه‌ی یونانی ἵππος (اسب) و κρατησ (قدرت) [پزشک مشهور یونانی].

بکتاش (♂ ترکی) بزرگ ایل، مهتر قوم، از ریشه‌ی ترکی بیک (سرور، ارباب) و تاش (ایل، قبیله).

بکر (♀ عربی) بچه شتر [ابوبکر: نخستین خلیفه‌ی اسلام].

بلاتنات (♀ Blathnat سلت) گل کوچک، از ریشه‌ی سلتی blath (گل) و nat (کوچک) [د راساطیر ایرلندی بانویی که توسط کوروی دزدیده شد].

بلاش (♂ پارسی) از ریشه‌ی پهلوی وکخش، در زبانهای گوناگون وارد شده است، برابر است با Vologeses لاتین، والارش ارمنی، و لگاش پارتی و βολογεσιφορα یونانی [از شاهان ساسانی].

بلال (♂ عربی) آب، از ریشه‌ی بلل (خیس کردن گلو) [اولین مؤذن اسلام].

بلانش (♀ Blanche گل - فرانسه‌ی کهن) سفید.

بلروفون (♂ Bellerophon یونانی) نیزه‌انداز، از ریشه‌ی بلونه (βελόνη) به معنای نیزه و پرتابه و زوین، در یونانی بلروفون (Βελλεροφῶν) گاه به صورت بلروفونتس (Βελλεροφόντης) آمده که همین معنی را می‌دهد [یکی از کهن‌ترین پهلوانان یونانی است که در متن‌های باستانی معمولاً در کنار پرسئوس و هراکلس از نامش یاد می‌شود]

بلک (Balak) (♂ عبری) هرز دهنده [شاه موآب].

بلنوس (Belenus ♂) سلت) درخشان، از ریشه‌ی سلتی [خدای خورشید].

بلیر (Blair ♂) آنگلو ساکسون) دشت، جلگه.

بلیغ (♂ عربی) خوش سخن، شیوا، سفت از ریشه‌ی بلغ (بلاغت).

بن‌آمی (Binami ♂ عبری) فرزند مردم من، از ریشه‌ی عبری بن (فرزند) و آمی (مردم من).

بنان (♂ عربی) انگشت [موسیقیدان ایرانی].

بنایاه (Benaiah ♂ عبری) یهوه ساخته است، از ریشه‌ی عبری بنی (بنا کردن) و یاه (یهوه).

بندیکت (Benedict ♂ لاتین) رستگار، از ریشه‌ی لاتین bene (خوب، نیک) و dict (حکم،

فرمان) [از مقدسان مسیحی، نام چند پاپ].

بنیامین (Benjamin ♂ عبری) پسر غم‌هایم، یا پسر جنوب، از ریشه‌ی عبری بن (فرزند) و یامین

(جنوب/غم) [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

بنیگنو (Benigno ♂ اسپانیایی) بی‌زیان، بی‌آزار، از ریشه‌ی لاتین benignus (مهربان، بی‌زیان).

بو (Bo ♂ چینی) موج.

بودا (♂ هندی) بیدار شده، از ریشه‌ی سانسکریت بودھی (بیدار شدن) [پیامبر مشهور هندی]

بودیکا/ بودیچه (♀ Boudicca/ Boudiccea سلت) پیروزی، از ریشه‌ی سلتی boud به همین

معنا [نام ملکه‌ای در انگلستان سلت که با رومیان جنگید].

بودیکا (♀ Boudicca سلت) پیروزی، از ریشه‌ی سلتی boud (پیروزی).

بورلی (Beverly) ♂♂ آنگلو ساکسون) رودِ سگِ آبی، از ریشه‌ی انگلیسی باستانِ *bever* (سگِ آبی) و *lay* (رودخانه).

بوریس (Boris) ♂♂ اسلاو) نبرد.

بوسفالوس (Bucephalus ♂♂ یونانی) دارای سری همچون گاو، از ریشه‌ی یونانی باستان *βου* (گاو) و *κεφαλος* (سر) [اسم اسب اسکندر].

بوشاسپ (♂♂ پارسی) آنچه پیش آمدنی است، در اوستا به صورت بوشینستا یا بوشیستا آمده است [نام دیو تنبلی و خوابِ نابه هنگام در دین زرتشتی].

بوغوس (Boghos) ♂♂ ارمنی) همان پائول است.

بوگومیرز (Bogomierz) ♂♂ اسلاو) خدای صلحجو، از ریشه‌ی اسلاوی باستان [از خدایان لهستان].

بولیوار (Bolivar) ♂♂ اسپانیایی) آسیابِ کنار رودخانه، از ریشه‌ی باسک *bo* (آسیاب) و *libar* (کنار رودخانه).

بهادر (♂♂ ترکی) دلیر، پهلوان [در نام پایتخت مغولستان (اولان باتور) باقی مانده است].

بهارات (Bharat) ♂♂ هندی) نگهداشته شده، امن، از ریشه‌ی سانسکریتِ *bhara* (نگهداشتن، حفظ کردن) [لقب آگنی، نام دیگِ کشور هند].

بهرام (♂♂ پارسی) ازدهاکش، نابود کننده‌ی دیو، از ریشه‌ی اوستاییِ *وَرثَرَه* (ازدهای خشکی، در اصل ابری که باران را در خود محبوس می‌کند و نمی‌بارد) و *اَعَنَه* (کشتن، زدن)، این واژه با *وَرِیْتَرَه* هَنَه در سانسکریت هم‌ریشه

است که از القاب ایندرا (ایزدی جنگجو) است، ریشه‌ی معنایی اش در اصل پیشاهندواروپایی *\*wlro-gwhen*

بوده به معنای گُشنده و در هم شکننده‌ی سد و حصار [خدای جنگِ ایرانیان].

بهران (♂ عربی) نزدیکترین خویشاوند.

بهمن (♂ پارسی) نیک اندیش، از ریشه‌ی پهلوی وُهو (خوب) و مَنه (اندیشه) [از فرشتگان بزرگ دین زرتشتی].

بِهيج (♂ عربی) شادمان، از ریشه‌ی بهيج (شادمانی).

بیادیکه (♀ Biadike یونانی) عدالتِ ناشی از قدرت، از ریشه‌ی یونانی باستان δίκη (عدالت).

بیدرفش (♂ پارسی) پرچم دارای نقش بید، یا سرزمینی در جنوب باختری، از ریشه‌ی پهلوی وید (درخت بید) و درفش (پرچم)، شاید هم با ویددَفش (اقلیم جنوب غربی از هفت سرزمین اساطیری ایران باستان) مربوط باشد [جادوگری تورانی].

بیژن (♂ پارسی) مربوط به سرزمین ایران، تشخیص دهنده، برگرفته از بخش دوم عبارت اوستایی ائَرَه وَجینگَه (ایرانویج، سرزمین آریایی‌ها)، یا شاید از ریشه‌ی پهلوی وِیچَنَه (خوب تشخیص دهنده) [پسر گیو، از پهلوانان شاهنامه].

بیگدل (♂ ترکی) سرورِ زبان، از ریشه‌ی ترکی بیگ (ارباب) و دیل (زبان).

بیگلر (♂ ترکی) امیران، اربابان، از ریشه‌ی ترکی بیگ (ارباب) و لر (پسوند جمع).

بیلسان (♀ عربی) درختی با گل‌های سپید.

بیلوبوگ (♂ اسلاو) خورشید، از ریشه‌ی اسلاوی byel (سفید) و bog (خدا) [خدای

باستانی خورشید در میان اقوام اسلاو].



بیندو (♀ هندی) نذری، خالِ نذر، برگرفته از **बिंदू** در سانسکریت که در اصل به معنای نقطه است. شکل مادینه‌ی این کلمه (بیندی) همان است که برای نامیدن خالِ نذریِ نهاده بر میان پیشانی هندوان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بیوراسپ (♂ پارسی) دارنده‌ی ده هزار اسب [لقب ضحاک]

بیله (♂ Bile سلت) درخشان، همان بلنوس است [پهلوانی اساطیری].

بیوک (♂ ترکی) بزرگ، مهتر، از ریشه‌ی ترکی بیگ (ارباب، سرور).



پا (Pa) ♂ (مصری باستان) خورشید، از ریشه‌ی مصری باستان [از خدایان مصری].

پاتروکلس (Patrocles) ♂ (یونانی) افتخار پدران، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\mu\alpha\tau\rho\alpha$  (پدر) و  $\kappa\lambda\eta\alpha$  (افتخار) [از پهلوانان آخایی و دوست آخیلِس].

پاتریک / پاتریس (Patrick/ Patris) ♂ (لاتین) اشرافی، از ریشه‌ی لاتین  $patra$  (پدر) [از مقدسان مسیحی].

پارتاکنیا (Partaknian) ♂ (پارسی) پیشروها، پیشروی کنندگان [نام یکی از قبایل ماد].

پارمیس (♀) (پارسی) کمال نیک (?)، تحریفی یونانی شده از اوپرمیای ایلامی و اوپرمه‌ی پارسی باستان [دختر بردیا و نوه‌ی کوروش بزرگ]

پارواتی (♀) (Parvati هندی) دختر کوهستان، از ریشه‌ی سانسکریت [زن شیوا].

پاسباخائنیوت (Pasebakhaenniut ♂) مصری باستان) ستاره‌ای که در شهر پدیدار می‌شود، از ریشه‌ی مصری باستان پاسبا (ستاره‌ای)، خا (پدیدار)، و نیوت (شهر) [لقب پسوسنس اول، از فراغنه‌ی دودمان بیست و یکم].

پاسکال (Pascal ♂) گل - فرانسه‌ی کهن) شرقی.

پاشا (♂ ترکی) سپهسالار، ترکی شده‌ی «پادشاه» پارسی [منصبی ارتشی در دولت عثمانی].

پالاس (Pallas ♀) یونانی) دوشیزه، از ریشه‌ی یونانی باستان pallas (دوشیزه) [لقب آتنه].

پامی (Pami ♂) مصری باستان) کسی که به گربه تعلق دارد، از ریشه‌ی مصری باستان پام (گربه) [ار فراغنه‌ی دودمان بیست و دوم].

پاناسه (Panacea ♀) یونانی) شفا دهنده‌ی همگان، از ریشه‌ی یونانی باستان παν (همه) و ακηα (شفا دادن) [دختر اسکولاپیوس].

پاندورا (Pandora ♀) یونانی) همه‌ی هدیه‌ها، از ریشه‌ی یونانی باستان παν (همه) و δора (هدیه) [زنی که با گشودن جعبه‌ای جادویی راه ورود تمام بديها را به جهان هموار کرد].

پانوپتس (Panoptes ♂) یونانی) همه‌ی چشمها، از ریشه‌ی یونانی باستان παν (همه) و οπθος (چشم).

پاول (Paul ♂) لاتین) فروتن، از ریشه‌ی لاتین [از حواریون مسیح، نام چند پاپ].

پاول / پل / پائولو / پولس (Paulus ♂) عبری) کوچک [از حواریون مسیح].

پتاح (Ptah ♂) مصری باستان) گشاینده، از ریشه‌ی مصری باستان [خدای شهر ممفیس].

پترونیا ( Petronia ♀ اسپانیایی) روستایی.

پتولا ( Petula ♀ لاتین) خواسته.

پدیباستت ( Pedibastet ♂ مصری باستان) مرد خردمند شهر باستت، از ریشه‌ی مصری باستان پدی (خردمند) [نخستین فرعون دودمان بیست و سوم].

پرجاپتی ( Prajapati ♂ هندی) پدر آفریده‌ها، بابای مخلوقات، در سانسکریت प्रजापति از دو بخش پرجا (آفریده‌ها) و پتی (پدر) تشکیل یافته [خدای بزرگ در وداها]

پرسفونه ( Persephone ♀ یونانی) نابود کننده‌ی نور، از ریشه‌ی یونانی باستان περση (نابودگر) و φωνησ (نور) [ایزدبانوی دوزخ].

پرومته ( Prometheus ♂ یونانی) دوراندیش، از ریشه‌ی یونانی باستان προ (پیش) و μηθ (دیدن) [از تیتان‌ها، کسی که آتش را برای مردمان به ارمغان آورد].

پرویز ( ♂ پارسی) پیروزمند، از ریشه‌ی اوستایی اوپری‌ویجَه (فاتح، پیروز) و پهلوی اَپروِیج (پیروز) [شاه ساسانی].

پری ( ♀ پارسی) زن غریبه و بیگانه، ماده دیو شهوت، از ریشه‌ی اوستایی پیریگَه، پهلوی پَریک، ترفانی پَریگ، و سُغدی پَریک همگی به معنای زن غریبه، یا از ریشه‌ی هند و اروپایی پله (دیو شهوت) [یاور کیومرث در نبرد با دیوان در شاهنامه].

پری ( Perry ♂ لاتین) مسافر [دریاسالار آمریکایی که ژاپن را شکست داد].

پریتیوی ( ♀ هندی) زمین، خاک برگرفته از ریشه‌ی سانسکریت पृथ्वी [ایزدبانوی زمین در ریگ ودا]

پَریسا ( ♀ پرسی) همچون پری، شبیه به پری، از ریشه‌ی پرسی پری و پسوند شباهت (-سا).

پسوخه ( ♀ Psuche یونانی) روان، روح، از ریشه‌ی یونانی ψυχη (روح) [معشوق اروس].

پَشَنگ (♂ پرسی) فاتح جنگ، از ریشه‌ی پهلوی پَشَنَه (برنده) [پدر افراسیاب و شاه توران].

پَشوتن (♂ پرسی) کسی که تن خود را به خدا پیشکش کرده است، از ریشه‌ی اوستایی پیشیئو (پیشکش کردن) و تَنَه (تن) [از جاویدانان زرتشتی و حاکم گنگ دژ].

پلاسیدو (♂ Placido اسپانیایی) آرام، ساکت.

پَلاشان (♂ پرسی) همان بلاش است.

پلامن (♂ Plamen بلغاری) شعله، از ریشه‌ی بلغاری plam (آتش).

پلتون (♂ Pleton لاتین) همچون افلاطون، برگرفته از نام یونانی Πλατων (افلاطون) [فیلسوف و متأله اهل قسطنطنیه و فعال در ایتالیا در قرن چهاردهم و پانزدهم که در اصل گریگوریوس کمیستوس نام داشت].

پلگ (♂ Peleg عبری) دو شاخه شدن، واگرایی [پسر ارفخشد].

پلوتارک (♂ plutarchus یونانی) سرور ثروت، از ریشه‌ی یونانی πλουτων (ثروت) و αρχον (شاه، سرور) [مورخ بزرگ یونانی].

پلوتو (♂ Ploto یونانی) کشتیران.

پلوتو (♂ Pluto یونانی) ثروت، از ریشه‌ی یونانی πλουτος (ثروت) [خدای دوزخ و برادر زئوس].

پلوویوس (♂ Pluvius لاتین) باران [خدای باران].

پنلوپه ( Penelope یونانی) اردک [همسر اولیس و مادر تلماک].

پوت (Put) عبری (توسعه).

پوتیا ( Puthia یونانی) گندیده، پوسیده، از ریشه‌ی یونانی پوتین (πύθειν) به معنای پوسیدن و

گندیدن [لقب کاهنه‌ی بزرگ معبد دلفی]

پودما ( Pudma هندی) نیلوفر، از ریشه‌ی سانسکریت.

پوران ( پارسی) سرخ‌رو، از ریشه‌ی پارسی بور (سرخ) و ان (پسوند نسبت) [همسر هارون‌الرشید].

پورفیریو ( Porfirio یونانی) ارغوانی.

پوروچیستا ( پارسی کهن) پرخرد، بسیار دانا، برساخته از ریشه‌ی اوستایی پور (پُر، زیاد) و چیستا:

پریددم سد (خرد، دانش) [دختر کوچک زرتشت و همسر جاماسپ]

پوکاهونتاس ( Pocahontas سرخپوستی) او بازیگوش است، از ریشه‌ی آلگونکین [دختر رئیس

قبیله‌ای که با یک سفیدپوست ازدواج کرد].

پولیا ( Polias یونانی) شهروند، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{πολις}$  (شهر).

پولیدورا ( Polidora یونانی) سخاوتمند، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{πολυ}$  (زیاد)  $\text{δωρα}$  (هدیه).

پولیفمه ( Polypheme یونانی) چند دهانی، کسی که چند دهان دارد، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\text{πολυ}$

(چند، بسیار) و  $\text{φειμοσ}$  (دهان) [از پهلوانان ایلپاد].

پولیمِنیا (Plymnia یونانی) سرودِ فراوان، از ریشه‌ی یونانی πολυ (بسیار) و μνία (سرود)  
[ایزدبانوی سرود، از موزها].

پونتیوس (Pontius ♂ لاتین) پل یا دریا، از ریشه‌ی یونانی ποντησ (دریا) یا لاتینی Pontus  
(پل) [حاکم رومی فلسطین در زمان مصلوب شدن مسیح].

پیتو (Peitho ♂ یونانی) اجبار.

پیداد (Piedad ♂ اسپانیایی) رحم، دلسوزی، از ریشه‌ی لاتین.

پیران (Parsa ♂ پارسی) رهبر، پیشرو، از ریشه‌ی پارسی پیر (سالخورده، محترم) [پهلوان تورانی و وزیر افراسیاب].

پیریا (Pyrrha ♀ یونانی) آتشین، از ریشه‌ی یونانی πυρρηα (آتش) [دختر پرومته، زن دکالیون و مادر  
نسل انسان].

پیشداد (Pishdad ♂ پارسی) نخستین قانونگذار، از ریشه‌ی اوستایی پَر (پیش، نخست) داتَه (قانون گذاشتن، قاعده  
وضع کردن) [لقب هوشنگ کیانی، نام دودمانی از شاهان که از کیومرث تا گرشاسپ ادامه می‌یابد].

پینجم (Pinedjem ♂ مصری باستان) کسی که به آن خوشایند تعلق دارد، از ریشه‌ی مصری باستان پی  
(تعلق داشتن به) و نجم (فرد خوشایند، اشاره به هوروس یا پتاح است) [دو تن از فراعنه‌ی دودمان کاهنان تب].

پیدَسی (Piyadasī ♂ هندی) مهربان با همه [لقب آشوکا]

پینگ (Ping ♀ چینی) صلحجو.

## ت

تئودوریک / درک (Theodorice/ Derek) ♂ آلمانی) حاکم مردم، از ریشه‌ی آلمانی ter/der (مردم) و ric/reg (شاه/ حاکم).

تائی (Tai) ♀ چینی) بسیار بزرگ.

تابیتا (Tabitha) ♀ عبری) غزال، از ریشه‌ی آرامی.

تادائوس (Thaddaeus) ♂ عبری) سینه.

تارا (Tara) ♀ هندی) ستاره، از ریشه‌ی سانسکریت [زنِ براهیسپاتی].

تارانیس (Taranis) ♂ سلت) تندر.

تارحونت (Tarchont) ♂ هیتی) فاتح [خدای آسمان].

تارو (Taro) ♂ ژاپنی) نخستین پسر.

تاشمتو (Tashmetu) ♀ بابلی) شنوا [ایزدبانوی شنونده‌ی دعاها].



تاکاشی (Takashi) ♂ ژاپنی (جلال).

تاکاکو (Tkakako) ♀ ژاپنی (فرزند بلند مرتبه).

تاکشی (Takeshi) ♂ ژاپنی (نی بامبو).

تاکومی (Takumi) ♂ ژاپنی (صنعتگر).

تاکوهی (Takouhi) ♀ ارمنی (ملکه).

تاکهیکو (Takehiko) ♀ ژاپنی (فرزند شجاع دانا).

تالی (Thalei) ♀ یونانی (گل دادن، شکفتن، از ریشه‌ی یونانی  $\theta\alpha\lambda\iota\epsilon$  (شکفتن) [ایزدبانوی کم‌دی، از موزها].

تالیا (Thalia) ♀ یونانی (عجول، شتابزده، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\theta\alpha\lambda\iota\alpha$  (شتاب، عجله) [از فرشتگان دریا، ایزدبانوی کم‌دی، از موزها].

تالینه (Taline) ♀ ارمنی (اسم صومعه‌ایست).

تامیکو (Tamiko) ♀ ژاپنی (فرزند فراوانی و ثروت).

تانی (Tani) ♀ ژاپنی (دره).

تانیت (Tanit) ♀ فنیقی (مار ماده، از ریشه‌ی آرامی [ایزدبانوی فنیقی].

تبع (Tib) ♂ عربی (مردانه و نیرومند، از ریشه‌ی حبشی  $\text{ተበጠ}$  (تبع) به همین معنا [لقب شاهان باستانی یمن]

تبع‌اله (♂ عربی) مرد نیرومند خداوند، به خط ثمودی به صورت  $\Upsilon\Gamma\text{H}\circ\Pi\chi$  و  $\Gamma\text{H}\circ\Pi\chi$  ثبت شده است،

برساخته از  $\text{t-nθ}$  (مرد نیرومند) در زبان حبشی و اله (خدا) [شاه باستانی یمن]

تِخورِیس (♀ Thoris مصری باستان) یگانه‌ی بزرگ [ایزدبانوی حامی زنان باردار].

تِخومین (Txomin) (♂ باسک) دومینیک

تِرسِیکوره (♀ Terpsichore یونانی) کسی که دوست دارد برقصد، از ریشه‌ی یونانی  $\tau\epsilon\rho\pi\sigma\iota$

(دوست داشتن) و  $\chi\omicron\rho\eta$  (رقص) [ایزدبانوی رقص، از موزها].

تِرسِرو (♂ Terzero اسپانیایی) سومی، از ریشه‌ی لاتین  $tri$  (سومی) [نامی مرسوم برای سومین پسر].

تِرشِیش (♂ Tarshish عبری) سخت، محکم [پسر یاوان، جد اسپانیایی‌ها].

تِرلان / طرلان (♂ ترکی) شهباز، پرنده‌ی شکاری.

تِرنس (♂ Terrence لاتین) لطیف [شاعر و ادیب رومی].

تِروور (♂ Trevor انگلوساکسون) دهکده‌ی بزرگ.

تِریتونه (♀ Tritone یونانی) سومین ملکه، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\tau\rho\iota$  (سه) و  $\tau\omicron\nu\eta$  (ملکه) [از

ایزدبانوان دریا].

تِری توخمه (♂ پارسی) دارنده‌ی سه تخم، بسیار مردانه، برساخته از ریشه‌ی پارسی باستان تری (سه) و توخمه

(تخم) [از اشراف پارسی دوران هخامنشی]

تریستان (Tristan ♂) (سلت) آشوبگر، غوغاگر، از ریشه‌ی سلتی drest (غوغا، آشوب)، گاه برای این نام ریشه‌ی لاتین tristus (غم و غصه) را ذکر می‌کنند و «غمگین» ترجمه‌اش می‌کنند که درست نیست [قهرمان داستان تریستان و ایزولد].

تریسی (Tracey ♂) (گل - فرانسه‌ی کهن) راه.

ترینیداد (Trinidad ♂) (اسپانیایی) تثلیث، از ریشه‌ی لاتین tri (سومی).

تریون (Therion ♂) (یونانی) جانور، وحش، از ریشه‌ی یونانی باستان θηριον (جانور) [لقب پسر شیطان / دجال در انجیل یوحنا].

تزئوس (Theseus ♂) (یونانی) منسجم، منظم، از ریشه‌ی یونانی باستان τιθεσθαι (جمع کردن و نظم دادن) [پسر اژه، از پهلوانان آخائی].

تقی (Taqi ♂) (عربی) پرهیزگار، از ریشه‌ی تقی (پرهیز کردن).

تکیش (Takis ♂) (ترکی) غایت، پایان [از شاهان خوارزمشاهی].

تکومش (Tecumesh ♂) (سرخپوستی) پلنگی که از کناری می‌گذرد، از ریشه‌ی شاوونی [رهبر قبیله‌ی شایان در انتهای قرن نوزدهم].

تکین (Tekin ♂) (ترکی) زیبارو، پهلوان.

تِلستو (Telesto ♂) (یونانی) موفقیت، از ریشه‌ی یونانی باستان τελεσ (غایت، پایان) و στε (ایستادن).

تلفاسا (Telephasa ♀) (یونانی) آن کسی که از دور می‌درخشد، از ریشه‌ی یونانی باستان τελε (دوردست) و φασα (درخشیدن) [همان آگریوپه است].

تمیس ( Themis ♀ یونانی) قانون، از ریشه‌ی یونانی باستان **θημις** (قانون) [ایزدبانوی انجمنها].

تمیستوکلس ( Themistocles ♂ یونانی) افتخار قانون، از ریشه‌ی یونانی باستان **θημις** (قانون) و

**κληα** (افتخار) [سردار آتنی].

تمیم ( ♂ عربی) کامل در آفرینش، از ریشه‌ی تمم (کمال) [نام دو جد قبیله‌ی جاهلی].

تَنسکواتاوا ( Tenskwatawa ♂ سرخپوستی) در گشوده، از ریشه‌ی شاوونی [پیامبر شایان‌ها در قرن

نوزدهم].

تو ( Tu ♂ چینی) زمین، خاک.

توئه ( Thoe ♀ یونانی) سرعت.

توبال ( Tobal ♂ عبری) جهانی، فراگیر [دولت‌شهری در شمال سوریه].

توبیاه ( Tobiah ♂ عبری) یهوه خوب است، از ریشه‌ی عبری توبی (خوب) و آه (یهوه).

توت ( Thot ♂ مصری باستان) همانند لک‌لک، یا دارنده‌ی تعادل، توت شکلی یونانی‌شده از نامی مصری

است که در اصل «دخوتی» (**dḥwtj**) نوشته شده و احتمالاً «دی‌خاوتی» (**dihauti**) خوانده می‌شده است.

ریشه‌ی مصری این اسم دوت (پیامبر) یا تهوتی (متعادل ساختن) است و یا به روایتی از ریشه‌ی دخو «**dḥw**»

به معنای لک‌لک گرفته شده است [خدای نوشتار و خط و جادو].

توتانخامون ( Tutankhamun ♂ مصری باستان) تصویر زنده‌ی آمون، از ریشه‌ی مصری باستان توت

(تصویر)، آنخ (حیات) و آمون (نام خدایی است) [از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

توت‌موزیس (Tuthmosis ♂) مصری باستان) فرزند توت، از ریشه‌ی مصری باستان توت (خدای خط و نویسایی) و موسه (فرزند) [نام چند تن از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

تودیا (Tudia ♀) مصری باستان) محبوب «یا»،

تور (Thor ♂) آلمانی) تندر، از ریشه‌ی نوردیک باستان dorr (صاعقه) [خدای توفان].

تورا (Tora ♂) آنگلوساکسون) تیه.

تورست (Tworset ♂) مصری باستان) بانوی نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان تو (بانو) و اورست (نیرومند) [ملکه‌ی مصر، آخرین فرعون دودمان نوزدهم].

تورکیل (Torquil ♂) آلمانی) کلاهخود تور، از ریشه‌ی آلمانی باستان Tor (نام خدای رعد) و quil (کلاهخود).

توروپوله (Tauropole ♂) یونانی) کردار گاو، از ریشه‌ی یونانی باستان ταυρος (گاو نر) و πολησ (کردار، رفتار).

توس (Tos ♂) پارسی) تناور و نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تئوسه [از پهلوانان شاهنامه].

توشتری (Tushtri ♂) هندی) فضا، مکان، در سانسکریت त्वष्ट्र به معنای نجار و تراشنده هم هست [ایزد فضا و مکان در وداها]

توفیق (Tufiq ♂) عربی) پیروزی، کامیابی، از ریشه‌ی وفق (همراهی) [بخت].

توکولتی نینورتا (Tukulti-Ninurta ♂) آشوری) به نینورتا (خدای جنگ) توکل می‌کنم، از ریشه‌ی آشوری توکولتی (توکل می‌کنم) [شاه آشور].

توگرمه (Togarma ♂ عبری) قوی [پسر گومر].

تولا (Tula ♂ عبری) سرخ جامه.

توماس (Thomas ♂ عبری) دو قلو، از ریشه‌ی آرامی ته اومیا (همزاد، دوقلو) [از حواریون مسیح].

تومیریس (♀ پارسی) نیرومند بالیده، احتمالا شکل اصلی‌اش تهم‌ریش بوده که در یونانی به تومیریس تحریف

شده است [نام ملکه‌ی ماساگت‌ها در دوران کوروش بزرگ]

تومیکو (♀ Tomiko ژاپنی) فرزند ثروت.

تَهْمینه (♀ پارسی) تناور، نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تَخْمَه (نیرومند) و این (پسوند نسبت) [همسر رستم و

مادر سهراب].

تیامت (♀ اکدی) دریا، از ریشه‌ی اکدی اَمتو (دوشیزه و باکره) و پسوند تی که روی هم رفته تیامت

خوانده می‌شود [خدای آشوب آغازین در بابل باستان].

تیتان (Titan ♂ یونانی) غول، دیو [نام نژادی از غولها که فرزندان گایا و اورانوس بودند].

تیتخپرورع (Titkheperure ♂ مصری باستان) تصویر دگردیسی رع، از ریشه‌ی مصری باستان تیت

(تصویر)، خپرو (دگردیسی) و رع [لقب پسوسنس دوم، از فراغنه‌ی دودمان بیست و یکم].

تیر (Tyr ♂ آلمانی) جنگ، نبرد، از ریشه‌ی نوردیک باستان tiwas (نبرد) [همتای ژئوس].

تیراس (Tiras ♂ عبری) آرزوی والدین.

تیراه (Tirah ♂ عبری) سرگردان.

تیرم ( ♀ ترکی) بانوی بزرگ.

تیکه ( ♀ Tyche یونانی) بخت، از ریشه‌ی یونانی باستان τυχη (بخت، شانس).

تیگران (♂ پارسی / ارمنی) تیز، تند، از ریشه‌ی پهلوی تیگره (تیز) [نام اصلی دجله (تیگره) و نام بیر در زبانهای ژرمنی (tiger) از همین ریشه است].

تیگلت پیلسر (♂ آشوری) من به آشور متکی هستم، از ریشه‌ی آشوری توکولتی اپیر (توکل می‌کنم به) و آشوره (آشور، خدای بزرگ آشوریان) [نام چند شاه بزرگ آشوری].

تیم (♂ عربی) تباهی عقل در اثر عشق [نام چند جد جاهلی].

تیموتی (Timothy ♂ عبری / یونانی) خدای محترم، از ریشه‌ی یونانی τιμος (احترام) و θεος (خدا).

تیمور (♂ ترکی) فولاد [جهانگشای تاتار].

تیمورتاش (♂ ترکی) سنگ آهن، از ریشه‌ی ترکی تیمور (آهن) و تاش (سنگ) [از دولتمردان عصر رضا شاه].

تیمون (Timon ♂ عبری) احترام، از ریشه‌ی یونانی τιμος (احترام).

## ث

ثائر (♂ عربی) کشنده، خونخواه، اسم فاعل از ریشه‌ی ثار (قصاص کردن).

ثابت (♂ عربی) پایدار، اسم فاعل از ریشه‌ی ثبت.

ثامر (♂ عربی) میوه دهنده، از ریشه‌ی ثمر (میوه).

ثریتا/ثریتی (♀ پارسی کهن) سومی، برگرفته از ریشه‌ی اوستایی تری و (سه) [نام دختر زرتشت]

ثعلب (♂ عربی) روباه.

ثمین (♂ عربی) گرانبها، صفت از ریشه‌ی ثمن (ارزش).

ثواشه (♂ پارسی کهن) جا و مکان، فضا، از ریشه‌ی اوستایی و «سدهن» به همین معنا، همتای توشتری

در متون ودایی. مشتق از ثوارته‌ی هند و ایرانی به معنی جا و فضا که خود از ریشه‌ی هند و اروپایی «تور/تور»

به معنای شتافتن و حرکت کردن ساخته شده است. [ایزد فضا و گاه زمان در متون اوستایی]



## ج

جایز (Jabez) ♂ (عبری) غم.

جاد (♂ عربی) نیکو، بخشاینده.

جادون (Jedon) ♂ (عبری) سپاسگذار.

جارد (Jared) ♂ (عبری) نازل شده [فرزند شیث].

جاسر (♂ عربی) گستاخ، بی‌باک، اسم فاعل از ریشه‌ی جسر (جسارت).

جاسم (♂ عربی) تنومند، اسم فاعل از ریشه‌ی جسم.

جالوت / گولیات (Goliath) ♂ (عبری) آشکار، نمایان [پهلوان کنعانی].

جاماسپ (♂ پارسی) دارنده‌ی اسب، راهبر اسب، از ریشه‌ی اوستایی جام (داشتن، مهار کردن) یا ژم (رهبر)

و اسپه (اسب) [وزیر و موید گشتاسپ].

جامع (♂ عربی) فراگیر، کامل، اسم فاعل از ریشه‌ی جمع.

جان (John) ♂ (عبری) یهوه افتخار آفرین است، از ریشه‌ی عبری یون (پر افتخار) و آه (یهوه).

جاهد (♂ عربی) تشلاگر، اسم فاعل از ریشه‌ی جهد.

جبار (♂ عربی) غلبه کننده، چیره، اسم فاعل از ریشه‌ی جبر (چیرگی) [از القاب خداوند].

جَبَل (Jabal ♂ عربی) رودخانه، از ریشه‌ی سامی [نخستین چادرنشین].

جَت (Djet ♂ مصری باستان) هوروسِ مار کبرا، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنهی دودمان نخست].

جَترو (Jethro ♂ عربی) فراوانی.

جَتْسِمَانِی (Getsemane ♀ عبری) ظرف روغن، روغندان [باغی که رومیان مسیح را در آن دستگیر کردند].

جَدْحور (Djedhor ♂ مصری باستان) هوروس گفت، از ریشه‌ی مصری باستان جد (گفتن) و حور (هوروس، خدای خورشید) [از فراعنهی دودمان سی ام].

جَدْفِرِه (Djedefre ♂ مصری باستان) بردبار همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان جدف (تحمل کردن) و رع (خدای خورشید) [از فراعنهی دودمان چهارم].

جَدکارع (Djedkare ♂ مصری باستان) روح رع تحمل می کند، از ریشه‌ی مصری باستان جد (تحمل کردن)، کا (روح) و رع [از فراعنهی دودمان پنجم].

جُدَیْمِه (♂ عربی) سریع و چابک، اسم مصغر از ریشه‌ی جدم (سریع) [شاه بنی لخم].

جِر (Djer ♂ مصری باستان) هوروس که یاری می کند، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنهی دودمان نخست].

جرالد (Gerald ♂ آلمانی) شاه نیزه، از ریشه‌ی آلمانی ger (نیزه) و wald (شاه).

جرج / ژرژ / گئورگ / گئورگیوس (George ♂♂ یونانی) دهقان، کشاورز.

جردن (Jordan ♂♂ عبری) جاری، نام رود اردن، از ریشه‌ی آرامی یرَد (به پایین جاری شدن).

جرملقارت (DjerMelquart ♂♂ فنیقی) مشتری ملقارت.

جرمیه (Jermiah ♂♂ عبری) تعالی خدا، از ریشه‌ی عبری جرم (بالا رفتن) و آه (یهوه) [از نبی‌های یهودی].

جرهم (Jrhm ♂♂ عربی) جدی در کار نیک [جرهم بن قحطان: جد جاهلی قبیله‌ای در یمن].

جریر (Jrjr ♂♂ عربی) افسار شتر [جریر بن بدر: شاعری جاهلی].

جسر خپرورع ستپنر (Djeserkheperure Setepenre ♂♂ مصری باستان) تجلیات رع که توسط وی برگزیده شده‌اند مقدس هستند، از ریشه‌ی جسر (مقدس)، خپر (ظهور)، ستپن (برگزیدن) و رع (ایزد خورشید) [لقب حورم حب، آخرین فرعون دودمان هژدهم].

جسرکارع (Djeserkare ♂♂ مصری باستان) روح رع مقدس است، از ریشه‌ی مصری باستان جسر (مقدس)، کا (روح) و رع [لقب آمن حوتپ اول از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

جسور (Jsr ♂♂ عربی) شجاع، از ریشه‌ی جسر (جسارت).

جعفر (Jfr ♂♂ عربی) رودخانه، ماده شتر شیرده.

جفتان (Jephtan ♂♂ عبری) او آزاد می‌نشیند.

جلال (Jl ♂♂ عربی) پرشکوه، از ریشه‌ی جلال (شکوه) [از القاب خداوند].

جلوان (Jlwn ♂♂ عربی) کاشف حقیقت، از ریشه‌ی جلی (آشکار ساختن).

جلیل (♂ عربی) شکوهمند، بلندمرتبه، صفت از ریشه‌ی عربی جلیل (شکوه) [از القاب خداوند].

جمال (♂ عربی) زیبارو، صفت از ریشه‌ی جمل (زیبایی) [جمالزاده].

جمشید (♂ پارسی) شاه جم، یا جم درخشان، از ریشه‌ی ییمه (برابر با یمه در سانسکریت) و خُشْتَه

(درخشان) یا خُشوی (شاه) [پادشاه بزرگ اساطیری، بنیانگذار نوروز].

جمیل (♂ عربی) زیبارو، صفت از ریشه‌ی جمل (زیبایی).

جمیله (♀ عربی) زیبارو، صفت هم‌ریشه‌ی جمال.

جمینی (♂ Gemini) لاتین) دوقلو، از ریشه‌ی لاتین [نام برج خرداد].

جناح (♂ عربی) بال [محمد علی جناح].

جندب (♀ عربی) نوعی ملخ [نام کوچک ابوذر غفاری].

جند (♂ عربی) سپاه کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی جند (سپاه).

جنیفر/ جنی (♀ Jennifer/ Jenny) آنگلوساکسون) خوب و نرم.

جو (♀ Ju) چینی) گل مینا.

جوئل (♂ Joel) عبری) یهوه خداست، از ریشه‌ی عبری جوه (یهوه) و ایل (خدا).

جواد (♂ عربی) بخشنده، صفت از ریشه‌ی جود (بخشش).

جواد (♀ عربی) بخشنده، اسب تندرو، اسم فاعل از ریشه‌ی جود.

جوب (♂ Jub) عبری) گریان.

جوبال (Jobal) ♂ (عبری) شیپور، از ریشه‌ی سامی [نخستین موسیقیدان].

جورو (Juro) ♂ (ژاپنی) پسر دهم.

جوشوا/ یوشع (Jushua) ♂ (عبری) یهوه نجات بخش است، از ریشه‌ی عبری جوه (یهوه) و شوا (نجات دادن) [از نبی‌های یهودی].

جوشیا (Joshia) ♂ (عبری) آتش خداوند، از ریشه‌ی عبری جوه (یهوه) و شیه (آتش).

جونکو (Junko) ♀ (ژاپنی) فرزند خالص.

جوهوشافت (Johushapheth) ♂ (عبری) یهوه داوری می‌کند، از ریشه‌ی عبری جوه (یهوه) و شافت (داوری کردن).

جوی (Joy) ♂ (گل - فرانسه‌ی کهن) لذتبخش.

جویس (Joyce) ♂ (گل - فرانسه‌ی کهن) ارباب.

جَهْم (عربی) ترشرو و عبوس [جهم بن صفوان: رهبر جهمیه، فرقه‌ای از معتزله].

جَهَن (پارسی) کشنده و کوبنده، از ریشه‌ی اوستایی ژَنجَنیشْتَه (کوبنده و ویرانگر) [از پهلوانان شاهنامه].

جَهیر (عربی) دارای صدای رسا، از ریشه‌ی جهر (بانگ بلند).

جیا (Jia) ♀ (چینی) زیبا.

جیانگ (Jiang) ♀ (چینی) رودخانه.

جیران (Jiran) ♀ (ترکی) آهو، غزال.

جیرو (Jiro) ♂ ژاپنی) پسر دوم.

جیسون (Jason) ♂ عبری) ترمیم شده، شفا یافته، از ریشه‌ی یونانی  $\alpha\theta\alpha\iota$  (ترمیم شدن).

جیلان (♀) عربی) انتخاب، اختیار.

جین (Jin) ♂ چینی) فلز، طلا، پول.

جینگ (Jing) ♂ چینی) جوهر، پایتخت.

## چ

چائو (Chao) ♂ چینی) گذر کردن.

چارلز (Charles) ♂ آلمانی) آزاده.

چاندرا (Chandra) ♂ هندی) ماه، از ریشه‌ی سانسکریت.

چانگ (Chang) ♂ چینی) ثروت، نرمی، قدرت.

چرنوبوگ (Chernobog) ♂ اسلاو) خدای سیاه، از ریشه‌ی اسلاوی chern (سیاه) و bog (خدا).

چغری بیک (♂ ترکی) امیر عقاب، از ریشه‌ی ترکی چرغ (مرغی شکاری) و بیگ (ارباب) [برادر طغرل، شاه سلجوقی].

چنگ (Cheng) ♂ چینی) کامیاب.

چوینه (♂ پارسی) ژوبین، از ریشه‌ی پارسی باستان ژوبین (نیزه‌ی کوتاه) [لقب بهرام، شاه ساسانی].

چون (Chun) ♂ چینی) بهار.

چیوزو (Chibuzo) ♂ (آفریقایی) خدا، رهبر، از ریشه‌ی آفریکان،

چیوزوبا (Chizoba) ♂ (آفریقایی) خدا ما را حفظ کند، از ریشه‌ی آفریکان.

چیش پیش / شیش پیش / تیش پس (♂ پرسی) نوسازنده، احیاگر (؟) از ریشه‌ی ایلامی پیش (از نو ساختن)

[جد کوروش بزرگ]

چیکا (♀ Chika) ژاپنی) دانش.

چیکاکو (♀ Chikako) ژاپنی) فرزند دانش.

چین (♂ ♀ Chin) چینی) فلز، طلا.



## ح

حاتم (عربی) قاضی، اسم فاعل از ریشه‌ی حتم (داوری کردن) [شاعری از قبیله‌ی طی].

حادی (عربی) کسی که شتران را با خواندن آواز می‌راند، اسم فاعل از ریشه‌ی حدی (آواز خواندن برای شتر).

حارث (عربی) شخم زننده، شیر درنده، اسم فاعل از ریشه‌ی حرث (شکافتن) [حارث ابن جبلة: امیر بنی حفنۀ در شام].

حارس (عربی) نگهبان، از ریشه‌ی حرس (پاسبانی کردن).

حارسِیسه (Harsiese) مصری باستان) هوروس پسر ایزیس است، از ریشه‌ی مصری باستان حار (هوروس، خدای خورشید)، سی (پسر) و ایسه (ایزیس، از ایزدان مهم) [آخرین فرعون دودمان بیست و دوم].

حازم (عربی) محتاط، اسم فاعل از ریشه‌ی حزم.

حاسِم (عربی) قاطع، از ریشه‌ی حسم (بریدن).

حافظ (عربی) حفظ کننده، یادآور، اسم فاعل از ریشه‌ی حفظ [لقب حفظ کنندگان قرآن].

حام (Ham) ♂ (عبری) تاریکی [پسر نوح].

حامد (♂ عربی) ستایشگر، اسمفاعل از ریشه‌ی حمد.

حَبَاب (♀ عربی) معشوقه، اسم فاعل از ریشه‌ی حَبَّ.

حُبَاب (♂ عربی) دوست داشتنی، از ریشه‌ی حِب (دوست داشتن).

حَبَاكُوك / حَبْقُوك (Habakuck) ♂ (عبری) آغوش عشق.

حَبَّان (♂ عربی) محبوب، از ریشه‌ی حِب (دوست داشتن) [ابن حبان: مورخ و جغرافیدان عرب].

حَبِيب (♂ عربی) دوست، از ریشه‌ی حِب (دوست داشتن).

حَبِير (Habir) ♂ (عبری) خدا بر می‌خیزد.

حَث (Heth) ♂ (عبری) وحشتناک [پسر کنعان، جد هیتی‌ها].

حَت شپ سوت (♀ Hatshepsut مصری باستان) نجیب‌ترین بانوان، از ریشه‌ی مصری باستان حَت  
(برترین) و شِپسو (نجیب‌زاده) [ملکه‌ی مشهور مصر در دودمان هژدهم].

حَتْفَرَمَات (Hetephermaat) ♂ (مصری باستان) عدالت شادی‌آور است، از ریشه‌ی مصری باستان  
حَتْفَر (شادی‌آفرین) و مَات (عدالت) [لقب مرن‌پتاح، از فراغنه‌ی دودمان نوزدهم].

حَجَاج (♂ عربی) کسی که زیاد به حج می‌رود، صاحب حجت قوی، از ریشه‌ی حج [حاکم خونخوار ایران  
در قرن اول هجری].

حَدِيد (♂ عربی) قاطع و تندخو، صفت از ریشه‌ی حدد (شدت، تندی) [لقب آهن].

حُرُّ ( حُرُّ ) (عربی) اسب آزاد شده، جوجه کبوتر، بچه‌ی آهوی ماده، استعاره است برای آزادگی، از ریشه‌ی حرر.

حران (Harran) (عربی) روشن، نورانی.

حردان (عربی) خشمگین.

حری حور (Herihor) (مصری باستان) خدای خورشید مرا حفاظت می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان حری (مرا حفاظت می‌کند) و حور (هوروس، خدای خورشید) [بنیانگذار دودمان کاهنان تب].

حزائیل (Hazel) (عربی) بیننده‌ی خدا، از ریشه‌ی عبری حزا (دیدن) و ایل (خدا).

حزقیال (Azkiel) (عربی) یهوه تواناست، از ریشه‌ی عبری حزقی (توانستن) و ایل (خدا) [از نبی‌های یهودی].

حُسام (عربی) شمشیر برنده، از ریشه‌ی حسم (بریدن) [حسام ابن ضرار الکلبی: امیری در اندلس].

حَسَّان (عربی) مزین کننده [حسان بن ثابت: مداح حضرت محمد].

حسن / حسین / محسن / احسان (عربی) زیبا، نیکو، از ریشه‌ی عربی حُسن.

حسیب (عربی) محاسبه‌گر و بزرگووار، صفت از ریشه‌ی عربی حسب (حساب کردن) [از القاب خداوند].

حَصِيف (عربی) نیکو رأی، مدبر، صفت از ریشه‌ی حصف.

حُصَيْن (عربی) جای محکم و استوار، اسم تصغیر از ریشه‌ی حصن.

حَطَّان (عربی) بز نر [حطان بن المعلى: شاعر مشهور عرب].

حَفْزِیَیَهِ ( Hephzibah عبری) شادی من در اوست.

حَفْص ( عربی) بچه شیر [حفص بن السلیمان الهمدانی: اولین وزیر حکومت‌های اسلامی].

حَفْصَه ( عربی) بچه شیر ماده [نام دختر عُمر بن خطاب].

حَفِیْظ ( عربی) دارنده، کسی که حفظ کرده، صفت از ریشه‌ی حفظ.

حَقَائِی ( Haghai عبری) تنبل.

حَقَامَاتِ رَع ( Heqamaatre مصری باستان) عدالت رع حاکم است، از ریشه‌ی مصری باستان حقا (حاکم)، مآت (عدالت)، و رع [لقب رامسس چهارم، از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

حَقَاوِاسِی ( Heqawaset مصری باستان) سلطان تب، از ریشه‌ی مصری باستان حقا (حاکم) و وِاسِی (تب، شهری در مصر) [لقب آمن مسس، از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

حَقَائِیونو ( Heqaiunu مصری باستان) حاکم شهر آفتاب، از ریشه‌ی مصری باستان حقا (حاکم) و یونو (هلیوپولیس، شهر آفتاب) [لقب رامسس سوم از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

حَکِیْم ( عربی) خردمند، پزشک، صفت از ریشه‌ی عربی حکم (داوری کردن) [از القاب خداوند].

حَلِیْم ( عربی) بردبار، صفت از ریشه‌ی حلم (بردباری) [از القاب خداوند].

حَلِیْمَه ( عربی) بخشنده، شکیبا، صفت از ریشه‌ی حلم [دایه‌ی حضرت محمد].

حَمَّاد ( عربی) بسیار سپاسگذار، اسم فاعل از ریشه‌ی حمد [لقب گروهی از محدثان].

حَمَام ( عربی) کبوتر.

حمدان (♂ عربی) ستایشگر، اسمفاعل از ریشه‌ی حمد.

حمزه (♀ عربی) شیر درنده [نام عمومی حضرت محمد].

حمورابی (♂ بابلی) حَمو خدای من است، از کلمات بابلی حَمو (از خدایان سامی غربی) و رابی (خدای من است) [بنیانگذار امپراتوری بابل].

حمید (♂ عربی) ستوده، ارجمند، اسم فاعل از ریشه‌ی حمد (ستایش) [از القاب خداوند].

حنانه (♀ عربی) مهربان، اسم فاعل از ریشه‌ی حن.

حنانیه (Hananiah) (♂ عبری) یهوه باشکوه است، از ریشه‌ی عبری حنان (باشکوه) و یاه (یهوه).

حنیف (♂ عربی) پایدار در دین، صفت از ریشه‌ی حنف (پارسایی) [لقب پیروان حضرت ابراهیم].

حوا (♀ Eve عبری) زندگی، از ریشه‌ی سامی [زن حضرت آدم].

حوتپ سخموی (Hotepsekhemwy) (♂ مصری باستان) خوشنود از قدرت، از ریشه‌ی مصری باستان حوتپ (راضی)، سخموی (قدرت دوگانه) [نخستین فرعون دودمان دوم].

حورمحب (Horemheb) (♂ مصری باستان) هوروس در حال پایکوبی است، از ریشه‌ی مصری باستان حور (هوروس، خدای خورشید) و حب (شن، پایکوبی) [آخرین فرعون از دودمان هژدهم].

حوسیا/ هوشع (Hosea / Hossiah) (♂ عبری) رستگاری.

حویلَه (Havila) (♂ عبری) دایره [پسر کوش].

حیدر (♀ عربی) شیر کوتاه قد [لقب حضرت علی].

حیدر (♂ عربی) صفت شیر [لقب حضرت علی].

حیرام (Hiram) (♂ عبری) برادر متعالی، از ریشه‌ی فنیقی آحی (برادر) و رام (بلندی) [شاه فنیقیه در عصر

سلیمان].

# خ

خائِمِ وَاِسْتِ مِرِنِ آمُونِ نَجِرِ حَقَايُونُو ( Khaemwaset merenamun ) ♂  
Netjerheqaiunu مصری باستان) برآمده از تب، محبوب آمون، حاکم الهی شهر آفتاب، از ریشه‌ی  
مصری باستان خائِم (پدیدار شده در)، وَاِسْتِ (شهرِ تب)، مِرِنِ (محبوب)، آمُونِ، نَجِرِ (الهی)، حَقَا (حاکم) و  
یونو (هلئوپولیس) [لقب رامسس یازدم، از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

خَا بَا (Khaba) ♂ مصری باستان) روح آشکار می‌شود، از ریشه‌ی مصری باستان خَا (پدیدار شدن) و با  
(روح) [از فراغنه‌ی دودمان سوم].

خَاتُونِ ( خَا تَرِکِی ) وَاَلتَبَارِ، از ریشه‌ی ترکی کادین (اشراف‌زاده، لقبِ زَنِ خَا قَانِ چین).

خَا خَاوُرِعِ (Khakhaure) ♂ مصری باستان) آشکار همچون روح رع، از ریشه‌ی مصری باستان خَا  
(پدیدار)، کَا (روح) و رع [لقب سنوسرت سوم، از فراغنه‌ی دودمان دوازدهم].

خَا خَا پِرِعِ (Khakheperre) ♂ مصری باستان) رع در هستی پدیدار می‌شود، از ریشه‌ی مصری باستان  
خَا (پدیدار) و خِپِرِ (هستی یافتن) و رع [لقب سنوسرت دوم، از فراغنه‌ی دودمان دوازدهم].

خادم (♂ عربی) خدمت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی خدمت.

خاریس (Charis ♂ یونانی) شکوه.

خازم (♂ عربی) مرتب کننده‌ی مروارید در رشته.

خازن (♂ عربی) گرد آورنده، ذخیره کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی خزن (انباشتن).

خاسِخِمِرِ (Khasekhemre ♂ مصری باستان) روح رع نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان کا (روح)، سِخِمِ (نیرومند)، و رع [لقب نفر حوتپ اول، از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

خاسِخِمِوِی (Khasekhemwy ♂ مصری باستان) آن دو نیرومند آشکار می‌شوند، از ریشه‌ی مصری باستان خا (آشکار شدن) و سِخِمِوِی (دو نیرومند) [آخرین فرعون دودمان دوم].

خاشع (♂ عربی) فروتن، اسم فاعل از ریشه‌ی خشع (فروتنی).

خالاگ (Khalag ♂ ارمنی) چشم آبی.

خالد (♂ عربی) جاویدان، پایدار، اسم فاعل از ریشه‌ی خلد (جاودانگی) [خالد بن ولید: سردار مسلمان].

خالیون (Chalion ♂ یونانی) بی فکر.

خان بالغ (♂ ترکی) امیر شهر (یا ماهی)، از ریشه‌ی ترکی خان (امیر) و بالغ (شهر، یا بالغ) [اسم مغولی پکن].

خبیر (♂ عربی) دانا، آگاه، صفت از ریشه‌ی خبر [از القاب خداوند].

خِپِرِکارِ (Kheperkare ♂ مصری باستان) روح رع هستی می‌یابد، از ریشه‌ی مصری باستان خِپِرِ

(ظهور کردن، هستی یافتن)، کا (روح) و رع [لقب سنوسرت اول، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].



خپرِمَات رع (Khepermaatre) ♂ (مصری باستان) عدالت رع پایدار است، از ریشه‌ی مصری باستان

خپر (پایدار بودن)، مَات (عدالت)، و رع [لقب رامسس دهم، از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

خدیجه (♀ (عربی) دختری که زودتر از موعد به دنیا آمده است [زن حضرت محمد].

خصیب (♂ (عربی) زمین حاصلخیز.

خضر (♂ (عربی) سبز [نام پیامبری است].

خَطَاب (♂ (عربی) بسیار خطبه‌خوان، صفت تفضیلی از ریشه‌ی خطب (سخن گفتن) [عمر بن خطاب: دومین خلیفه‌ی اسلام].

خَفْرَه (Khafre) ♂ (مصری باستان) آشکار همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان خا (پدیدار)، ف (شبیهِ به) و رع [از فراعنه‌ی دودمان چهارم و سازنده‌ی یکی از هرمهای سه گانه].

خلیل (♂ (عربی) دوست یکدل، صفت از ریشه‌ی خلل (در دل نفوذ کردن) [لقب حضرت ابراهیم].

خنوم (Khnum) ♂ (مصری باستان) آفریدن [خدای آبشار نیل].

خوئِه (♀ (Xue (چینی) برف.

خوتاویرع (Khutawwyre) ♂ (مصری باستان) رع دو سرزمین را حفظ کند، از ریشه‌ی مصری باستان خو (حفظ کردن)، تاوی (دو سرزمین) و رع [نخستین فرعون دودمان سیزدهم، بیشتر با نام وگاف شناخته می‌شود].

خوفو (Khufu) ♂ (مصری باستان) حفاظت شده توسط خنوم، از ریشه‌ی مصری باستان خنوم (اسم یک خدا) [از فراعنه‌ی دودمان چهارم، سازنده‌ی بزرگترین اهرام سه گانه].

خون (Xun) ♂ چینی) سریع.

خونسو (Khonsu) ♂ مصری باستان) گذر کرده [خدای ماه، تقویم و پزشکی].

خیانگ (Xiang) ♀♂ چینی) خوشبو.

خیرون (Chiron) ♂ یونانی) دست، از ریشه‌ی یونانی باستان χιρων (دست) [سنتوری در تسالی که

پزشکی چیره‌دست بود].

خیماروس (Cheimarrhus) ♂ یونانی) سیلابی، سیل‌واره.

خیمون (Ximun) ♂ باسک) شکل تغییر یافته‌ی شمعون / سیمون.

خیونه (Chione) ♀ یونانی) ملکه‌ی برف.

،

دئیون (Deion) ♂ یونانی (غار تگر).

دا (Da) ♂ چینی (شرق).

دائدالوس (Daedalus) ♂ یونانی (دارای پوست زیاد [سنگ تراش و مهندسی از مردم اکریتس]).

دادا (Dada) ♂ آفریقایی (موی مجعد، از ریشه‌ی یوروبا،

دارا/ داراب (♂ پارسی) دارنده، از ریشه‌ی پارسی داشتن.

داردانوس (Dardanus) ♂ یونانی (آتش زننده [پسر زئوس]).

دارُسی (D'Arcy) ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) اهل آرسی، از ریشه‌ی گِل D' (مربوط به) و Arcy (اسم

منطقه‌ای) [تاجری انگلیسی که اولین قرارداد استخراج نفت را با ایران بست]

دارلین (Darleen) ♀ آنگلو ساکسون (عزیز).

داریل (Darryl) ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) اهل آیرل، از ریشه‌ی گِل D' (مربوط به) Airelle (اسم

منطقه‌ای).

داریوش (♂ پارسى) دارنده‌ی نیکی [از شاهان هخامنشى].

داژبوگ (Dazhbog ♂ اسلاو) هدیه‌ی خداوند، خداداد، از ریشه‌ی اسلاوی dazhd (هدیه کردن) و bog (خداوند).

داستین (Dustin ♂ آلمانی) سنگ تور، از ریشه‌ی نوردیک باستان Dur/Du (تور، خدای توفان) و stin (سنگ).

دافنه (Daphne ♀ یونانی) آراسته با برگ غار.

داگدا (Dagda ♂ سلت) خدای خوب، از ریشه‌ی سلتی da (خوب) و gda (خدا) [خدای زمین، جادو، خرد و ثروت].

داگلاس/دوج (Douglas/ Doug ♂ آنگلو ساکسون) رود تیره، از ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و las (رود).

داگمار (Brenda ♀ آلمانی) بانوی روز، از ریشه‌ی نوردیک باستان dag (روز) و mar (بانو).

دالای (♂ ترکی) اقیانوس، عالی، جهانی [در نام دالایی لاما باقی مانده است].

دامیسوس (Damysus ♂ یونانی) فاتح.

دان (Dan ♂ عبری) داور [از قبایل دوازده گانه‌ی یهودی].

دانائوس (Danaus ♂ یونانی) داور، قاضی، از ریشه‌ی یونانی باستان δαναος (قاضی).

دانائو (Danae ♀ یونانی) قاضی زن، اسم مادینه در یونانی باستان δαναη (قاضی) [همسر زئوس و مادر پرسئوس].

دانیال (Daniel) ♂ (عبری) خداوند داور من است، از ریشه‌ی عبری دانی (داور من) و ایل (خدا) [از نبی‌های یهودی].

دانیکا (Danika) ♀ (اسلاو) ستاره‌ی بامدادی.

داونوس (Daunus) ♂ (یونانی) خفته.

داوود (David) ♂ (عبری) محبوب، از ریشه‌ی عبری دود (دوست داشتن).

دایچی (Daichi) ♂ (ژاپنی) نوه‌ی بزرگتر.

دبوره/دبرا (Debrah) ♀ (عبری) زنبور.

درّاج (♂) (عربی) بسیار طواف کننده، از ریشه‌ی درج (دور چیزی گشتن) [درّاج ابن زرعّه الغیبانی: شاعر عصر اموی].

درّاس (♂) (عربی) کسی که زیاد درس می‌خواند، از ریشه‌ی درس.

دراگومیر (Dragomir) ♂ (بلغاری) از ریشه‌ی بلغاری bron (حفاظت کردن) و mir (صلح، آرامش).

درموت (Dermot) ♂ (آنگلوساکسون) بی‌حسد.

درولا (Dervla) ♀ (آنگلوساکسون) دختر شاعر.

دریخوس (Derychus) ♂ (یونانی) کسی که با چشم باز می‌خواهد.

دُرید (♂) (عربی) بی‌دندان، کوچکِ خشمگین، اسم مصغر از ریشه‌ی درّد (خشم) [درید بن الصّمّه: شاعری جاهلی].

دریوپس (Dryops) ♂ یونانی) دارای چهره‌ی شبیه بلوط، سیه چرده، از ریشه‌ی یونانی باستان δρυος (بلوط) و οπισ (چهره) [از دلاوران آخایی در ایلیاد].

دزموند (Desmond) ♂ آنگلساکسون) گوزن جنوبی.

دسیسلاو (Desislav) ♂ بلغاری) افتخار دهکده، از ریشه‌ی بلغاری desi (دهکده) و slav (افتخار).

دعّاس (عربی) ♂ سخت لگدمال کننده، نیزه‌دار، از ریشه‌ی دعس (لگدکوب کردن).

دکستر (Dexter) ♂ لاتین) راست دست، از ریشه‌ی لاتین

دلایاه (Delaiah) ♀ عبری) یهوه نقش کرده، از ریشه‌ی عبری دلای (کشیدن) و یاه (یهوه).

دلفینه (Delphyne) ♀ یونانی) رَحِم.

دلایه (عربی) ♀ راهنما، هدایتگر، صفت از ریشه‌ی دلیل.

دلایه (Delilah) ♀ عبری) ظریف.

دمتر (Demeter) ♀ یونانی) مادر آبجو (?)، از ریشه‌ی یونانی باستان μητηρ (مادر) [ایزدبانوی کشاورزی و درو].

دموستنس (Demosthenes) ♂ یونانی) قدرت مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان δεμος (مردم) و σθενα (قدرت) [خطیب و سیاستمدار آتنی].

دموفون (Demophon) ♂ یونانی) صدای مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان δεμος (مردم) و φων (صدا).

دموکریتوس (Democritus) ♂ یونانی) قاضی مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان δημοσ (مردم) و κριτικός (داور، قاضی) [فیلسوف یونانی].

دن (Den) ♂ مصری باستان) (هوروس که) حمله می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنه‌ی دودمان نخست].

دوانام‌پریا (Devānāmpriya ♂ هندی) محبوب و مورد توجه خدایان، بر ساخته از دوانام (ایزدان) و پریا (محبوب) [لقب آشوکا شاه هند]

دَوَحَه ( ♀ عربی) درختی بزرگ، تناور.

دودانیم (Dodanim) ♂ عبری) رهبر [پسر یاوان].

دورگا (Durga ♀ هندی) دست نیافتنی، از ریشه‌ی سانسکریت [زن شیوا].

دوروس (Dorus) ♂ یونانی) هدیه، از ریشه‌ی یونانی باستان δορος (هدیه، پیشکش).

دوریس (Doris) ♂ یونانی) بخشنده، از ریشه‌ی یونانی باستان δορος (هدیه، پیشکش).

دوریوپه (Doryope ♀ یونانی) دارکوب.

دوفونه (Dophoene ♀ یونانی) خونین.

دوکالیون (Deucalion) ♂ یونانی) ملوانی که شراب خام حمل می‌کند [پسر پرومته، همتای نوح، و پدر ایدومنه در اودیسه].

دوگال/ دویل (Dougal/ Doyle) ♂ آنگلو ساسکسون بیگانه‌ی سیه‌چرده، از ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و al (بیگانه).

دولورس (Dolores ♀ اسپانیایی) غمها، واژه‌ای اسپانیایی.

دولوفون (Doulophon) ♂ یونانی) مار زیرک.

دونالد (Donald) ♂ آنگلو ساسکسون) حاکم جهان.

دونکان (Duncan) ♂ آنگلو ساسکسون) جنگجوی سیاه، از ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و nkan (جنگجو).

دونگ (Dong) ♂ چینی) زمستان.

دونووان (Donovan) ♂ آنگلو ساسکسون) سیه‌چرده کوچک اندام، از ریشه‌ی انگلیسی باستان daugh (تیره) و nov (کوچک).

دوی (Devi ♀ هندی) ایزبانو، از ریشه‌ی سانسکریت.

دیارمید (Diarmaid) ♂ سلت) آزادمرد، از ریشه‌ی سلتی [پهلوانی ایرلندی].

دیائوس / دایوس (Diaus ♂ هندی) آسمان، روشن، برگرفته از نام سانسکریت द्यौष्पितृ (آسمان) [در اساطیر هندی پدر ایندره و آگنی است و در ایران نامش بر ماه دی باقی مانده]

دیاس (Dias) ♂ یونانی) درخشان.

دیانا (Diana ♀ هندی) آسمانی، در زبان سانسکریت.

دیانو (Diano) ♂ اسپانیایی) آسمانی، الهی، از ریشه‌ی لاتینی diaus (خدا).



دیپاک (Dipak) ♂ هندی) چراغ کوچک.

دیدایون (Didaeon) ♂ یونانی) با تجربه.

دیردُر (Deirdre) ♀ آنگلساکسون) زن.

دیرسه (Dirce) ♀ یونانی) شکاف، ترک.

دِیسی (Daisy) ♀ آنگلساکسون) چشم روز، از ریشه‌ی انگلیسی باستان dai (روز) و sy (چشم).

دیفیلوس (Deiphilus) ♂ یونانی) دوستدار غارت، از ریشه‌ی یونانی باستان δει (غارت) و φιλυς (دوستدار).

دیکتیس (Dyctis) ♂ یونانی) شبکه.

دیکه (Dike) ♀ یونانی) قانون، عدالت، از ریشه‌ی یونانی باستان δικη (عدالت).

دیلئون (Deileon) ♂ یونانی) شیر غارتگر، از ریشه‌ی یونانی باستان δει (غارت) و λεον (شیر).

دیلان (Dylan) ♂ سلت) دریا، به زبان ولش.

دیلان (Dylan) ♂ آنگلساکسون) دریایی.

دِیماخوس (Deimachus) ♂ یونانی) غنیمت جنگی، از ریشه‌ی یونانی باستان δει (غارت) و μαχυς (جنگ).

دیماس (Deimas) ♂ یونانی) ترسو، از ریشه‌ی یونانی باستان δειμος (ترس).

دیموس (Deimos) ♂ یونانی) وحشت، هراس، از ریشه‌ی یونانی باستان δειμος (ترس) [پسر آرس، از ماه‌های سیاره‌ی بهرام].

دیناه (Dinah ♀ عبری) توسط خدا داوری شده، از ریشه‌ی عبری دانی (داوری) و یاه (بهبه).

دیودوروس (Diodorus) ♂ یونانی) هدیه‌ی خداوند، از ریشه‌ی یونانی باستان διος (خداوند) و δορος (هدیه).

دیوژن/دیوجانوس (Diogenes) ♂ یونانی) فرزند خدا، از ریشه‌ی یونانی باستان dios (خداوند) و genh (زائیدن) [فیلسوف یونانی].

دیوسکوری (Dioscui) ♂ یونانی) پسران خداوند، از ریشه‌ی یونانی باستان διος (خداوند) و κουρι (پسران) [نام جمعی که برای کاستور و پولوکس به کار می‌رود]

دیوکلِس (Diocles) ♂ یونانی) افتخار خدا، از ریشه‌ی یونانی باستان διος (خدا) و κλη (افتخار) [پسر اورتیلوک و شاه فرها در ایلیداد].

دیومِدِس (Diomedes) ♂ یونانی) همچون خدایان زیرک، از ریشه‌ی یونانی باستان διος (خدا) و μεδης (زیرکی، اندیشه) [پهلوان آخایی در ایلیداد].

دیونِه (Dione ♀ یونانی) ملکه‌ی الهی، از ریشه‌ی یونانی باستان διος (خدا) [مادر آفرودیته].

دیونیسوس (Dionysus) ♂ یونانی) بره‌ی خداوند، از ریشه‌ی یونانی باستان διος (خداوند) و νυσος (بره) [ایزد شراب و تاک].

;

ذاکر (♂ عربی) زیرک، خوش حافظه، اسم فاعل از ریشه‌ی ذکر.

ذکّی (♂ عربی) باهوش، از ریشه‌ی ذکی (ذکاوت).

ذوالفقار (♂ عربی) صاحب برجستگی، دندان‌دار، از ریشه‌ی فقره [اسم شمشیر حضرت علی].

ذوالیمینین (♂ عربی) کسی که با هر دو دست به خوبی شمشیر می‌زند، از ریشه‌ی یمین (دست راست) [طاهر

ذوالیمینین: سردار ایرانی].



رئا ( Rhea ♀ یونانی) بسترِ زمین، جریان از ریشه‌ی یونانیِ رِئین (ρηειν) به معنای جنبیدن و جریان یافتن [زن کروئوس، مادر زئوس و هرا]

رئی ( Rei ♀ ژاپنی) تشکر، لطف.

رائد (♂ عربی) کسی که هنگام کوچ قبیله مکانهای جدید را جست و جو می‌کند، پیشتاز، از ریشه‌ی رآد (یافتن مکان) [در ارتش عراق و مصر درجه‌ایست معادل سرگردی]

رائق (♂ عربی) صاف، بسیار زیبا، اسم فاعل از ریشه‌ی رآق (صاف) [فرمانده‌ی ارتش عباسیان].

رائول (Reuel ♂ عبری) دوست خدا، از ریشه‌ی عبری رای (دوست) و ایل (خدا).

رابعه (♀ عربی) سبزه، پربرکت، از ریشه‌ی ربیع (بهار) [از عرفای قرون نخستین اسلامی].

راتب (♂ عربی) دارای جیره‌ی ثابت و پابرجا، صفت از ریشه‌ی رتب (مرتب بودن).

راتی ( Rati ♀ هندی) آرامش، از ریشه‌ی سانسکریت.

راجر (Roger) ♂ (آلمانی) نیزه‌ی مشهور، از ریشه‌ی آلمانی ru (مشهور) و ger (نیزه).

راجی (♂ عربی) امیدوار، اسم فاعل از ریشه‌ی رجي (امید داشتن).

راحله (♀ عربی) کوچ کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی رحل (کوچ گردی).

رادع (♂ عربی) مهار کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی ردع (جلوگیری کردن).

رادمیست (♂ پارسی) بزرگترین رادی، بخشنده‌ی بزرگ، احتمالا تحریفی یونانی از راده‌مهیشت پارسی باستان است [شاه گرجستان در دوران اشکانی]

رادومیل (Radomil) ♂ (بلغاری) دوستدار شادمانی، از ریشه‌ی بلغاری rad (شادی) و mil (دوست داشتن).

راسخ (♂ عربی) با نفوذ، با استقامت، اسم فاعل از ریشه‌ی رسخ (نفوذ کردن).

راسل (Russell) ♂ (گل - فرانسه‌ی کهن) سرخ.

راشد (♂ عربی) برومند و تناور، اسم فاعل از ریشه‌ی رشد.

راشد (♂ عربی) رشد کرده، کامل، اسم فاعل از ریشه‌ی رشد.

راشل (♀ Rachel) (عبری) جشن، عید.

راعی (♂ عربی) چوپان، اسم فاعل از ریشه‌ی رعی (گله‌بانی کردن).

راغب (♂ عربی) علاقمند، دوستدار، اسم فاعل از ریشه‌ی رغب (رغبت).

رافد (♂ عربی) عطا کننده، یاریگر، اسم فاعل از ریشه‌ی رfd (کمک کردن).

رافع (♂ عربی) بلند، بالا، اسم فاعل از ریشه‌ی رفع (بلندی).

راقی (♂ عربی) بالا رونده، نویسنده‌ی چشم‌زخم، دغانویس.

راما (Rama ♂ هندی) خوشبخت، از ریشه‌ی سانسکریت [پهلوان/خدایی اساطیری]

رامح (Ramah ♂ عبری) لرزان [پسر کوش].

رامسس (Ramses ♂ مصری باستان) رع او را ایجاد کرده، از ریشه‌ی مصری باستان رع و مسیه (ساختن، زاییدن) [نخستین فرعون دودمان نوزدهم].

رامیرو (Ramiro ♂ اسپانیایی) پندِ زبانزد، اندرز مشهور، از ریشه‌ی گوتی ragin (پند) و mari (مشهور).

ران (♀ Ran ژاپنی) سوسن آبی.

رانب (Raneb ♂ مصری باستان) رع سرور است، از ریشه‌ی مصری باستان را (رع، خدای خورشید) و نب (سرور) [از فراعنه‌ی دودمان دوم].

راندولف (Randulf ♂ آلمانی) سپر گرگ، از ریشه‌ی آلمانی rand (سپر) و wulf (گرگ).

رانی (♀ Rani هندی) ملکه.

راوی (♀ Rawi هندی) خورشید.

راهاب (Rahab ♂ عبری) پهناور، عظیم.

رایلی (Riley ♂ آنگلو ساکسون) چمنزار، از ریشه‌ی انگلیسی باستان rai (چمن، علف) و ley (دشت).

رَبَاب ( ♀ عربی) نوعی آلت موسیقی، ابر سفید [نام همسر امام حسین].

رَبِکَا ( ♀ Rebecca عربی) اسارت.

رَبِيع ( ♂ عربی) بهار.

رَجَب ( ♂ عربی) هفتمین ماه قمری.

رَحْمَان ( ♂ عربی) مهربان، بخشنده، صفت از ریشه‌ی رَحِم (بخشش) [از القاب خداوند].

رَحِيل ( ♂ عربی) کوچ، از ریشه‌ی رَحِل (کوچ گردی).

رَحِيم ( ♂ عربی) بخشنده، صفت از ریشه‌ی رَحِم (بخشش) [از القاب خداوند].

رَخْش اسب اصیل، درخشان، از ریشه‌ی پارسی باستانِ رَخْشَنَه (درخشان) [اسب رستم].

رِزَاق ( ♂ عربی) آورنده‌ی روزی، اسم فاعل از ریشه‌ی رِزَق (روزی) [از القاب خداوند].

رُستَم ( ♂ پارسی) تناور، کسی که رشد کرده و نیرومند شده، از ریشه‌ی اوستاییِ رُس (رستن، رشد کردن) و

تَهْمَه (نیرومند) [ابریهلوان شاهنامه].

رَسُول ( ♂ عربی) پیامبر، از ریشه‌ی رَسَل (پیام) [لقب حضرت محمد].

رَشَنَوَاد ( ♂ پارسی) راستگو، از ریشه‌ی پهلوی رَشَن (راستی) و پسوندِ واد.

رَشِيد ( ♂ عربی) برومند، نیرومند، صفت از ریشه‌ی رَشَد.

رَشِيق ( ♂ عربی) لطیف و سبک، صفت از ریشه‌ی رَشَق (لطافت).

رِضَا ( ♂ عربی) راضی، از ریشه‌ی رِضَايَت.

رَطِيب ( ♂ عربی) نرم، نازک و تازه، صفت از ریشه‌ی رَطَب (رطوبت).

رِفَاعَةُ (♂ عربی) دارنده‌ی صدای بلند، از ریشه‌ی رفع (بلندی) [از صحابه‌ی مشهور].

رَقِيب (♂ عربی) پاسدار، نگهبان، صفت از ریشه‌ی عربی رقب (نگهداری کردن) [از القاب خداوند].

رَقِیة (♀ عربی) بنده، برده، از ریشه‌ی رقیة.

رُقِیة (♀ عربی) بنده، کنیز، از ریشه‌ی رقی (بندگی) [نام دختر حضرت محمد و همسر عثمان].

رمضان (♂ عربی) نهمین ماه قمری، از ریشه‌ی رمض (گرامی داشتن) [نام دو فقیه شافعی مشهور].

رن (♀ Ren ژاپنی) سوسن آبی (خلوص).

رو (Ru) (♂ چینی) دانشمند.

روبرت (Robert) (♂ آلمانی) شهرت درخشان، از ریشه‌ی آلمانی ru (مشهور) و bert (درخشان).

روبن (Reuben) (♂ عبری) پسر مرا ببین! از ریشه‌ی عبری رأی (دیدن) و بن (فرزند) [پسر مهتر یعقوب

از لیه].

روت (Ruth) (♀ عبری) دوست.

رودابه (♀ پارسی) دارای جلوه‌ی زاینده، دارای ظاهر بالنده، از ریشه‌ی پهلوی روت (زایش، نمو، رشد) و

آپک (جلوه، تابش) [نام زن زال و مادر رستم].

رودولف / رالف (Rudolf/Ralph) (♂ آلمانی) گرگ مشهور، از ریشه‌ی آلمانی ru (مشهور) و

wolf (گرگ).

رودها (♀ Rodha هندی) موفقیت، از ریشه‌ی سانسکریت.



روری (Rory) ♂ (آنگلوساکسون) شاهِ سرخ.

روسو (Rocio) ♂ (اسپانیایی) شب‌نم، از ریشه‌ی لاتین.

روشنک (♀) (پارسی) نورانی، از ریشه‌ی اوستایی رَوُخْشَنَه (روشن، نورانی).

روفوس (Rufus) ♂ (لاتین) سرخ، از ریشه‌ی لاتین [سرداری رومی].

روگسانا (♀) (پارسی) نورانی، شکل یونانی شده‌ی روشنک است.

روکورو (Rokuro) ♂ (ژاپنی) پسر ششم.

روگناخ (♀) (Rioghnach سلت) ملکه، از ریشه‌ی سلتی [زن نیال].

رونالد، رژینالد (Ronald/ Reginald) ♂ (آلمانی) اندرز شاه، از ریشه‌ی آلمانی regi (شاه) و nald (اندرز).

روندا (Rhonda) ♂ (آنگلوساکسون) نیزه‌ی خوب.

رونگ (♀) (Rong) ♂ (چینی) جنگی، رزمی.

رووان (Rowan) ♂ (آنگلوساکسون) سرخ.

روی (Roy) ♂ (آنگلوساکسون) سرخ.

رُهام (♂) (پارسی) پاسدار، نگهبان، از ریشه‌ی اوستایی رَهْهَئَمَه، که بخش دوم آن از ریشه‌ی تَمَنَه (مراقبت کردن) است [از پهلوانان شاهنامه‌ای].

ریاح (♂) (عربی) باده‌ها، اسم جمع از ریشه‌ی ریح (باد) [جد عدنانی‌ها و بنی تمیم].

ریاض (♂ عربی) سرزمینهای سرسبز، جمع روضه.

ریان (Ryan) (♂ آنگلو ساسکسون) شاه کوچک.

ریانرون (Rhianron) (♀ آنگلو ساسکسون) ملکه‌ی بزرگ.

ریپاث (Ripath) (♂ عبری) دشمنان [پسر گومر].

ریچارد (Richard) (♂ آلمانی) شاهِ سختگیر، از ریشه‌ی آلمانی ri (شاه) و kard (سختگیر، عادل).

ریم سین (♂ اکدی) گاو میشِ سین، از ریشه‌ی اکدی ریم (گاو میش) و سین (خدای ماه) [شاه ایلامی لارسا].

ریموند (Raymond) (♂ آلمانی) خردمند.

ریو (Ryo) (♂ ژاپنی) عالی.

ریوتا (Ryota) (♂ ژاپنی) بسیار تنومند.

رؤوف (♂ عربی) مهربان، صفت از ریشه‌ی عربی رأف (مهربانی کردن) [از القاب خداوند].

رؤیا (♀ عربی) آنچه که به خواب بینند، از ریشه‌ی رأی (دیدن).

## ز

زابل (♀ Zabel ارمنی) همان ایزابل است.

زاراماما (♀ Zaramama سرخپوستی) مادرِ بذر، از ریشه‌ی کوئنچلان [ایزدبانوی بذر اینکاها].

زاکی (♂ عربی) پاکیزه، از ریشه‌ی زکی (تزکیه).

زال (♂ پارسی) پیر، از ریشه‌ی اوستایی زَر (پیر شدن) که با یار و یر سانسکریت به همین معنا خویشاوند است [پدر رستم].

زان (♀ Zan چینی) پشتیبانی، ستایش.

زاهد (♂ عربی) عبادت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی زهد.

زبولون (♂ Zabulun عبری) محترم یا ساکن [از قبایل دوازده گانه‌ی یهودی].

زبیده (♀ عربی) کوچکترین چیز نیکو، شکلِ مصغرِ زُبده [زن هارون الرشید و دختر جعفر برمکی].

زُیْدَه ( ♀ ) (عربی) نخبه، برجسته، اسم تصغیر از ریشه‌ی زبده.

زِخاریاه (Zekhariah) (♂) (عبری) یهوه به یاد می‌آورد.

زِدْکاکیب (♂) (اکدی) عقرب، از ریشه‌ی اکدی [از شاهان باستانی سومر].

زرتشت / زردشت (♂) (پارسی) دارنده‌ی شتر زرین، از ریشه‌ی اوستایی زَر (زرین) و اوشتَرَه (شتر) [پیامبر ایرانی].

زِروبابِل (Zerobabel) (♂) (عبری) زر بابلی، یا زاده شده در بابل [از احیاگران دین یهود در عصر هخامنشی].

زَریِر (♂) (پارسی) دارای زره طلایی، از ریشه‌ی اوستایی زَیری (زرین) و بَیریک (سینه، جوشن) [برادر گشتاسپ و اولین شهید دین زرتشتی].

زَعیم (♂) (عربی) سرور، از ریشه‌ی زعم (چیرگی، برتری).

زُغْلُول (♂) (عربی) جوجه کبوتر، کنایه از آدم چالاک است.

زُغْلُول (♂) (عربی) سبک و چابک.

زفانیه (Zaphaniah) (♂) (عبری) خدا پنهان می‌شود، از ریشه‌ی عبری زفانی (پنهان) و یاه (یهوه).

زکی (♂) (عربی) پاکیزه، از ریشه‌ی زکی (تزکیه) [زکی یمانی: سیاستمدار عرب].

زِلوس (Zelos) (♂) یونانی) کوشا.

زلیخا (♀) (عربی) پیشرو، پیشگام (؟) [زن یوسف پیامبر].

زو/ زاب (♂ پارسى) ياريگر، از ريشه‌ي اوستايي اوزوَه (ياري كننده) [از پهلوانان شاهنامه‌اي].

زواره (♂ پارسى) زنده، جاندار، از ريشه‌ي پهلوي اوزوارگ (جاندار) [برادر رستم].

زوور (Zevur ♂ عبري) شاهزاده، مگس، از ريشه‌ي آرامي زبول (شاهزاده) كه در عبري به دليل دشمني با آراميان به زوور (مگس) تبديل شده [بعل زبوب (خدای مگس‌ها) از اسامي شيطان در تورات است].

زهرا (♀ عبري) گله‌ها، از ريشه‌ي زهر (گل).

زهرا (♀ عبري) صاف، درخشان، صفت از ريشه‌ي زهر (گل) [از اجداد عصر جاهلي].

زهراء (♀ عبري) درخشان [لقب دختر حضرت محمد].

زهير (♂ عبري) گل كوچك، اسم تصغير از ريشه‌ي زهر (گل) [زهير بن ابى سلمى: نام چند شاعر].

زياد (♂ عبري) رشد، فزوني، از ريشه‌ي زيد (زياد شدن) [طارق ابن زياد: جهانگشاي مسلمان].

زيپوراه (Zipporah ♀ عبري) پرنده، از ريشه‌ي عبري تسيپره به معني پرنده [نام زن موسي].

زيد (♂ عبري) رشد، فزوني، از ريشه‌ي زيد (زياد شدن) [زيد بن ثابت: از صحابه‌ي مشهور].

زيدون (♂ عبري) رشد، فزوني، از ريشه‌ي زيد (زياد شدن).

زيمري (Zimri ♂ عبري) نيايش من، از ريشه‌ي عبري زيمر (نيايش).

زين العابدین (♂ عبري) زينت پرستشگران، از ريشه‌ي زين (زينت) [لقب امام چهارم].

زينب (♀ عبري) تن آسا، راحت طلب.

زينت (♀ عبري) آراستگي، هم‌ريشه با تزئين.



ژانوس (Janus ♂ لاتین) دروازه، از ریشه‌ی لاتین ianus (گذرگاه تاق‌دار) [خدایی با دو چهره‌ی].

ژن (Zhen ♀ چینی) معصوم، گرانبها.

ژنده (♂ پارسی) مهیب، بزرگ، عظیم، از ریشه‌ی پارسی ژنده (عظیم و ترساننده) [از پهلوانان شاهنامه‌ای].

ژنده‌پیل (♂ پارسی) پیل بزرگ [از عرفای نامدار قرون میانی].

ژو (Zhou ♂ چینی) کمک، یاری.

ژیرایر (Jirair ♂ ارمنی) فعال، قوی.

# س

سابق (♂ عربی) پیشرو، مقدم، اسم فاعل از ریشه‌ی سبق.

سابورو (Saburo ♂ ژاپنی) پسر سوم.

ساتیس (♀ Satis مصری باستان) (فنیقی) بذر افشاندن [ایزدبانوی تقسیم آب در کشتزارها].

ساجد (♂ عربی) سجده کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی سجده.

ساجیکو (♀ Sachiko ژاپنی) فرزند سعادت.

ساحورع (♂ Sahure مصری باستان) کسی که به رع نزدیک است، از ریشه‌ی مصری باستان ساحو

(نزدیک) و رع [از فراعنهی دودمان پنجم].

ساتیوجاتا (♂ هندی) ناگهان زاده شده [از ایزدان فروپایه‌ی مربوط به سومه]

سارا (♀ Sarah عبری) ملکه [زن ابراهیم].

سارپاتینو (♂ سومری) درخشان، از ریشه‌ی سومری [ایزدبانوی بذر گیاهان].

سارُقپلان (♂ ترکی) پلنگ زرد، از ریشه‌ی ترکی سارو (زرد) و قپلان (پلنگ) [حاکم دیار بکر در عصر تیموری].

ساره (♀ عربی) باقی‌مانده‌ی آشامیدنی در ظرف، ته مانده [زن حضرت ابراهیم].

ساره ایتف (Sare-Intef ♂ مصری باستان) ایتف پسر رع است، از ریشه‌ی مصری باستان ایتف (نام خدایی ست)، سا (پسر) و رع [بنیانگذار دودمان یازدهم فراعنه].

ساطع (♂ عربی) درخشان، اسم فاعل از ریشه‌ی سطم (تابیدن).

ساعد (♂ عربی) خوشبخت، اسم فاعل از ریشه‌ی سعد (خوشبختی) [ساعداالدوله، شاه دیلمی].

ساقی (♂ عربی) سیراب کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی سقی (آب دادن).

ساکورا (♀ Sakura ژاپنی) شکوفه‌ی گیلاس.

ساکِی (♀ Saki ژاپنی) دماغه.

سالم (♂ عربی) تندرست، اسم فاعل از ریشه‌ی سلم (سلامت).

سالوت (Salut ♂ اسپانیایی) صحت و سلامت، از ریشه‌ی لاتین.

سام/سامان (♂ پارسی) سیاه، از ریشه‌ی پارسی [پدر زال و نیای رستم].

سام/شِم (Sam/Shem ♂ عبری) نام، اسم [پسر نوح، جد اعراب].

سامر (♂ عربی) افسانه‌گو، اسم فاعل از ریشه‌ی سمر (افسانه).



ساموئیل / شموئیل (Samuel) ♂ (عبری) کسی که از خدا خواسته شده، از ریشه‌ی عبری سامو (خواندن، صدا کردن) و ایل (خدا).

سامی (♂ عربی) بلند مرتبه.

سان خبیر (San Khibre) ♂ (مصری باستان) قلب رع زنده است، از ریشه‌ی مصری باستان سا (دادن)، آنخ (حیات)، ایب (قلب) و رع [از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

سان (♂ ♀) (San) (چینی) سومین نفر، سه.

سان آخن رع (Sanakhtenre) ♂ (مصری باستان) مشهور همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان ساناخته (مشهور) و رع [لقب تائوی اول، از فراعنه‌ی دودمان هفدهم].

ساناخته (Sanakhte) ♂ (مصری باستان) حفاظت نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان [نخستین فرعون دودمان سوم].

ساناز (♀) (ترکی) کم‌نظیر، از ریشه‌ی ترکی سان (شمردن) و آز (نه).

سانتیاگو (Santiago) ♂ (اسپانیایی) جیمز مقدس، شکل تغییر یافته‌ی saint James.

سانح (♂ عربی) کسی که از سمت راست می‌آید، اشاره به آن است که حضور فرد به فال نیک گرفته می‌شود.

سانخ کارع (Sankhkare) ♂ (مصری باستان) زندگی بخش به روح رع، از ریشه‌ی مصری باستان سا (دادن)، آنخ (حیات)، کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش متوحوتپ دوم است].

سانداکشره (♂ ایرانی) شاه ساندا، از ریشه‌ی کیمری-پارسی ساندا (از خدایان بومی آناتولی) و خشره (پادشاه) [شاه کیمری‌ها و فاتح آسیای صغیر].

ساندالیو (Sandalio) ♂ اسپانیایی) گرگ اصیل، از ریشه‌ی لاتین sandalius (گرگ) که خود از sandulf (گُتی) یعنی گرگ اصیل) گرفته شده.

ساوَنگهی (♂ پارسی) سودمند، بافایده، در اوستایی **𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀** از ریشه‌ی سَوَنگَه گرفته شده به معنای سود و بهره [فرشته‌ی نگهبان چهارپایان بزرگ].

ساوِیتر (♂ هندی) زندگی‌بخش [ایزد نماینده‌ی خورشید هنگام طلوع و غروب در وداها]

ساهر (♂ عربی) شب زنده دار، از ریشه‌ی سهر (شب بیدار ماندن).

سایوری (♀ Sayuri ژاپنی) لاله‌ی کوچک.

سبا (♂ Saba عبری) پیرمرد [پسر کوش].

سبأ (♂ عربی) شراب.

سُبُکَتَکین (♂ ترکی) خوش قدم، از ریشه‌ی ترکی سوبوک (پی پا، جای پا) و تکین (زیبا) [موسس دودمان غزنوی].

سپانلو (♂ ترکی) فلاخن انداز، از ریشه‌ی ترکی ساپاند (فلاخن) و لو (پسوند ملکی) [تیره‌ای از ایل قاجار].

سپنددات / سپندات (♂ پارسی) هدیه‌ی سپندارمذ یا عدل مقدس بر ساخته از سَپَنَتَه (مقدس، نام فرشته‌ای) و داتَه (بخشش، یا دادگری) در اوستایی [احتمالاً شکل اولیه‌ی نام اسفندیار چنین بوده است]

سپهرداد (♂ پارسی) بخشش آسمانی

سِت (♂ Seth مصری باستان) ستون، از ریشه‌ی مصری باستان [خدای خشکسالی و بیابانها، برادر و قاتل اوزیریس].

ستار (♂ عربی) بسیار پنهان کننده، صفت تفضیلی از ریشه‌ی ستر (پنهان کردن) [از القاب خداوند].

ست-پریبسن (Seth-Peribsen) ♂ مصری باستان) امید تمام قلبها، از ریشه‌ی مصری باستان ست (اسم خدای مصر بالا)، پر (همه)، ایب (قلب) و سن (امید) [از فراغنه‌ی دودمان دوم].

ستپنپتاح (Setepenptah) ♂ مصری باستان) برگزیده‌ی پتاح، از ریشه‌ی مصری باستان ستپ (برگزیدن) و پتاح (نام خدایی است) [لقب رامسس یازدهم، از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

ستپنرع (Setepenre) ♂ مصری باستان) ظهور رع درخشان است، از ریشه‌ی مصری باستان ستپن (درخشان بودن) و رع [لقب ششونک نخست، بنیانگذار دودمان بیست و دوم].

ستپنموت (Setepenmut) ♂ مصری باستان) برگزیده‌ی موت، از ریشه‌ی مصری باستان ستپ (برگزیدن) و موت (نام خدایی است) [لقب ملکه تورست، آخرین فرعون دودمان نوزدهم].

ستناخته (Setnakhte) ♂ مصری باستان) ست پیروز است، از ریشه‌ی مصری باستان ست (نام خدایی است) و ناخته (پیروز) [از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

ستوترع (Setutre) ♂ مصری باستان) همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان ستوت (مشابه) [لقب داریوش، دومین فرعون دودمان بیست و هفتم].

سجاد (♂ عربی) بسیار سجده کننده، صفت تفضیلی از ریشه‌ی سجده [لقب امام چهارم].

سجیح (♂ عربی) نرم و آسان، از ریشه‌ی سجح (آسانی).

سحاب (♂ عربی) ابر.

سحتپبرع (Sehetepibre) ♂ مصری باستان) قلب رع راضی است، از ریشه‌ی مصری باستان سحتپ (خوشنود شده)، ایب (قلب) و رع [لقب آمنحت اول، بنیانگذار دودمان دوازدهم].

سِحْرِ تاوی (Sehertawy) ♂ (مصری باستان) گسترده‌ی صلح در دو سرزمین، از ریشه‌ی مصری باستان

سِحْر (برقرار کردن صلح) و تاوی (دو سرزمین) [لقب ایتف اول (ساره ایتف)].

سِخِم خِت (Sekhem khet) ♂ (مصری باستان) دارای بدن نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان سِخِم

(قدرتمند) و خِت (بدن) [از فراغنه‌ی دودمان سوم].

سِخِم رع خوتاوی (Sekhemrekhutawy) ♂ (مصری باستان) رع، نگهبان دو سرزمین، نیرومند است،

از ریشه‌ی مصری باستان سِخِم (نیرومند)، رع، خو (حفظ کردن) و تاوی (دو سرزمین) [لقب سوبک حوتپ

دوم، از فراغنه‌ی دودمان سیزدهم].

سِخِم رع سَانْخْتاوی (Sekhemresankhtawy) ♂ (مصری باستان) رع که حیات را به دو سرزمین

ارزانی کرده نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان سِخِم (نیرومند)، رع، سا (دادن)، آْنْخ (حیات) و تاوی (دو

سرزمین) [لقب نفرحوتپ دوم، آخرین فرعون دودمان سیزدهم].

سِخِم رع سِوَاخْتاوی (Sekhemresewadjtawy) ♂ (مصری باستان) رع نیرومند است که دو سرزمین

را شکوفا می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان سِخِم (نیرومند)، رع، سِوَاخ (شکوفه دادن) و تاوی (دو سرزمین)

[لقب سوبک حوتپ سوم، از فراغنه‌ی دودمان سیزدهم].

سِخِم رع شِدْتاوی (Sekhemreshedtawy) ♂ (مصری باستان) رع، رهایی بخش دو سرزمین، نیرومند

است، از ریشه‌ی مصری باستان سِخِم (نیرومند)، رع، شِدْ (نجات دادن) و تاوی (دو سرزمین) [لقب سوبکم

ساف، از دودمان هفدهم].

سِخِمِت (Sekhmet) ♀ (مصری باستان) (فنیقی) نیرومند [ایزدبانوی جنگ و بیماریهای واگیردار، زن پتاح].

سَخِمِيب (Sekhemib) ♂ (مصری باستان) قلبِ نیرومند، از ریشه‌ی مصری باستان سَخِم (قدرتمند) و ایب (قلب) [نام دوران جوانی ست-پریسن].

سدالیون (Cedalion) ♂ (یونانی) رئیس ملوانان.

سراسوتی / هراویتی (Saraswati ♀ هندو ایرانی) بانوی آبها، این نام احتمالا در شکل پیشاهندواروپایی اش «سلس-ونت-ایه» بوده است که در پیشاهند و ایرانی به «سرس-ونت-ایه» تبدیل شده [نام دیگر آناهیتا]

سِرْحان (♂ ♀ عربی) شیر یا گرگ، جانور درنده.

سرخه (♂ پارسی) سرخ‌تن، سرخ‌رو [پسر افراسیاب]

سِردیون (♀ Cerdiwen آنگلو ساکسون) شاعر رستگار، از ریشه‌ی ساکسونی cerd (شاعر) و gwen (رستگار، سپید).

سِرس (♀ Ceres لاتین) شکوفا، تناور، از ریشه‌ی لاتین ker (رشد کردن) [ایزدبانوی کشتزارها].

سِرسیون (♂ Cercyon یونانی) دُم گراز.

سِرکوپس (♂ Cercopes یونانی) دارای دُم بر چهره، از ریشه‌ی یونانی باستان kerkos (دم) و ops (چهره).

سِرِنونوس (♂ Cernunnos سلت) شاخدار، از ریشه‌ی سلتی cernus (شاخ).

سُرُوش (♂ پارسی) شنونده و فرمابردار، از ریشه‌ی سُرُو (شنیدن) [از ایزدان بزرگ ایرانی، نماد پرهیزگاری].

سروگ (Serug) ♂ (عبری) سختی.

سریکس (Ceryx) ♂ (یونانی) جارچی، منادی [پسر اومولپوس و رهبر کیش دمتر].

سرینا (Serina) ♀ (لاتین) آرام، از ریشه‌ی لاتین.

سزار (Caesar) ♂ (لاتین) پشمالو (?)، کیانی، از ریشه‌ی لاتین caesaries (پشمالو) (?) یا از ریشه پارسی کی سر (لقب پادشاهان، یعنی کسی که تاج کیانی بر سر دارد) [امپراتور بزرگ روم و فاتح کشور گل].

سسلیا (Cecilia) ♀ (اسپانیایی) کور، از ریشه‌ی لاتین caecilius (بن بست) و caecus (کور).

سشات (Sshat) ♀ (مصری باستان) آن که در پشت بام کتابخانه ایستاده [ایزدبانوی حامی کاتبان، زن توت].

سطم (عربی) ♂ تیزی شمشیر، از ریشه‌ی سطم (تیز).

سعد (عربی) ♂ خوشبختی، میمنت، صفت از ریشه‌ی سعد (خوشبختی).

سعود (عربی) ♂ اقبال بلند، فال نیک، در اصل نام صورتی فلکی با ده ستاره بوده که سعد پنداشته می‌شده [جد حاکمان فعلی عربستان].

سفتوس (Cepheus) ♂ (یونانی) باغبان.

سفاس (Cephas) ♂ (عبری) صخره، از ریشه‌ی آرامی.

سفیان (عربی) ♂ باد شرق، از ریشه‌ی سفن (وزیدن باد شرق) [ابوسفیان: جد دودمان اموی].

سکننر (Seqenenre) ♂ (مصری باستان) کسی که همچون رع جمله می‌کند، از ریشه‌ی مصری باستان

سکن (حمله کردن) و رع [لقب تائوی دوم، از فراعنه‌ی دودمان هفدهم].

سکینه (عربی) آرام، ساکن، اسم تصغیر از ریشه‌ی سکن.

سکینه (عربی) سکون، وقار و نرمی، از ریشه‌ی سکن [نام دختر امام حسین].

سلئوس (Celeus) یونانی) صدا زننده، بانگ زن.

سلب (Seleb) عبری) کچل، تاس.

سلجوق (ترکی) قایق کوچک، از ریشه‌ی ترکی سل (قایق) و جوق (کوچک) [موسس دودمان سلجوقی].

سلطان (عربی) فرمانروا، از ریشه‌ی سلطه.

سَلْم (پارسی) از قوم سارمات؟، از ریشه‌ی اوستایی سَیریامَه (سارمات؟) [فرزند فریدون و شاه توران زمین].

سلم (عربی) سالم، تندرست.

سلمان (عربی) سلامت، تندرستی، از ریشه‌ی سلم (سلامت) [سلمان پارسی: از صحابه‌ی مشهور].

سَلْمَه (عربی) سلامت، تندرستی، از ریشه‌ی سلم (سلامت) [ام سلمه].

سلیم (عربی) سالم و بی‌نقص، صفت از ریشه‌ی عربی سلم (سلامتی) [از القاب خداوند].

سلیمان (Solomon) عبری) صلحجو، از ریشه‌ی عبری شلم (صلح) [پیامبر و شاه عبرانی].

سلیمه (عربی) ظریف، شاداب، از ریشه‌ی سلم.

سلیو (Celio) اسپانیایی) آسمان، از ریشه‌ی لاتین caelius (آسمان).

سَمِرْخِت (Semerkhet) ♂ (مصری باستان) دوستِ اندیشمند، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراغنه‌ی دودمان نخست].

سَمْنِخِ کَارِع (Smenkhkare) ♂ (مصری باستان) روحِ رعِ پرافتخار است، از ریشه‌ی مصری باستان سَمْنِخ (افتخار آفرین)، کا (روح)، و رع [از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

سَمیر (♂ عربی) مصاحبِ شب، از ریشه‌ی سمر (قصه گفتن).

سَمیرامیس / سَمیرا (♀ اکدی) بانوی قصر، یا اندیشه‌ی نیک، از ریشه‌ی اکدی سَمور (قصر) و اَمَت (معشوقه) یا تحریف شده‌ی هومیتی در اوستایی است که از هو (نیک) و میتی (اندیشه) تشکیل یافته است [همسر شمش‌ی عداد پنجم و ملکه‌ی آشور].

سَمیع (♂ عربی) شنونده، صفت از ریشه‌ی عربی سمع (شنیدن) [از القاب خداوند].

سُمیه (♀ عربی) زن بلند پایه، مصغرِ سامیه (زن بلند پایه) [از نخستین زنان مسلمان].

سَنَاخَرِیب (♂ آشوری) سین مرگ برادرش را جبران کرد، از ریشه‌ی آشوری سین (خدای ماه)، آخه (برادر) و آریبا (جبران کرد) [شاه آشور در آخر قرن هشتم پ.م].

سِنْتوروس (Centaurus) ♂ (یونانی) به اندازه‌ی صد مرد نیرومند، از ریشه‌ی یونانی باستان ΚΕΝΤΑΥΡ (صد) [موجوداتی اساطیری که بالاتنه‌ی انسان و پایین تنه‌ی اسب داشتند].

سَنجَر (♂ ترکی) پرنده‌ای شکاری [از شاهان سلجوقی].

سِنْفِرُو (Snefru) ♂ (مصری باستان) آن زیبا، از ریشه‌ی مصری باستان سِن (آن مرد) و نِفِر (زیبا) [نخستین فرعون دودمان چهارم].



سُنُقُر (♂ ترکی) شاهین.

سِنوسِرِت (Senusret) (♂ مصری باستان) مردِ وورسِت، از ریشه‌ی مصری باستان سِن (آن مرد) و وورسِت (نام ایزدبانویی است) [نام چند تن از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

سِوان (♀ Sevan ارمنی) اسم دریاچه‌ایست.

سِوبِک حوتِپ (Sobekhotep) (♂ مصری باستان) سوبکِ راضی است، از ریشه‌ی مصری باستان سِوبِک (اسم خدایی است) و حوتِپ (راضی است) [از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

سِوبِک کارِع (♀ Sobekkare مصری باستان) سِوبِکِ روحِ رع است، از ریشه‌ی مصری باستان سِوبِک (خدایی با سرِ تمساح)، کا (روح) و رع [ملکه‌ی مصر، لقب سوبک‌نفر و از دودمان دوازدهم].

سِوبِک نِفرو (♀ Sobeknefru مصری باستان) سوبکِ زیباست، از ریشه‌ی مصری باستان سوبک (نام خدایی است) و نفر (زیبا) [ملکه‌ی مصر، آخرین فرعون دودمان دوازدهم].

سِوبِکِم ساف (Sobekemsaf) (♂ مصری باستان) سِوبِکِ حافظِ اوست، از ریشه‌ی مصری باستان سِوبِک (نام خدایی است) و ساف (حفاظت کردن) [نخستین فرعون از دودمان هفدهم].

سودابه (♀ پارسی) سعد، نیک‌بخت، شکلِ پارسی شده‌ی نامِ عربیِ سَعْدی [دختر شاهِ هاموران و همسر کاووس].

سورا (♀ Sora ژاپنی) آسمان.

سِوِرو (Severo) (♂ اسپانیایی) سخت، از ریشه‌ی لاتین.

سوریه (♂ هندی) خورشید، از ریشه‌ی سانسکریت سورَه/ سوریه (सूर्य) به معنای خورشید که با هور و خور

ایرانی هم‌ریشه است [ایزد خورشید در وداها]

سوزان/ سوسانا (♀ Susanna عبری) لاله، از ریشه‌ی عبری شوشانا (لاله)، منسوب به شهر شوش.

سوزو (♀ Suzu ژاپنی) زنگ.

سوزومه (♀ Suzume ژاپنی) گنجشک.

سوسرنِرع (♂ Seuserenre مصری باستان) نیرومند همچون رع، از ریشه‌ی مصری باستان سه

(همچون)، اوسِر (نیرومند) و رع [لقب خیابان، از فراغنه‌ی دودمان پانزدهم].

سوسن (♀ عربی) منسوب به شهر شوش، گلی از رده‌ی زنبق‌ها.

سوسومو (♂ Sususmu ژاپنی) پیشرفت.

سولداد (♂ Soledad اسپانیایی) تنها، از ریشه‌ی لاتین solen (تنها).

سولماز (♂ ترکی) ناپژمردنی، از ریشه‌ی سول (پژمردن) و پسوند ما (نه).

سومه/ سوما (♂ هندی) از ریشه‌ی سانسکریت سو (خرد کردن، کوبیدن) [ایزدی گیاهی در هند باستان و

همتای هوم ایرانی]

سومیکو (♀ Sumiko ژاپنی) فرزند همیشگی.

سُهراب (♂ پارسی) سرخ‌رو، دارای بدن سرخ، از ریشه‌ی پارسی سوهر (سرخ) و آب (بدن، تن) [فرزند

رستم].

سُهورَد (♂ پارسى) گل سرخ، از ریشه‌ی پارسی سوهر (سرخ) و وَرَد (گل).

سیامک (♂ پارسى) سیاه مو، از ریشه‌ی اوستایی سیا (سیاه) و مک (مو) [فرزند کیومرث که به دست دیوان کشته شد].

سیامون (Siamun) ♂ مصرى باستان) پسر آمون، از ریشه‌ی مصری باستان سی (پسر) و آمون [از فراعنه‌ی دودمان بیست و یکم].

سیان (Cian) ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) کهنسال.

سیاوش (♂ پارسى) دارای اسب سیاه، یا پهلوان سیاه، از ریشه‌ی اوستایی سیاوه (سیاه) و آرشن (پهلوان) یا وُخش (گشن، اسب نر) [فرزند کاووس].

سیبل (Cybele ♀ یونانى) زنِ دارای گیسو، یا زنِ دارای تبر [ایزدبانوی زمین].

سیپتاح (Siptah) ♂ مصرى باستان) پسر پتاح، از ریشه‌ی مصری باستان سی (پسر) و پتاح (نام خدایی است) [از فراعنه‌ی دودمان نوزدهم].

سیتا (Sita ♀ هندی) دروگر، خرمن، از ریشه‌ی سانسکریت به معنای شخم.

سیتالی (Citali ♂ ♀ سرخپوستی) ستاره، به زبان ناهواتلان.

سیتَرِ مِریامون (Sitre-Meryamun) ♂ مصرى باستان) دختر رع، محبوب آمون، از ریشه‌ی مصری باستان سیت (دختر)، رع، مری (محبوب) و آمون [لقب ملکه تورست، آخرین فرعون دودمان نوزدهم].

سیدنی (Sidney) ♂ آنگلو ساکسون) دشت پهناور.

سیدون (Cydon) ♂ یونانی) افتخار.

سیران ( ♀ Siran ارمنی) زیبا.

سیرسه ( ♀ Circe یونانی) شاهین [از فرشتگان در اودیسه].

سیرسینوس ( ♂ Circinus یونانی) گرد، مدور، از ریشه‌ی یونانی باستان kirkos مدور، گرد).

سیرنه ( ♀ Cyrene یونانی) ملکه‌ی نیرومند.

سیروارت ( ♀ Sirvart ارمنی) گل سرخ.

سیریاکوس ( ♂ Cyriacus یونانی) ارباب، سرور.

سیسئوس ( ♂ Cisseus یونانی) مربوط به گیاه پیچک.

سیف ( ♂ عربی) شمشیر.

سیف‌الله ( ♂ عربی) شمشیر خدا.

سیفان ( ♂ عربی) لاغر و بلندبالا، از ریشه‌ی سیف (لاغری و تیزی).

سیکلوپس ( ♂ Cyclops یونانی) دارای چشم/چهره‌ی گرد و مدور، از ریشه‌ی یونانی باستان κυκλωσ

(گرد، مدور) و οπσ (چهره) [غولی در ادیسه که تنها یک چشم داشت].

سیکنوس ( ♂ Cycnus یونانی) قو.

سیگرون ( ♂ Sigrun آلمانی) راز پیروزی، از ریشه‌ی نوردیک باستان run (راز) و sig (پیروزی).

سیلنه ( ♀ Cyllene یونانی) ملکه‌ی بدکار [ناحیه‌ای از دوزخ].

سیلوس ( ♂ Cillus یونانی) خر.

سیلوستر (Sylvester) ♂ لاتین جنگلی، از ریشه‌ی لاتین silvestra (جنگل).

سیمو (Cymo) ♂ یونانی موج.

سیمون (Simon) ♂ عبری شنوا، از ریشه‌ی عبری شمو (شنیدن) [از حواریون مسیح].

سین شَر ایشکون (♂ آشوری) سین شاه را منصوب کرده است، از ریشه‌ی آشوری سین (خدای ماه)، شَر (شاه) و ایشکون (منصوب کرد) [شاه بابل و برادر آشور اتیل ایلانی].

سینا (♂ پارسی) آهین، از ریشه‌ی اوستایی سَنَه (آهن) و هم ریشه با آسِنِ پهلوی (آهن) [نام پدر بوعلی سینا].

سینبورگا (Cyneburga) ♀ آنگلساکسون دژ شاه، از ریشه‌ی انگلیسی باستان cyn (شاه) و burga (دژ، قلعه)

سیندخت (♀ پارسی) دختر سیمرغ، از ریشه‌ی اوستایی سَنَه (سیمرغ) و دوخت (دختر).

سیندری (Sindri) ♂ آلمانی کوچک، ابتدایی، از ریشه‌ی نوردیک باستان [نام کوتوله‌ای صنعتگر].

سیو (Siv) ♀ آلمانی عروس، از ریشه‌ی نوردیک باستان [زن تور].

# ش

شائول (Shaul ♂) عبری) خواسته شده، دلخواه [شاه یهودیه].

شاپور (♂ پرسی) شاهزاده، از ریشه‌ی پهلوی شاه و پور (پسر) [شاه بزرگ ساسانی].

شارون (Sharon ♂) عبری) دشت.

شافع (♂ عربی) شفاعت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی شفع (میانجیگری).

شاکتی (Shakti ♀) هندی) قدرت، از ریشه‌ی سانسکریت [همسر شیوا].

شاکر (♂ عربی) سپاسگذار، اسم فاعل از ریشه‌ی شکر.

شامخ (♂ عربی) بلندمرتبه، اسم فاعل از ریشه‌ی شمخ (بزرگی).

شانتال (Chantal ♂) گل - فرانسه‌ی کهن) آواز.

شاوران (♂ پرسی) فرزند شاهزاده، شکل ساده شده‌ی شاپوران است، یعنی پسر شاپور [از پهلوانان شاهنامه].

شاهد (♂ عربی) آگاه، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی شهد (دیدن و مشاهده کردن) [از القاب خداوند].

شاهق (♂ عربی) بلند، مرتفع، اسم فاعل از ریشه‌ی شهب (بلندی).

شای (Shay) (♂ مصری باستان) آنچه مقدر است [خدای حامی نوزادان].

شبا (Sheba) (♂ عبری) هفتمین [پسر کوش].

شبدیز به رنگ شب، از ریشه‌ی پارسی شب و دیز (رنگ) [اسم اسب خسرو پرویز].

شبل (♂ ♀) (عربی) توله شیر [شبلی: از فقیهان بزرگ سنی].

شیب (♂ عربی) جوانمرد، صفت از ریشه‌ی شبب (جوانی).

شپ سس کاف (Shepseskaf) (♂ مصری باستان) روحش نجیب است، از ریشه‌ی مصری باستان

شپسس (اشرافی، نجیب) و کا (روح) و ف (شبیبه به) [آخرین فرعون دودمان چهارم].

شپ سس کارع (Shepseskare) (♂ مصری باستان) روح رع نجیب است، از ریشه‌ی مصری باستان

شپسس (اشرافی، نجیب) و کا (روح) و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

شجاع (♂ عربی) جسور، اسم فاعل از ریشه‌ی شجع (جسارت).

شداد (♂ عربی) نیرومند، دونده، صفت از ریشه‌ی شدد (تندی) [شام افسانه‌ای یمن].

شدراخ (Shadrach) (♂ عبری) فرمان آکو، از ریشه‌ی بابلی شدرا (حکم، فرمان) و آکو (نام ایزدبانوی

ماه در بابل باستان).

شَرَکلی شَری (♂ اکدی) شاه شاهان، از ریشه‌ی اکدی شَر (شاه) و کَلی (سرور) [از امپراتوران اکد].

شِری (♀) (Shirley) آنگلساکسون) دشت درخشان، از ریشه‌ی انگلیسی باستان sher درخشان و

ley (دشت).

شروکین (♂ اکدی) بهترین پادشاه، از ریشه‌ی اکدی شرو (شاه) و کین (اصیل، بهتر) [نخستین امپراتور اکد].

شروین (♂ پارسی) بهترین پادشاه، شبیه شیر (؟)، از ریشه‌ی پهلوی خُشترَه (شاه) و وهین (بهترین) یا شکل

تحریف شده‌ی شیرویه (؟) [شاه طبرستان، پیامبر خرم‌دینان].

شریف (♂ عربی) شرافتمند، از ریشه‌ی شرف.

شعبان (♂ عربی) هشتمین ماه قمری، از ریشه‌ی شعب (گروه گروه شدن)، وجه تسمیه‌ی ماه هشتم آن است

که اعراب در این هنگام در جستجوی آب به اطراف پراکنده می‌شوند.

شُعبَه (♂ عربی) شاخه‌ی درخت، شکاف در کوه، از ریشه‌ی شعب (پراکنده و گروه گروه شدن) [شعبه بن

مغیره: ].

شُعَیب (♂ عربی) قبیله‌ی کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی شعب (شاخه، قبیله) [پیامبر قوم مدین ].

شُغاد (♂ پارسی) سُغدی، شکل پارسی شده‌ی سُغدای (مربوط به مملکت سغد در ماوراءالنهر) [برادر ناتنی و

قاتل رستم].

شَفَات بعل (Shafatbaal ♂ فنیقی) خدا شفاعتش را می‌کند، از ریشه‌ی فنیقی شفات (شفاعت می‌کند)

و بعل.

شَفِیع (♂ عربی) شفاعت کننده، صفت از ریشه‌ی شفع (میانجیگری).

شُکور (♂ عربی) سپاسگذار، اسم فاعل از ریشه‌ی شُکر.

شکور (♂ عربی) شکرگذار، از ریشه‌ی شکر [ابوشکور بلخی: ادیب و شاعر پارسی زبان].

شکِیب (♂ عربی) صبور، صفت از ریشه‌ی شکب (صبر کردن).



شکیم / شکم (♂ Shechem عبری) شانه و کتف [یکی از شهرهای کنعانی]

شَلال (♂ عبری) آبشار، از ریشه‌ی شلل (لبریز شدن).

شَلبی (♂ عبری) زیرک و شریف، از ریشه‌ی ترکی.

شَلَمَنَاصِر (♂ آشوری) آشور از همه برتر است، از ریشه‌ی آشوری شولمنو (برتر است) و آشِر دو (آشور، خدای بزرگ) [نام چند شاه آشوری].

شَمَاخ (♂ عبری) بلند مرتبه، از ریشه‌ی شمخ (شرافت).

شَمشو ایلونا (♂ بابلی) خورشید خدای ماست، از ریشه‌ی بابلی شمش (خدای خورشید) و ایلونا (خدای ماست) [شاه بابل، جانشین حمورابی].

شَمشون (♂ Shamsun عبری) قوی [پهلوان یهودی].

شَمعون (♂ Shamun عبری) کسی که می‌شنود و اطاعت می‌کند، از ریشه‌ی عبری شمو (شنیدن).

شَمگار (♂ Shamagar عبری) آورنده‌ی فنجان.

شَن‌نونگ (♂ Shen-Nung چینی) کشاورز آسمانی، نامش در چینی از همین دو کلمه (神農) تشکیل شده [از امپراتوران اساطیری چین باستان]

شَن‌گُل (♂ پارسی) گلِ ناز، از ریشه‌ی پارسی شَن (ناز) و گل [پادشاه هند و یاور پیران ویسه].

شو (♂ Sho ژاپنی) درخشان.

شوا (♀ مصری) هوا یا باد [ایزد آسمان در مصر باستان]

شوئی (♀ Shui چینی) آب.

شوتروک ناخونته (♂ ایلامی) آن که به راستی توسط ناخونته هدایت شده است، از ریشه‌ی ایلامی شوتروک

(هدایت شدن) و ناخونته (خدای خورشید) [شاه ایلام در 1185-1155 پ.م].

شوسین (♂ سومری) متعلق به سین، از ریشه‌ی سومری [شاه اور].

شولگی (♂ سومری) جوان و نجیب، از ریشه‌ی سومری [شاه اور در 2094-2047 پ.م].

شون (♀ Shun چینی) نرم.

شهاب (♂ عربی) سنگ آسمانی، سفت از ریشه‌ی شهب [شهاب الدین سهروردی: عارف و فیلسوف ایرانی].

شهباز (♂ پارسی) عقاب، شاهین، از ریشه‌ی پارسی شه (شاه) و باز (شاهین، قوش).

شهرام (♂ پارسی) مطیع شاه، پیرو شاه، از ریشه‌ی پارسی شه (شاه) و رام (پیروی کردن، مطیع بودن).

شهربانو (♀ پارسی) شاهزاده خانم، از ریشه‌ی پارسی شهر (شاه) و بانو (خانم).

شهرزاد (♀ پارسی) شاهزاده، از ریشه‌ی پارسی شهر (شاه) و زاد (زاییده شدن) [داستان سرای افسانه‌ای دربار

هارون الرشید].

شهلاء (♀ عربی) زن چشم‌میشی.

شیبان (♂ عربی) سپید موی، از ریشه‌ی شیب (سالخوردگی) [از خوارج، نیای قبیله شیبانیه].

شیت (♂ عبری) Shith) گماشته، از ریشه‌ی سامی [سومین پسر آدم].

شیچیرو (♂ ژاپنی) Shichiro) پسر هفتم.

شیحان (♂ عربی) غیور.

شیدَسپ (♂ پرسی) دارای اسب درخشان، از ریشه‌ی پارسی شید (درخشان) و اسب [پسر گشتاسپ].

شیده (♂ پرسی) درخشان، سرخ موی، از ریشه‌ی پارسی شید از اصل اوستایی خَشْتَه (درخشان، سرخ)

[پسر افراسیاب].

شیرو (Shiro ♂ ژاپنی) پسر چهارم.

شیرویه (♂ پرسی) شبیه شیر، از ریشه‌ی پارسی شیر و رویه [فرزند خسرو پرویز].

شیلهاک اینشوشیناک (♂ ایلامی) کسی که توسط نیروی اینشوشیناک تقویت شده، از ریشه‌ی ایلامی شیلهاک

(تقویت شده) و اینشوشیناک (خدای شوش) [شاه ایلام در 1155-1120 پ.م].

شیماء (♀ عربی) زنی که خال زیادی داشته باشد [نام خواهر رضاعی حضرت محمد].

شیوا (Shiva ♂ هندی) مهربان، از ریشه‌ی سانسکریت [خدای ویرانگر هندوان].

# ص

صائب (عربی) درست، راست، از ریشه‌ی اصابت (برخورد کردن به نشانه) [صائب تبریزی: شاعر ایرانی سبک هندی].

صائل (عربی) چیره، بلند، اسم فاعل از ریشه‌ی صأل (بلندی، برتری).

صابر (عربی) صبور، شکیبا، اسم فاعل از ریشه‌ی صبر.

صاحب (عربی) دارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی تصاحب [صاحب‌الزنج: رهبر قیام بردگان سیاهپوست].

صادر (عربی) فرستنده، از ریشه‌ی صدور.

صادق (عربی) راستگو، از ریشه‌ی صدق.

صارم (عربی) قوی، صفت شمشیر، اسم فاعل از ریشه‌ی صرم (قدرت).

صاعد (عربی) مرتفع، مترقی، اسم فاعل از ریشه‌ی صعِد (صعود) [مورخی اندلسی].

صالح (عربی) صلحجو، اسم فاعل از ریشه‌ی صلح [پیامبر قوم ثمود].

صباح (عربی) کسی که در صبح می‌آید، از ریشه‌ی صبح [حسن صباح: رهبر اسماعیلیان].

صبور (عربی) شکیبا، صفت از ریشه‌ی صبر.

صبور (عربی) شکیبا، صفت از ریشه‌ی عربی صبر [از القاب خداوند].

صدام (عربی) بسیار صدمه زنده، از ریشه‌ی صدمه [صدام حسین: رئیس جمهور منفور عراق].

صدیق (عربی) بسیار راستگو، از ریشه‌ی صدق [لقب ابوبکر].

صریح (عربی) رک‌گو، از ریشه‌ی صراحت.

صفر (عربی) ماه دوم سال قمری، از ریشه‌ی اصفار (خالی شدن مردم از مکه برای سفر).

صفوان (عربی) سنگ نرم، صاف، از ریشه‌ی صفو (صافی).

صفی (عربی) برگزیده، از ریشه‌ی صفی (برگزیدن) [شیخ صفی: جد شاهان صفوی].

صَفِيه (عربی) دوستِ مخلص و راستین، از ریشه‌ی صفی [نام همسر حضرت محمد از دختران قبیله‌ی خزرج].

صلاح (عربی) درستی و بهبود، صفت از ریشه‌ی صلح [صلاح الدین ایوبی: سردار مسلمان].

صَلَح (Salah) (عبری) شاخه [پسر ارفخشد].

صمد (عربی) پاینده، از ریشه‌ی عربی صمد (پایداری و استواری) [از القاب خداوند].

صمصام (عربی) شمشیری که خم نمی‌شود [صمصام السلطنه، از اشراف عصر مشروطه].

صُهَيْب (عربی) سرخیِ آمیخته به سپیدی، لقب شیر، اسم تصغیر از ریشه‌ی صهب [از صحابه].

صیاح (عربی) ترانه‌خوان، اسم فاعل از ریشه‌ی صیح (آواز، بانگ).

صیدون (Sidon) (عبری) مستحکم [پسر کنعان].

# ض

ضامر (♂ عربی) لاغر و کمر باریک.

ضاوی (♂ عربی) درخشنده، روشن، اسم فاعل از ریشه‌ی ضیاء (نور).

ضرار (♂ عربی) زیانمند، آسیب زنده، از ریشه‌ی ضرر [از بزرگان عصر جاهلیت].

ضَرغام (♂ ♀ عربی) شیر درنده.

ضیاء (♂ عربی) روشنائی.

## ط

طائف (♂ عربی) طواف کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی طوف (گشتن دور چیزی) [اسم قبیله ایست].

طائل (♂ عربی) فضل، ثروت، اسم فاعل از ریشه‌ی طیل.

طارق (♂ عربی) کسی که در شب می‌آید، لقب ستاره‌ی سحرگاهی، اسم فاعل از ریشه‌ی طرق (مسیر) [از فاتحان مسلمان اسپانیا].

طالب (♂ عربی) خواستار، اسم فاعل از ریشه‌ی طلب [ابی طالب: پدر حضرت علی].

طامح (♂ عربی) بلند پرواز، اسم فاعل از ریشه‌ی طمح (بلند پروازی).

طاهر (♂ عربی) پاکیزه، از ریشه‌ی طهارت.

طرغان (♂ ترکی) انبوه لشکر، از ریشه‌ی ترکی تیرمک (گرد آمدن و جمع شدن).

طریف (♂ عربی) غریب و شگفت، صفت از ریشه‌ی طرفه [نخستین مهاجم عربی که به اندلس حمله کرد].

طغای تیمور (♂ ترکی) پیچ و خم آهنین، از ریشه‌ی ترکی طوغای (پیچ و خم) و تیمور (آهن) [از امیران مغول].

طُغای (♂ ترکی) پیچ و خمی که در مسیر رودخانه است [از امیران مغول].

طُغْرُل (♂ ترکی) قوش، مرغی شکاری [از شاهان سلجوقی].

طلال (♂ عربی) جای مرتفع، از ریشه‌ی طَلَّ (تپه) [لقب امرای نجد و سوریه].

طلحهُ (♂ عربی) درخت موز خاردار [از صحابه].

طَمَّاح (♂ عربی) بلندپرواز، دوراندیش، اسم فاعل از ریشه‌ی طَمَح (بلند پروازی).

طوغان (♂ ترکی) شاهین.

طه (♂ عربی) ای مرد!، به زبان حبشی.

طَهْماسب (♂ پارسی) دارای اسب نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تَخْمَه (نیرومند) و اَسَبَه (اسب) [از شاهان

پیشدادی، دومین شاه صفوی].

طَهْمورث (♂ پارسی) روباه نیرومند، از ریشه‌ی اوستایی تَخْمَه (نیرومند) و اوروپَه (روباه) [از پادشاهان

پیشدادی و شکست دهنده‌ی دیوان].

طَیْب (♂ عربی) پاک.

طَیْبَه (♀ عربی) خوشمزه و نیکو، از ریشه‌ی طَیْب (میل).



# ظ

ظریف (عربی) نازک، شکننده، از ریشه‌ی ظرف.

ظفر (عربی) پیروزی.

ظهیر (عربی) پشتیبان، از ریشه‌ی ظهر (پشت) [ظهیرالدوله: از اشراف عصر مشروطه].

## ع

عائد (♂) عربی) عیادت کننده، بازگشته، اسم فاعل از ریشه‌ی عود.

عائش (♂) عربی) خوش گذران، اسم فاعل از ریشه‌ی عیش.

عابد (♂) عربی) پرستش کننده، از ریشه‌ی عبادت.

عادل (♂) عربی) دادگر، اسم فاعل از ریشه‌ی عدل.

عارف (♂) عربی) شناسنده، اسم فاعل از ریشه‌ی عرف.

عاصم (♂) عربی) بازدارنده از بدی، اسم فاعل از ریشه‌ی عصمت.

عاطف (♂) عربی) دلسوز، اسم فاعل از ریشه‌ی عطف.

عاقل (♂) عربی) خردمند، از ریشه‌ی عقل.

عالیه (♀) عربی) بالارونده، بلند.

عامر (♂) عربی) دارای زن و فرزند، از ریشه‌ی عمر (آبادانی) [شاه دولت مرینی در کشور مغرب].

عامر (عربی) کسی که زیاد عمر می‌کند، اسم فاعل از ریشه‌ی عمر.

عایشه (عربی) دارای زندگی نیکو، از ریشه‌ی عیش [نام همسر حضرت محمد].

عباس (عربی) بسیار ترشرو، عبوس،

عباسه (عربی) اخمو و ترشرو، هم‌ریشه‌ی عبوس [خواهر هارون الرشید].

عبدشُمون (Abdashmun) فنیقی) بنده‌ی آشمون (نام خدایی است).

عبدملقارت (Abdemelquart) فنیقی) بنده‌ی ملقارت (اسم خدایی است).

عبر (Ebar) عبری) انشعاب [پسر ارفخشد].

عُید (عربی) بنده‌ی کوچک، اسم تصغیر از ریشه‌ی عبد.

عبیر (عربی) مخلوط عطر، زعفران.

عُبَّه (عربی) کنار دره [اسم جدی جاهلی].

عثمان (عربی) جوجه هوبره، بچه مار.

عثمان (عربی) جوجه هوبره [نام خلیفه‌ی سوم اسلام].

عجاج (عربی) گرد و غبار، کنایه به سوارکار ماهر.

عَداد ایلو ایدینا (آشوری) عداد به من تاج عطا کرد، از ریشه‌ی بابل‌ی عداد (خدای توفان)، آپلی (تاج)، و

ایدینا (عطا کرد) [شاه بابل در 1067-1046 پ.م].

عدنان (عربی) مقیم [جد مردم حجاز].

عَدِي (عربی) ♂ مردم آماده‌ی جنگ، از ریشه‌ی عدو (دشمنی).

عِذْرَاء (عربی) ♀ دوشیزه‌ی باکره، از ریشه‌ی عذر [لقب حضرت مریم].

عِرْفَان (عربی) ♂ خوب شناخته شده، مشهور، از ریشه‌ی عرف.

عِزْرَائِيل (Azrael) (عبری) ♂ خدا کمک می‌کند، از ریشه‌ی عبری ازر (کمک کردن) و ایل (خدا) [فرشته‌ی مرگ].

عِزْوِيَاة (Azubah) (عبری) ♀ بخشوده.

عِزِيز / مِعْز (عربی) ♂ زمین سخت و محکم، شکست ناپذیر.

عَسَاف (عربی) ♂ بسیار ستمگر، از ریشه‌ی عسف (ستم کردن).

عَسَام (عربی) ♂ کسی که در طلب روزی است.

عِسْكَر (عربی) ♂ لشکر [لقب امام یازدهم].

عِشْرَه (Asherah) (فنیقی) ♀ زنی که بر روی آب راه می‌رود، از ریشه‌ی آرامی [ایزدبانوی بزرگ فنیقی].

عَطَا (عربی) ♂ بخشش، از ریشه‌ی عطی.

عَظِيم (عربی) ♂ سترگ، بزرگ، صفت از ریشه‌ی عظم (بزرگی) [از القاب خداوند].

عُقْبَةُ (عربی) ♂ کوچکترین فرد خانواده، دسر (!)، از ریشه‌ی عقب.

عَقِيل (عربی) ♂ عاقل، از ریشه‌ی عقل [برادر حضرت علی].

عَلَال (عربی) ♂ کسی که پی در پی می‌آشامد، از ریشه‌ی علل (نوشیدن) [لقب روسای کشور مغرب].

علام (Elam) ♂ (عبری) جوان.

علی (♂ عربی) بلند مرتبه، والا، از ریشه‌ی علی (بالا) [امام اول و خلیفه‌ی چهارم].

علیم (♂ عربی) داننده، خردمند، صفت از ریشه‌ی عربی علم (دانش) [از القاب خداوند].

عمار (♂ عربی) آباد کننده، تعمیر کننده، از ریشه‌ی عمر (آبادی) [از صحابه].

عمر (♂ عربی) آبادگر، از ریشه‌ی عمران [خلیفه‌ی اول].

عمید (♂ عربی) سرور، سفت از ریشه‌ی عمد.

عنان (♂ عربی) پیشرو.

عوف (♂ و ♀ عربی) شیر و گرگ، کسی که برای خانواده‌اش زحمت می‌کشد [عبدالرحمن بن عوف: از صحابی].

عیاش (♂ عربی) خوشگذران، اسم فاعل از ریشه‌ی عیش.

عیاض (♂ عربی) جبران کننده‌ی نیکی، اسم فاعل از ریشه‌ی عوض.

عیسی / جاشوا (Jesus) ♂ (عبری) کسی که یهوه نجاتش داده، از ریشه‌ی عبری یهو (یهوه) و شوا (نجات دادن).

# غ

غازان (♂ ترکی) امیرِ دیگ، یا اربابی که رکابش پهن است، از ریشه‌ی ترکی غازان (دیگ یا رکابِ پهن)  
[هفتمین شاه دودمان ایلخانی که در 694ه.ق مسلمان شد].

غازی (♂ عربی) جنگجو، اسم فاعل از ریشه‌ی غزوه.

غامر (♂ عربی) بسیار نیکوکار، شکوهمند، اسم فاعل از ریشه‌ی غمر (شکوه).

غدیر (♀ عربی) آبگیر.

غزال (♂ ♀ عربی) بره‌ی آهوئی که آنقدر بزرگ شده که از مادر بی نیاز است.

غسان (♂ عربی) تیزی و تندِ جوانی، از ریشه‌ی غسن (شور).

غطفان (♂ عربی) کسی که خوبزندگی می‌کند، کسی که مژده‌های بلند دارد.

غفار (♂ عربی) بخشاینده، چشم پوشنده، اسم فاعل از ریشه‌ی غفر (چشم پوشی) [از القاب خداوند].

غفار (♂ عربی) خال روی صورت.

غفور (♂ عربی) پوشنده‌ی گناه، اسم فاعل از ریشه‌ی غفر (چشم پوشی) [از القاب خداوند].

غلام (♂ عربی) نوخط، پسر نوجوان.

غلوان (♂ عربی) نشاط جوانی.

غنوم (♂ عربی) کسی که بسیار غنیمت می‌گیرد، از ریشه‌ی غنیمت.

غنی (♂ عربی) ثروتمند.

غنی (♂ عربی) ثروتمند، صفت از ریشه‌ی غنا [از القاب خداوند].

غوٲ (♂ عربی) یاری.

غیاٲ (♂ عربی) فریادرس، از ریشه‌ی غوٲ [غیاٲ‌الدین جمشید کاشانی: ریاضیدان ایرانی].

غیٲانه (♀ عربی) سیراب از باران، از ریشه‌ی غوٲ.

غینگ (♀ Qing چینی) سبز-آبی.

غیو (♀ Qiu چینی) پائیز.

# ف

فائزه (عربی) ♀ پیروز، رستگار، از ریشه‌ی فوز.

فائوستوس (Faustus) ♂ لاتین) خوش شانس، از ریشه‌ی لاتین [شخصیت اصلی تراژدی مشهور گوته].

فابیوس (Fabius) ♂ لاتین) باقلا، از ریشه‌ی لاتین [از سرداران بزرگ رومی].

فاتح (عربی) ♂ پیروز، از ریشه‌ی فتح (گشودن).

فاختنا (Fachtna) ♂ سلت) دشمنانه، از ریشه‌ی سلتی [شوهرِ نسا].

فاخر (عربی) ♂ باشکوه، اشرافی، از ریشه‌ی فخر (افتخار کردن).

فاروق (عربی) ♂ تفکیک کننده‌ی راستی از ناراستی، اسم فاعل از ریشه‌ی فرق [لقب عمر].

فاضل (عربی) ♂ دانشمند، اسم فاعل از ریشه‌ی فضل.

فاطمه (عربی) ♀ زنی که بچه‌اش را از شیر گرفته، از ریشه‌ی فطم (از شر گرفتن) [نام دختر حضرت محمد

و همسر حضرت علی].



فای ( Fay ) آنگلو ساکسون ( پری. ♀ )

فتاح ( فتح ) عربی ( گشاینده، داور، اسم فاعل از ریشه‌ی فتح (گشودن) [از القاب خداوند]. ♂ )

فتّاح ( فتح ) عربی ( گشاینده، قاضی، از ریشه‌ی فتح. ♂ )

فتانه ( فتان ) عربی ( دلربا، فتنه‌انگیز، اسم فاعلی از ریشه‌ی فتن. ♀ )

فخار ( فخر ) عربی ( کوزه‌گر، از ریشه‌ی فخر (کوزه‌گری کردن). ♂ )

فرامرز ( فرامرز ) پارسی ( بخشنده‌ی دشمنان، از ریشه‌ی پهلوی فرّا (پیش، رویارو، دشمن) و آمرز (آمرزیدن، بخشیدن) [پسر رستم]. ♂ )

فرج ( فرج ) عربی ( رهایی از اندوه و سختی. ♂ )

فرحان ( فرحان ) عربی ( شادمان، صفت از ریشه‌ی فرح. ♂ )

فَرُخ ( فرخ ) پارسی ( زیبارو، خجسته، از ریشه‌ی پارسی. ♂ )

فَرخار ( فرخار ) پارسی ( معبد، از ریشه‌ی سغدی بُرگهر (بتخانه) و سانسکریتِ وِیهارَه (معبد). ♂ )

فردریک ( Fredrick ) آلمانی ( شاه صلحجو، از ریشه‌ی نوردیک باستان frey (صلح، آرامش) و rick (شاه). ♂ )

فردیناند ( Ferdinand ) آلمانی ( آماده‌ی سفر. ♂ )

فرشوشتره ( Frashaoshthra ) پارسی ( صاحب شتران چابک، از ریشه‌ی اوستایی [از سرداران ماد]. ♂ )

فرگوس ( Fergus ) آنگلو ساکسون ( مرد نیرومند. ♂ )

فَرَنگیس ( ♀ پارسی) مبارک، خجسته، از ریشه‌ی اوستایی ویسپیه فریه [همسر سیاوش و دختر افراسیاب].

فرهاد ( ♂ پارسی) تنهای فرخنده؟، از ریشه‌ی پارسی [پهلوانی در عصر خسرو پرویز].

فُرهود ( ♂ ♀ عربی) بچه بز کوهی، گوسفند.

فریا ( ♀ Freya آلمانی) بانو، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

فریبرز ( ♂ پارسی) فرخنده‌ی بلند مرتبه، از ریشه‌ی اوستایی بورز (بلند، بالا) و فرَه (فرخندگی)، شکل اولیه‌ی این نام برزفری بوده است [پسر کیکاووس].

فرید ( ♂ عربی) یگانه، صفت از ریشه‌ی فرد [فریدالدین عطار نیشابوری: عارف ایرانی].

فریدسوید (Frideswide ♂ آنگلساکسون) صلح پایدار، از ریشه‌ی ساکسون Frid (صلح) و swide (نیرومند، استوار)

فریدون ( ♂ پارسی) سومین نفر، از ریشه‌ی اوستایی ثَرِتَتَوَنَه که با تَرِیْتَه در سانسکریت و فَرْتَه در پهلوی همتاست [شکست دهنده‌ی ضحاک].

فریگ ( ♀ Frigg آلمانی) دوست داشتن، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

فصیح ( ♂ عربی) شیوا، سخنگو، از ریشه‌ی فصاحت.

فضل ( ♂ عربی) خرد، برتری.

فلاح ( ♂ عربی) کشاورز، از ریشه‌ی فلاح.

فلاویوس (Flavius ♂ لاتین) بور، موطلایی، از ریشه‌ی لاتین.

فلیکس (Felix) ♂ لاتین) موفق، کامیاب، از ریشه‌ی لاتین.

فو (Fu) ♂ چینی) ثروتمند.

فوبوس (Phoebus) ♂ یونانی) هراس، وحشت، از ریشه‌ی یونانی باستان fohbus هراس) [پسر آرس، یکی از ماه‌های سیاره‌ی بهرام].

فوزیه (♀) عربی) پیروز، از ریشه‌ی فوز.

فونیکس (Phoenix) ♂ یونانی) قرمز تیره، ارغوانی، از ریشه‌ی یونانی یا فنیقی φωνιξ (ارغوانی) [استاد آخیلوس، اسم عامی برای مردم فنیقیه].

فهد (♂ ♀) عربی) یوزپلنگ [شاه عربستان].

فهیمه (♀) عربی) فهمیده، خردمند، صفت از ریشه‌ی فهم.

فیاجرا (Fiachra) ♂ سلت) کلاغ، از ریشه‌ی ایرلندی باستان fiach (کلاغ) [یکی از چهار پسر لیر در اساطیر ایرلندی که پس از نهمصد سال به یک قو تبدیل شد].

فیاض (♂) عربی) بخشنده، از ریشه‌ی فیض.

فیدل (Fidel) ♂ اسپانیایی) وفادار، از ریشه‌ی لاتین.

فیصل (♂) عربی) حاکم، داور، از ریشه‌ی فصل (به سرانجام رساندن) [از شیوخ عرب].

فیلمون (Philemon) ♂ عبری) مهربان، دوست داشتنی، از ریشه‌ی یونانی φίλεμων (دوست داشتنی).

فینئاس (Phineas) ♂ مصری باستان) اهل نوبه، از ریشه‌ی مصری باستان پانْهسی (نوبه‌ای، سیاهپوست) [نوه‌ی هارون].

فیون (Fionn ♂) سلت) سفید، تمیز، از ریشه‌ی ایرلندی باستان [قهرمانی همه‌چیزدان].

فیون (Fionn ♀) آنگلو ساکسون) تمیز، سفید، از ریشه‌ی سلتی.

فؤاد (♂) عربی) دل، قلب.

# ق

قآن (♂ ترکی) خاقان، شاهنشاه [قویلائی قآن، شاه مغول چین].

قابس (♂ عربی) یاد گیرنده‌ی علم و هنر.

قابوس (♂ عربی) شکل عربی شده از کاووس پارسی است [اسم سنتی ملوک اردن].

قابیل (Cane ♂ عبری) به دست آمده، سیاه، از ریشه‌ی سامی [نخستین پسر آدم].

قاجار (♂ ترکی) تندرو، سریع [از قبایل ترک].

قادر (♂ عربی) توانا، اسم فاعل از ریشه‌ی قدرت.

قارن/ کارن (♂ پارسی) جنگجو، از ریشه‌ی پهلوی کارین (مربوط به جنگ، جنگی) [نام خاندانی بزرگ در عصر اشکانی].

قارون (♂ عربی) کبک، شترمرغ، در تورات به صورت قورح ثبت شده [از ثروتمندان عصر موسی].

قاسم (♂ عربی) قسم خورنده، تقسیم کننده، از ریشه‌ی قسم.

قاصد (♂ عربی) پیک، سفیر، از ریشه‌ی قصد.

قاکارِع (Qakare) ♂ (مصری باستان) روح رع تواناست، از ریشه‌ی مصری باستان قا (نیرومند) و کا (روح)

و رع [از فراعنهی دودمان هفتم].

قانع (♂ عربی) قناعت کننده.

قُبَاد (♂ پارسی) شاهِ محبوب، از ریشه‌ی اوستایی گَوا (کی، شاه) و واَثه (محبوب) [نخستین پادشاه کیانی].

قَتَادَه (♂ عربی) نوعی درخت خاردار.

قَتْلُغْخان (♂ ترکی) شاهِ خجسته، از ریشه‌ی ترکی قتلغ (مبارک، خجسته) و خان (ارباب، شاه) [حاکم کرمان

از دودمان قراختاییان].

قحطان (♂ عربی) بسیار ضربه زننده، از ریشه‌ی قحط (ضربه زدن) [جد اعراب یمن].

قدوس (♂ عربی) پاکیزه، مقدس، صفت از ریشه‌ی عربی قدس (ارجمند و مقدس) [از القاب خداوند].

قَراقویونلو (♂ ترکی) صاحب گوسفندان سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه)، قویون (گوسفند) و لو (پسوند

مالکیت) [نام قبیله‌ای ترک که از 780 تا 874 ه.ق بر شمال غربی ایران حکومت می‌کردند].

قَراگوزلو (♂ ترکی) چشم سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه)، گوز (چشم) و لو (پسوند مالکیت).

قَرامان (♂ ترکی) برترِ سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه) و مان (والا، برتر) [قرامان بن نوره، موسس دودمان

قرامانیان در آسیای صغیر 654-868 ه.ق].

قَرَتَکین (♂ ترکی) دلاور سیاه، از ریشه‌ی ترکی قرا (سیاه) و تکین (شاهزاده، دلاور) [از امیران سامانی].

قَرَقِیز (♂ ترکی) سرخ‌رو.

قریش (♂ عربی) کوسه‌ی کوچک، از کلمه‌ی آرامی کرشا כרשא یا محل جمع شدن از ریشه‌ی سریانی srq (قرش) [قبیله‌ی حضرت محمد]

قزل ارسلان (♂ ترکی) شیر سرخ، از ریشه‌ی ترکی قزل (سرخ) و ارسلان (شیر) [نام دو تن از اتابکان آذربایجان].

قشقای (♂ ترکی) اسبی که بر پیشانی‌اش لکه‌ای رنگی دارد، یا آلتی آهنین شبیه زره که بر پیشانی اسب می‌بندند، از ریشه‌ی جغتایی قاشقه به همین معنا [از ایل‌های ترک].

قُصَى (♂ عربی) دوراندیش، به هدف رسیده، اسم تصغیرِ قِصا.

قُطام (♂ عربی) نوعی مرغ شکاری.

قَع (Qa 'a) مصری باستان) دستانش برافراشته‌اند، از ریشه‌ی مصری باستان [آخرین فرعون دودمان نخست].

قُلَى (♂ ترکی) بنده، برده.

قَلِیج (♂ ترکی) شمشیر.

قُیْتَبَةُ (♂ عربی) زودرنج و بداخلاق.

قیس (♂ عربی) کسی که با خودنمایی راه می‌رود، برازنده.

قینان (Qinan) عبری) مالک، از ریشه‌ی سامی [پسر شیث].

قَیوم (♂ عربی) پایدار، خودبنیاد، صفت از ریشه‌ی عربی قیم (بر پا داشتن) [از القاب خداوند].

# ک

کاتاشی (Katashi) ♂ ژاپنی) استحکام.

کاتانا (Katana) ♀ ژاپنی) شمشیر.

کاتاهکاسا (Katahecassa) ♂ سرخپوستی) سُم سیاه، به زبان شاونی [رئیس قبیله‌ی شایان در قرن هژدهم].

کاتب (♂ عربی) نویسنده، اسم فاعل از ریشه‌ی کتب.

کاتسو (Katsu) ♂ ژاپنی) پیروزی.

کاتسورو (Katsuro) ♂ ژاپنی) فرزند پیروزی.

کادموس (Cadmus) ♂ یونانی) خاور، مشرق [جد خاندان شاه‌ی بئوسی].

کادیرُن (Cadeyrn) ♂ سلت) شاه جنگجو، از ریشه‌ی سلتی cad (جنگ) و theyrn (شاه).

کاران (Karan) ♂ هندی) برآمده از گوش، از ریشه‌ی سانسکریتِ گرَنَه (گوش) [پسر سوریه که از گوش‌اش زاده شد].



کارمل (Carmel ♀ عبری) باغ مو، از ریشه‌ی گرمی (انگور).

کارون (Charon ♂ یونانی) تند، ژیان [قایقران دوزخ].

کاریا (Carya ♀ یونانی) درخت گردو.

کازوئو (Kazuo ♂ ژاپنی) اولین پسر.

کازوکو (Kazuko ♀ ژاپنی) فرزند دوستانه.

کازوکی (Kazuki ♂ ژاپنی) صلح خوشایند.

کاساندرا (Cassandra ♀ یونانی) در دام اندازنده‌ی مردان، از ریشه‌ی یونانی باستان kassa (دام، تله)

و Andros (مرد) [دختر پریام شاه تروا].

کاستور (Castor ♂ یونانی) سگ آبی [پسر لدا از پهلوانان تروا].

کاسیوس (Cassius ♂ لاتین) خالی، پوک، از ریشه‌ی لاتین [از امپراتوران روم].

کاظم (عربی) شکیب، فروخورنده‌ی خشم، اسم فاعل از ریشه‌ی کظم.

کافی (عربی) فراوان، بس، اسم فاعل از ریشه‌ی کفی.

کالب (Caleb ♂ عبری) سگ.

کالوس (Calus ♂ یونانی) زیبا.

کالی (Kali ♀ هندی) سیاه، از ریشه‌ی سانسکریت [زن شیوا].

کالیاس (Calias ♂ یونانی) تغییر رنگ دهنده.

کالیپسو (♀ Calypso یونانی) پنهان [ایزدبانویی که اولیس را در جزیره‌اش گرفتار کرد].

کالیستو (♀ Callisto یونانی) زیباترین [ندیمه‌ی آرتمیس که به خاطر از دست دادن بکارتش دست او کشته شد].

کالیگولا (♂ Caligula لاتین) چکمه‌های کوچک، از ریشه‌ی لاتین caligus (چکمه) و ula (پسوند کوچکی) [امپراتور دیوانه‌ی روم].

کالیئون (♂ Callileon یونانی) شیر زیبا.

کالیوپه (♀ Calliope یونانی) صاحب چهره‌ی زیبا، از ریشه‌ی یونانی باستان κάλλυς (زیبا) و ἰοπη (چهره) [از موزها، ایزدبانوی حماسه].

کامران (♂ پارسی) خوشبخت، سعادت‌مند، از ریشه‌ی پارسی کام (بخت، شادمانی) و ران (هدایت کردن).

کامبیز (♂ پارسی) درهم کوبنده‌ی دشمنان، شکل یونانی شده‌ی کمبوجیه [پسر و جانشین کوروش بزرگ]

کانئونوسکاتو (♂ Kaneonuskatew سرخپوستی) کسی که بر پنجه‌های چهار دست و پایش راه می‌رود، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

کاندلاریا (♂ Candalaria اسپانیایی) شمعدان، از ریشه‌ی لاتین.

کانفر رع (♂ Kaneferre مصری باستان) روح رع زیباست، از ریشه‌ی مصری باستان کا (روح) و نفر (زیبا) و رع [از فراعنه‌ی دودمان دهم].

کاواکاتوسه (♂ Kawakatoose سرخپوستی) مرد فقیر و لاغر، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

کاووس (♂ پارسى) پادشاه ثروتمند، پادشاه خرسند، از ریشه‌ی اوستایی کَوَه (کی، شاه) و اوسَن (خرسند، دولتمند) [از پادشاهان بزرگ کیانی].

کاوه (♂ پارسى) مانند گاو، از ریشه‌ی پهلوی کاوگ که گویا از بخش اول عبارت اوستایی گئوش دَرَفَشَه (درفش کاویانی) گرفته شده باشد [آهنگری که در برابر ضحاک طغیان کرد].

کاووس (♂ پارسى) سرور چشمه‌سارها، یا باراده و مصمم، شکل ساده شده‌ی گوی-اوسَن اوستایی، که بخش دوم آن به معنای چشمه یا آرزو و خواست است [شاه نامدار کیانی]

کبیر (♂ عربى) بزرگ و پر عظمت، صفت از ریشه‌ی عربی کبر (بزرگی) [از القاب خداوند].

کتایون (♂ پارسى) مو بلند، دارای گیسوان دراز، از ریشه‌ی یونانی κομητω (گیسو، موی بلند) [همسر گشتاسپ، مادر اسفندیار و خواهر تئودورا، ملکه‌ی روم].

کَرْتُون (Creon ♂ یونانى) حاکم [پدر مگاره، از پهلوانان اودیسه].

کراتوس (Kratus ♂ یونانى) قدرت.

کرانائوس (Cranus ♂ یونانى) سنگی، صخره [از جزایر یونان].

کَرپ ارسلان (♂ ترکی) توله شیر، از ریشه‌ی ترکی کرپ (توله) و ارسلان (شیر) [حاکم مراغه که نظامی هفت پیکرش را به او پیشکش کرده است].

کرتئوس (Creteus ♂ یونانى) شاه.

کَرْتِه (Crete ♀ یونانى) ملکه [جزیره‌ی بزرگی در جنوب یونان].

کرتیس (Curtis ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) بارگاه، دربار.

کرسنتیا ( ♀ Crescentia لاتین) رشد یابنده، از ریشه‌ی لاتین.

کرسیدا ( ♀ Cressida یونانی) زرین، از ریشه‌ی یونانی باستان χρυσω (زرین).

گرشاسپ / گرشاسپ ( ♂ پارسی) دارنده‌ی اسب لاغر، از ریشه‌ی اوستایی کرسه (لاغر) و اسپه (اسب) [از پهلوانان ملی ایرانی].

کرمیت (Kermit ♂ آنگلو ساکسون) مرد آزاده.

کروتوس (Crotus ♂ یونانی) ضرب آهنگین.

کروتون (Croton ♂ یونانی) ساسِ سگ.

کروکور (Krokor ♂ ارمنی) همان گریگوری است.

کریزوتِموس ( ♀ Chrysothemis یونانی) قانون زرین، از ریشه‌ی یونانی باستان χρυσω (زرین) و θημις (قانون) [دختر آگامنون].

کریسه ( ♀ Chryse یونانی) زرین، از ریشه‌ی یونانی باستان χρυσω (زرین) [منطقه‌ای در یونان].

کریسیپوس (Chryseppus ♂ یونانی) اسب زرین، از ریشه‌ی یونانی باستان χρυσω (زرین) و ιππος' (اسب).

کریشنا (Krishna ♂ هندی) سیاه، تیره، از ریشه‌ی سانسکریت [از خدایان هندو]

کریگ (Craig ♂ آنگلو ساکسون) صخره‌ها.

کریم ( ♂ عربی) بخشنده، صفت از ریشه‌ی عربی کرم (بخشش) [از القاب خداوند].

کسانتیپه (♀ Xanthipe یونانی) دارنده‌ی اسب زردهٔ برساخته از ξανθός (بور و زرد) و ἵππος (اسب)  
[زن سقراط]

کُسوچیپیلی (♂ Xochipilli سرخپوستی) شاهزاده‌ی گل، در زبان آزتک [خدای عشق آزتک‌ها].

کسوچیتل (♀ Xochitl سرخپوستی) گل، از ریشه‌ی ناهواتلان.

کسوچیکوئزال (♀ Xochiquetzal سرخپوستی) شاهزاده‌ی گل [ایزدبانوی عشق آزتک‌ها و خواهر  
دوقلوی کسوچیپیلی].

کشواد (♂ پارسی) دارای سخنان شیوا [پهلوان شاهنامه‌ای و بنیانگذار دودمان گودرزیان].

کعب (♂ عربی) شرف، ارجمندی [کعب بن احبار، از راویان حدیث].

کفیل (♂ عربی) ضامن، سرپرست، صفت از ریشه‌ی کفل.

کلئوبیس (♂ یونانی) نامدار در زندگی، از ریشه‌ی یونانی باستان κληα (افتخار، شهرت) و  
βίος (زندگی).

کلئوپاترا (♀ Cleopatra یونانی) دارای پدر نامدار، از ریشه‌ی یونانی باستان κληα (افتخار) و  
πατρα (پدر) [زن ملتاگر در ایلید، ملکه‌ی یونانی مصر از دودمان بطلمیوسیان].

کلئوترا (♀ Cleothera یونانی) سرزمین مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان κληα (افتخار، شهرت) و  
τηρα (زمین).

کلئودیسِه (♀ Cleodice یونانی) عدالت مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان κληα (شهرت) و  
δουκη (عدالت).

کلئومِنِس (♂ Cleomenes یونانی) قدرت مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان κληα (شهرت) و  
μενεσ (قدرت).

کلئون (♂ Cleon یونانی) مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان κληα (افتخار، شهرت).

کلئِستِیرا (♀ Cleisthira یونانی) قفل کننده‌ی در.

کلارک (♂ Clark آنگلوساکسون) دانشمند.

کلانسی (♂ Clancy آنگلوساکسون) جنگجوی سرخ.

کلب (♂ عربی) سگ [بنی کلب: از قبایل جاهلی].

کلبوم (♂ اکدی) سگ، از ریشه‌ی اکدی [از شاهان باستانی سومر].

کلته (♀ Clete یونانی) برگزیده.

کلثوم (♂ عربی) فیل.

کلمومو (♂ اکدی) بره، از ریشه‌ی اکدی [از شاهان باستانی سومر].

کلوتو (♀ Clotho یونانی) ریسنده.

کلودیوس (♂ Claudius لاتین) لنگ، چلاق، از ریشه‌ی لاتین [امپراتور روم در قرن نخست میلادی].

کلوریس ( ♀ Chloris یونانی) سبز، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\chi\lambda\omicron\rho\alpha$  (سبز).

کلیا ( ♀ Cleia یونانی) مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\kappa\lambda\eta\alpha$  (شهرت).

کلیتمِنستِرا ( ♀ Clytemnestra یونانی) اظهار عشقِ ستایشگرانه [زن آگاممنون].

کلیتی (♂ Clytie یونانی) مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\kappa\lambda\eta\alpha$  (شهرت) [پسر لائومدون از بزرگان  
تروا].

کلیفورد (♂ Clifford آنگلساکسون) گُدارِ تپه، از ریشه‌ی انگلیسی باستان  $cliv$  (تپه) و  $ford$   
(در، دروازه).

کلیم (♂ عربی) سخنگو، کسی که شیوا حرف می‌زند، صفت از ریشه‌ی کلم [لقب حضرت موسی].

کلیمِنوس (♂ Clymenus یونانی) قدرت مشهور، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\kappa\lambda\eta\alpha$  (شهرت) و  $\mu\epsilon\nu\epsilon\sigma$   
(قدرت) [از پهلوانان تروا].

کلیتُون (♂ Clinton آنگلساکسون) ساکن قله، از ریشه‌ی انگلیسی باستان  $cliv$  (تپه) و  $ton$   
(پسوند نسبت).

کلیو (♂ Clio یونانی) جارچی، خبر رسان، از ریشه‌ی یونانی باستان  $\kappa\iota\lambda\omicron$  (جارچی) [ایزدبانوی تاریخ،  
از موزها].

کلیو (♂ Clive آنگلساکسون) ساکن تپه، از ریشه‌ی انگلیسی باستان  $cliv$  (تپه).

کلیدونا ( ♀ Cliodhna سلتی) زیبا، خوش اندام، از ریشه‌ی گل [در اساطیر ایرلندی ایزدبانویی است که  
عاشق مردی از میان آدمیان می‌شود].

کمال (♂ عربی) کامل، از ریشه‌ی کمال [کمال‌الملک: نقاش].

کُمیل (♂ عربی) کوچکِ کامل، اسم تصغیر از ریشه‌ی کامل.

کن (Ken) ♂ ژاپنی) شمشیر یا سلامت.

کنت (Kenneth) ♂ آنگلو ساکسون) زیبا.

کنتا (Kenta) ♂ ژاپنی) قوی و سالم.

کنجی (Kenji) ♂ ژاپنی) پسر دوم.

کُندرو (♂ پارسی) زرین پاشنه، از ریشه‌ی اوستایی گُندَرَوَه [در اوستا و ریگ ودا غولی مهیب است، در شاهنامه به پیشکار ضحاک تبدیل شده است].

کُنراد (Conrad) ♂ آلمانی) مشاور توانمند، از ریشه‌ی سلتی con (نیرومند) و rad (مشاور).

کُنستانتین (Constantine) ♂ لاتین) پایدار، استوار، از ریشه‌ی لاتین constant (پایدار) [اولین امپراتور مسیحی روم، شهر قسطنطنیه به افتخار او نامگذاری شده است].

کُنشین (Kenshin) ♂ ژاپنی) قلب شمشیر.

کنعان (♂ عربی) منقبض، آماده‌ی انجام کار، جد اساطیری اعراب سوریه.

کنعان (Canaan) ♂ عبری) سرزمین پست، دشت [جد کنعانی‌ها].

کنفوسیوس (Confucius) ♂ چینی) استاد مقدس، از ریشه‌ی چینی کونگ (مقدس)، فو (مرد، شوهر)

و تسه (استاد) [فیلسوف بزرگ چینی در قرن پنجم پ.م].



کوآتزال‌کوآتل (Quetzalcoatl) ♂ سرخپوستی) مارِ بالدار، از ریشه‌ی ناهوآتلان [خدای بزرگ آزتک‌ها].

کوامی (Kwami) ♂ آفریقایی) زاده‌ی روز شنبه، از ریشه‌ی آفریکان،

کواناح (Quannah) ♂ سرخپوستی) عطر [رهبر کومانچی در قرن نوزدهم].

کوپرئوس (Copreus) ♂ یونانی) کود دهنده، از ریشه‌ی یونانی باستان κοπρησ (کود، مدفوع) [پسر پلوپس از پهلوانان ایلپاد].

کوت (♂ پارسی) دژ، قلعه، از ریشه‌ی هندی، کوتوال (صاحب قلعه) از همین ریشه است [از پهلوانان شاهنامه].

کوثر (♀ عربی) فراوان، بسیار، از ریشه‌ی سامی باستان کثر [لقب دختر حضرت محمد، در اصل نام ایزدبانوی فنیقی آبها].

کورِدیلیا (♀ Cordilia لاتین) قلب، از ریشه‌ی لاتین caria (قلب).

کوروش (♂ پارسی) جنگاور، مبارز، از ریشه‌ی هند و ایرانی کو (نابود کردن، جنگیدن) [بنیانگذار دودمان هخامنشی]

کورنتین (Corentine) ♂ آلمانی) گردباد [کشیشی در بریتانی قرن پنجم م].

کورنلیوس (Cornelius) ♂ لاتین) شاخدار، از ریشه‌ی لاتین cornea (شاخ).

کورو (Kuro) ♂ ژاپنی) پسر نهم.

کورونتا (♀ Coronea یونانی) کلاغ.

کورونتا (♂ هیتی) کودک دشت گسترده، از ریشه‌ی هیتی [خدای روستاها].

کورونیس (Coronis) ♂ یونانی) کلاغ.

کوریبانتس (Coribantes) ♂ یونانی) رقص تاج‌دار.

کوریتوس (Corythus) ♂ یونانی) صاحب کلاه‌خود.

کوریسیدا (Currissida) ♀ یونانی) نوحه.

کورینتوس (Corinthus) ♂ یونانی) عضو انجمن مردان.

کوش (Kush) ♂ عبری) سیاه [جد اتیوپیان].

کوفی (Kofi) ♂ آفریقایی) زاده‌ی روز جمعه، از ریشه‌ی آفریکان،

کوکالوس (Cocalus) ♂ یونانی) صدف ماریچ.

کوکب (Kokab) ♀ عربی) ستاره.

کوکولان (Cuchulainn) ♂ سلت) سگ تازی کولان، از ریشه‌ی ایرلندی باستان [لقب یکی از پهلوانان

اساطیری سلت که با نام ستانتا هم مشهور است].

کومار (Kumar) ♂ هندی) پسر.

کومتس (Cometes) ♂ یونانی) دارای گیسوی بلند.

کومیکو (Kumiko) ♀ ژاپنی) فرزند جاودانه زیبا.

کون (Kun) ♂ چینی) جهان، دامنه‌ی کوه.

کونال (Conall) ♂ سلت) گرگ نیرومند، از ریشه‌ی سلتی con (نیرومند) و wolf (گرگ).

کوندیچه (Condice لاتین) سفید، از ریشه‌ی لاتین.

کوورک (Kevork) ارمنی همان جرج است.

کووسس (Cowessess) سرخپوستی بچه‌ی کوچک، از ریشه‌ی اوجیوآ [رئیس قبیله‌ی سولتو در قرن هژدهم].

کوهار (Kohar) ارمنی جواهر.

کوین (Kevin) آنگلو ساکسون کودک زیبارو.

کهرم (پارسی) اهورامزدا‌ی پهلوان، از ریشه‌ی پهلویی گئو (پهلوان) و هر میزد (هرمز) [پسر ارجاسپ].

کیادو (chiado یونانی) دانه‌ی برف.

کیت (Keith آنگلو ساکسون) چوب.

کیتن هوتران اوتاش (ایلامی) فرّه هوتران مرا یاری کرد، از ریشه‌ی ایلامی کیتن (نیروی الهی)، هوتران (از خدایان ایلامی) و اوتاش (مرا یاری کرد) [شاه ایلام در 1235-1205 پ.م، فاتح میانرودان].

کیتیم (Kitim) عبری کسی که کوبیده و کبود شده است [پسر یوان].

کیرک (Kirk) آلمانی [به صورت ترکیبی آن در نام کیرکه‌گارد (یعنی باغچه‌ی کلیسا) دیده می‌شود]

کیریریشا (ایلامی) بانوی بزرگ، از ریشه‌ی ایلامی [مادر خدای ایلام].

کیسکاوچوک (Kisacawchuck ♂ سرخپوستی) ستاره‌ی روز، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

کیکاووس (♂ پارسی) شاه کاووس، شاه باراده، یا شاه چشمه‌سارها، با افزوده شدن یک کی (شاه) اضافی به نام اوستایی گوی-اوسن پدیده آمده که خود این عنصر را پیشاپیش دارد [شاه نامدار کیانی]

کیکو (♀ Keiko ژاپنی) فرزند محترم.

کیکو (♀ Kiko ژاپنی) گل داوودی.

کیلوس (♂ Chylus یونانی) شیرهی گیاه.

کیروس (♂ Chimereus یونانی) عفریت، دیو، از ریشه‌ی پارسی کیمیریا (نام قبیله‌ای ایرانی در حاشیه‌ی دریای سیاه) [هیولایی با تن شیر و پای بز و دم اژدها].

کیمودوسه (♀ Kymodoce یونانی) آماده‌ی برخورد با امواج.

کیمیکو (♀ Kimiko ژاپنی) فرزند اشرافی.

کین (♀ Kin ژاپنی) طلایی.

کیوشی (♂ Kiyoshi ژاپنی) خلوص.

کیوکو (♀ Kiyoko ژاپنی) فرزند پاکیزه.

کیومرت (♂ پارسی) آن زنده‌ای که خواهد مرد، از ریشه‌ی اوستایی گیو (جان، زندگی) و مرتن (مردن)، در پهلوی به گیومرت تبدیل شده [نخستین انسان در اساطیر ایرانی].

# گ

گابریل (Gabriel) ♂ (عبری) مرد نیرومند خدا، از ریشه‌ی عبری گابر (پهلوان) و ایل (خدا).

گاد (Gad) ♂ (عبری) بخت نیک [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

گادار (Gadar) ♀ (ارمنی) قله.

گادفری / گوفری (Godfrey/Geoffrey) ♂ (آلمانی) صلح الهی، از ریشه‌ی نوردیک باستان god/geo (خدا) و frey (صلح، آرامش).

گارث (Garth) ♂ (آلمانی) باغ.

گالاتئا (Galatea) ♀ (یونانی) شیر سپید [از فرشتگان دریا].

گالن / جالینوس (Galen) ♂ (یونانی) آرام [پزشک مشهور یونانی].

گالوس (Gallus) ♂ (لاتین) جوجه خروس، از ریشه‌ی لاتین.

گامالیل (Gamaliel) ♂ (عبری) سود خداوند، از ریشه‌ی عبری گامه (سود) و ایل (خدا).

گانِش (Ganesh) ♂ (هندي) خدای قبیله، ایلخان، از ریشه‌ی سانسکریت gan (قبیله) و isa (باب).

گانیمد (Ganymede) ♂ (یونانی) از ریشه‌ی یونانی باستان [از پهلوانان تروا، ساقی زئوس].

گاوری (Gauri) ♀ (هندي) سفید، از ریشه‌ی سانسکریت [همسر شیوا]

گاوین (Gawin) ♂ (سلت) عقاب سفید، از ریشه‌ی ولشی gwylchwyn (عقاب سفید) [از دلاوران میزگرد].

گای (Guy) ♂ (آلمانی) چوب.

گتِر (Gether) ♂ (عبری) دره‌ی آزمون [پسر آرام].

گران (Grant) ♂ (گل - فرانسه‌ی کهن) بزرگ.

گراهام (Graham) ♂ (آنگلوساکسون) خانه‌ی خاکستری، از ریشه‌ی انگلیسی باستان gra (خاکستری) و ham (کلبه).

گراین (Grainne) ♀ (سلت) دانه، غله، از ریشه‌ی گل gran (غله، دانه) [ایزدبانوی غله و دروگری].

گرت / گری (Gareth / Gary) ♂ (آنگلوساکسون) ظریف.

گرتروود (Gertrude) ♂ (آلمانی) قدرت نیزه، از ریشه‌ی ساکسونی gar (نیزه) و trude (قدرت).

گرزم / قرزم / کرزم (پارسی) رزم کیانی، در اوستا به شکل گوارسمن دیده می‌شود [خویشاوند نیرنگ باز اسفندیار در شاهنامه].

گرد (Gerd) ♀ (آلمانی) خانه‌دار، محافظ خانه، از ریشه‌ی نوردیک باستان gardr (چهار دیواری)

[ایزدبانوی نگهبان خانه‌ها].

گرسویز (♂ پارسى) ناستوار، دارای پایداری اندک، از ریشه‌ی اوستایی کرسه (لاغر، اندک) و وزده (نیرو، پایداری) [برادر اسفندیار].

گرشوم (♂ Gershome عبری) تبعید، خروج.

گُریگ (♂ پارسى) همچون گرگ، از ریشه‌ی پهلوی وورگ (گرگ) [از پهلوانان شاهنامه].

گرمانیکوس (♂ Germanicus لاتین) آلمانی، از ریشه‌ی لاتین Germania (سرزمین آلمان) [سردار بزرگ رومی و فاتح آلمان].

گرید (♀ Grid آلمانی) صلح، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

گُستهَم (♂ پارسى) گسترده‌ی قدرت، از ریشه‌ی پهلوی ویس (گستردن) و تَخَمَه (نیرو، قدرت) [از پهلوانان شاهنامه].

گُشتاسپ / ویشتاسپ (♂ پارسى) دارنده‌ی اسب رمنده، صاحب اسب پیر، از ریشه‌ی پارسى باستان ویشْت (از کار افتاده، پیر) و اَسپَه (اسب) [نخستین شاه زرتشتی و پشتیبان زرتشت، پدر اسفندیار].

گُشَسپ (♂ پارسى) صاحب اسب نر، از ریشه‌ی اوستایی گُشن (نرینه) و اَسپَه (اسب) [از پهلوانان شاهنامه].  
گلاوکوپیس (♂ Glaucopis یونانی) دارای چشمانی همچون جغد.

گلاوکون (♂ Glaucion یونانی) چشم جغدی یا چشم خاکستری، کوتاه شده‌ی γλαυκόμματος، یعنی وقف شده برای آتنا [نام برادر افلاطون]

گلاوکونومه (♀ Glaukonome یونانی) ارباب دریای خاکستری، از ریشه‌ی یونانی باستان γλαυκος (خاکستری) و νομος (قانون).

گلاوکِه (Glauce ♀ یونانی) خاکستری، از ریشه‌ی یونانی باستان γλαυκος (خاکستری) [از فرشتگان دریا].

گُلباد (♂ پارسی) بوی گل [از پهلوانان شاهنامه].

گُندَفَرَنَه (♂ پارسی) فرهنگِ جنگاوران، برساخته از گوند (ارتش، سپاه) و فرَنَه (فره، فرهنگ) [شاهی از دودمان سکا‌های سیستان، و احتمالاً نام رستم تاریخی است]

گو (♂ پارسی) دلیر، پهلوان، از ریشه‌ی پارسی باستان گئو (دلیر، پهلوان) [از پهلوانان شاهنامه].

گوادالوپ (Guadalupe ♀ اسپانیایی) رود گرگ، از ریشه‌ی لاتین gua (رود)، حرف ربطِ del و lupus (گرگ).

گوئُخِی (Gutxi ♀ باسک) کوچک

گوْدَا (♂ سومری) کسی که به قدرت فراخوانده شده، از ریشه‌ی سومری [شاه لاگاش در 2150 پ.م].

گوْدآلیم (♂ سومری) هیولای گاو وحشی [شاهی در میانرودان باستان که به دست نینورتا کشته شد]

گوْدِرِز (♂ پارسی) سرآمدِ پهلوانان، از ریشه‌ی پهلوی گُترز [پهلوانی مشهور در عصر اشکانی، سپهسالار ایران در شاهنامه].

گوْرَتیرِن (Gwrtheyrn ♀ سلت) برترین پادشاه، از ریشه‌ی ولشی gwr (برتر) و theyrn (شاه).

گوْرخان/گوْرکان (♂ ترکی) شاهِ سرزمینهای پهناور، از ریشه‌ی ترکی گور (پهناور، جهان) و خان (ارباب، شاه) [موسس دودمان گورکانیان].

گوْرِدون (Gordon ♀ آنگلو ساکسون) تپه.



گوردون ( ♀ Gurdun آلمانی) حکمت الهی، از ریشه‌ی نوردیک باستان gud (خدا) و run (دانش)

رمزآمیز) [زن سیگورد در اساطیر ژرمنی].

گورکا (♂ Gorka باسک) جرج

گورگون ( ♀ Gorgon یونانی) دیو، هیولا، از ریشه‌ی یونانی باستان γοργονα (عفریت مادینه)

[عفریتهایی که به جای مو مار داشتند و نگاهشان آدمیان را سنگ می‌کرد].

گورو (♂ Goro ژاپنی) پسر پنجم.

گوسله (♂ هندی) آخورِ گاو، برساخته از ریشه‌ی سانسکریت گو (گاو) و سلّه (خانه، آخور) [لقبِ ماکالی

کوسله از راهبان نامدار بودایی]

گوشکا (♂ هندی) گاو مقدس سکاها (؟) برساخته از گئو (گاو) و سکا (؟) [راهبی سکا-تخاری که دین بودا

را به بلخ آورد]

گوماتا (♂ پارسی) دانا به صفت گاو، از ریشه‌ی پارسی باستان گئو (گاو) و ماته (دانستن)

[بردیای دروغین که به دست داریوش کشته شد].

گومر (♂ عبری) کمال [پسر یافت، جد زردپوستان].

گونزالو (♂ آلمانی / اسپانیایی) نبرد رهایی‌بخش، از ریشه‌ی آلمانی باستان gund (نبرد) و

salvo (نجات دادن).

گونگونوم (♂ سومری) صدای طبل جنگ، از ریشه‌ی سومری [شاه لارسا در اواخر هزاره‌ی دوم پ.م].

گویاتلای (Goyathlay) ♂ سرخپوستی) کسی که خمیازه می‌کشد، اصمِ اصلیِ جِرونیمو است [آخرین رئیس قبیله‌ی آپاچی].

گویبِنیا (Goibnia) ♂ سلت) آهنین، از ریشه‌ی ایرلندی باستانِ gobha (آهن) [خدای آهن ایرلندی‌ها].

گویبِنیو (Goibniu) ♂ سلت) آهنگر، از ریشه‌ی ایرلندی باستانِ gobha (آهن) [خدای آهنگری].

گویلدِهَرِن (Gwilherm) ♂ آلمانی) همان ویلیام است.

گیدِئُون (Gideon) ♂ عبری) بُرنده، تیز (صفت جنگجو).

گیلِبِرْت (Gilbert) ♂ آلمانی) وثیقه‌ی درخشان، امانت نورانی، از ریشه‌ی آلمانیِ gil (امانت) و bert (درخشان).

گینا (Gina) ♀ ژاپنی) نقره‌ای.

گیو (♂ پارسی) پهلوانانه؟، از ریشه‌ی اوستاییِ گئوَنی که در پهلوی به ویر تبدیل شده است [پدر گودرز].

# ل

لئا ( ♀ Lea عبری) پوشیده.

لئاگورا ( ♀ Leagora یونانی) گرد آورنده‌ی مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان λαοσ (مردم) و αγορα (بازار، محل گردهم‌آیی).

لئوپولد (♂ Leopold آلمانی) مردمی همچون شیر شجاع، از ریشه‌ی لاتین leon (شیر) و pol (مردم).

لئونارد (♂ Leonard آلمانی) شیر شجاع، از ریشه‌ی لاتین leon (شیر) و wald (شجاع).

لائومدا ( ♀ Laomedea یونانی) رهبر مردم، از ریشه‌ی یونانی باستان λαοσ (مردم) و μεδεις (راهبری).

لابارناس (♂ هیتی) شاه، از ریشه‌ی هیتی [نخستین شاه هیتی].

لاخسیس (♂ Lachesis یونانی) تعیین کننده.

لاکشمی (Lakshmi هندی) نماد، علامت، از ریشه‌ی سانسکریت [ایزدبانوی خانواده]

لالا (Lala بلغاری) لاله، از ریشه‌ی پارسی (؟).

لالاوتیکا (Lalawethica سرخپوستی) او صدا می‌کند، از ریشه‌ی شاونی [رهبر قبیله‌ی شایان].

لامش (Lamesh عبری) ویرانگر، از ریشه‌ی سامی [پسر قابیل].

لامع (عربی) روشن، نورانی، اسم فاعل از ریشه‌ی لمع.

لان (Lan چینی) ارکیده،

لاورنتی (Lavrenti بلغاری) همان لاورنس است.

لاورنس (Lawrence لاتین) دارای تاج برگ غار، پرافتخار، از ریشه‌ی لاتین.

لایل (Lyle گل - فرانسه‌ی کهن) جزیره‌ای، اهل جزیره، از ریشه‌ی گل 'L' (حرف تعریف) و aile (جزیره).

لیب (عربی) بینا، خردمند، از ریشه‌ی لبّ.

لِیتِیا (Letitia لاتین) خوشحال، از ریشه‌ی لاتین letia (شادی، سرور).

لِدا (Leda یونانی) زن، از ریشه‌ی لیسیه‌ای باستان "لادا" (زن) [همان نمسیس، زن زئوس].

لِروی (Leroy گل - فرانسه‌ی کهن) شاه.

لِسلِی (Lesley آنگلساکسون) چمنزار، از ریشه‌ی انگلیسی باستان les (چمن) و ley (دشت).

لَطِیف (عربی) مهربان، صفت از ریشه‌ی عربی لطف (مهربانی) [از القاب خداوند].

لقمان (♂ عربی) خاموش کننده‌ی دشمن، اسم از ریشه‌ی لقم [پادشاه افسانه‌ای حمیر که به خردمندی مشهور بود].

لمعان (♂ عربی) روشن، نورانی، اسم از ریشه‌ی لمع.

لوتر (Luther) (♂ آلمانی) ارتش مردم، از ریشه‌ی نوردیک باستان lud (جنگجو) و ter (مردم).

لودیم (Ludim) (♂ عبری) خمیده [پسر نیزرائیم].

لوز (Luz) (♂ اسپانیایی) نور، از ریشه‌ی لاتین.

لوسینا (Lucina) (♀ لاتین) نور، روشن، از ریشه‌ی لاتین lucia (روشنایی)، در لاتین لوکینا خوانده می‌شده است.

لوسینه (Lucine) (♀ ارمنی) ماه.

لوط (♂ عربی) چسبیده، اسم مفعول از ریشه‌ی اللوط (چسبیدگی) [پیامبری از امونیان، برادر زاده‌ی ابراهیم خلیل].

لوط (Lut) (♂ عبری) پنهان [پیامبر عبرانی].

لوقا (Lucas) (♂ عبری) اهل منطقه‌ی لوکانیا، از ریشه‌ی لاتین Lucania که نام منطقه‌ایست در ایتالیا.

لوکرس (Locres) (♀ یونانی) از ریشه‌ی یونانی باستان [منطقه‌ای در یونان].

لوکشمه (♂ هندی) بهروزی جهانیان [از راهبان مشهور بودایی در قرن دوم میلادی]

لوگ (Lugh) (♂ آلمانی) آن درخشنده (صفت خورشید)، از ریشه‌ی ایرلندی باستان.

لوگال زاگسی (♂ سومری) شاهی که مکان مقدس را اشغال می‌کند، از ریشه‌ی سومری لو (مرد)، گال (بزرگ)،  
زاگسی (اشغال کردن مکان مقدس) [شاه اومه در 1123-2340 پ.م].

لوون (Levon) (♂ ارمنی) همان لئون است.

لوی (Levi) (♂ عبری) پیوسته [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

لوید (Lloyd) (♂ آنگلو ساکسون) خاکستری.

لوئیس / لودوویچ / لودویگ / لویی (Ludwig / Lewis / Ludovice / Luis) (♂ آلمانی)  
جنگجوی مشهور، از ریشه‌ی نوردیک باستان lud (جنگجو) و wig (مشهور).

لهابیم (Lehabim) (♂ عبری) شعله [پسر نیزرائیم].

لهراسپ (♂ پارسی) دارای اسب چابک، از ریشه‌ی اوستایی آئوروت (چابک، تندرو) و اسپه (اسب) [از  
پادشاهان کیانی].

لی (Li) (♂ چینی) سیاه، تیز، نیرومند.

لیث (♂ عربی) شیر درنده [یعقوب لیث: بنیانگذار دودمان صفاری].

لیر (Llyr) (♂ سلت) دریا، از ریشه‌ی ولش.

لیکورگوس (Lycurgos) (♂ یونانی) کردار گرگ، از ریشه‌ی یونانی باستان λυκος (گرگ) و εργος  
(کردار، عمل)، در گویش یونانی لوکورگوس خوانده می‌شده است [شاه باستانی اسپارت و واضع اولین قانون  
مدنی اسپارت‌ها].

لیلی (♀ عربی) سیاه (صفت شب)، مست از می، از ریشه‌ی لیل [معشوقه‌ی مشهور قیس بن ملوح (مجنون)].

لیلیت ( Lilith ♀ فنیقی) شب، از ریشه‌ی سامی [زنِ اول حضرت آدم].

لین ( Lynn ♂ آلمانی) آبشار.

لین ( Lin ♂ چینی) جنگل، یشم.

لیندا ( Linda ♀ آنگلو ساکسون) مار، از ریشه‌ی ساکسون linda (نجیب).

## م

مئی (Mei ♀ چینی) پر، بال.

مآت کارع (Maatkare ♀ مصری باستان) روح رع عدالت اس، از ریشه‌ی مصری باستان مات (عدالت)، کا (روح) و رع [لقب حت شپ سوت، ملکه‌ای از دودمان هژدهم].

مآخرورع (Maakherure ♂ مصری باستان) رع صدای راستین است، از ریشه‌ی مصری باستان مآ (راستین)، خرو (صدا) و رع [لقب آمن محت چهارم، از فراعنه‌ی دودمان دوازدهم].

مائوه (Maeve ♀ سلت) مسموم، همان مائب است [ملکه‌ای افسانه‌ای].

مابون (Mabon ♂ سلت) پسر، از ریشه‌ی سلتی.

ماتیلدا (Matilda ♀ آلمانی) قدرت جنگ، از ریشه‌ی آلمانی باستان mat (قدرت) و Hilda (جنگ).

ماتیو (Mathew ♂ عبری) هدیه‌ی خداوند، از ریشه‌ی عبری متی (هدیه دادن) و یهو (بهبود) [از حواریون

مسیح].



ماجد (♂ عربی) بخشنده، اصیل، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی مجد (بزرگی، بخشش) [از القاب خداوند].

مارال (♀ Maral ترکی) آهو.

مارتا (♀ Martha عبری) بانوی خانه، از ریشه‌ی آرامی.

مارس (♂ Mars لاتین) مردانه، از ریشه‌ی لاتینی mas/mar (مرد، نرینه) [خدای جنگ رومیان].

مارکوس (♂ Marcus لاتین) اهلِ مارس، از ریشه‌ی لاتین [آخرین امپراتور بزرگ روم].

ماریا (♀ Maria مصری باستان) آرزومند فرزند، معشوق، از ریشه‌ی مصری باستان مر (عشق) و مری (معشوق) [نام خواهر حضرت موسی].

ماریان (♀ Mariane لاتین) دریایی، از ریشه‌ی لاتین maria (دریا).

ماریکو (♀ Mariko ژاپنی) فرزند توپ.

ماریه (♀ عربی) زن سفید و براق، گاوی ماده که گوساله‌ای بی‌مو و نوزاد داشته باشد [نام همسر قبلی حضرت محمد].

مازن (♂ عربی) تخم مورچه، کتابه به چهره‌ی روشن، اسم فاعل از ریشه‌ی مزن.

ماسویو (♂ Masuyo ژاپنی) افزودن بر جهان.

ماسیست / ماسیس (♂ پارسی) بزرگترین، برترین، شکل یونانی شده‌ی همیشه است [شهبازی پارسی در نبرد پلاته]

ماکارنا ( ♀ Macarena اسپانیایی) محل زندگی رستگاران، از ریشه‌ی makarias (رستگار) که خودش از ریشه‌ی یونانی باستان μακαρος (خوشبخت) مشتق شده.

ماکدا ( ♀ اکدی) جلیل، مجید، از ریشه‌ی سامی اتیوپیایی مَجد (عظمت، شکوه) [ملکه‌ی صبا؟، ملکه‌ی اتیوپی در قرن دهم پ.م].

ماگدالنا ( ♀ Magdalena عبری) ساکن برج، اهل مجدلیه، از ریشه‌ی مَجدگه (برج) که منطقه‌ایست در فلسطین [روسی‌ای که توسط مسیح نجات یافت].

ماگوگ (♂ Magoge عبری) گسترش [پسر یافت، جد چینیان].

مالاچی (♂ Malachi عبری) پیامبر خدا.

مالکوم (♂ Malcolm آنگلو ساکسون) دخمه یا انضباط.

مانتو (♂ Manetho مصری باستان) نگهبان اسبها، از ریشه‌ی مصری [مورخ بزرگ مصری].

مانفرد (♂ Manfred آلمانی) قدرت صلحجو، از ریشه‌ی آلمانی باستان mat (قدرت) و frey (صلح).

مانی (♂ پارسی) [پهلوان ایرانی عصر شاپور ساسانی].

مانی ( ♀ Mani هندی) جواهر، از ریشه‌ی سانسکریت.

ماویس (♂ Mavis گُل - فرانسه‌ی کهن) آواز.

مایا ( ♀ Maia لاتین) بزرگ (صفت بهار)، از ریشه‌ی لاتین.

مایبرع (Mayebre) ♂ مصری باستان) قلب رع بیناست، از ریشه‌ی مصری باستان ما (دیدن)، ایب (قلب)

و رع [لقب ششی، نخستین فرعون هیکسوس و بنیانگذار دودمان پانزدهم].

مایته (Maite ♀ باسک) ماریاترزا

مایکل / میشل / میچل / میخائیل / میگل (Michael) ♂ عبری) چه کسی به خدا شبیه است؟ از ریشه‌ی می

(چه کسی؟) کی (همچون) ال (خدا).

مأمون (♂ عربی) قابل اطمینان، اسم مفعول از ریشه‌ی امن [خلیفه‌ی عباسی].

مبارک (♂ عربی) خجسته، صفت از ریشه‌ی برکت.

مبارگسی (♂ سومری) قانون بر تخت جلوس می‌کند، از ریشه‌ی سومری می (قانون)، باراک (تخت) و سی

(نشستن) [شاه کیش در 2700 پ.م].

مبشر (♂ عربی) نوید دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی بشر.

متقی (♂ عربی) پرهیزکار، اسم فاعل از ریشه‌ی تقی.

متواتاسکه (Methoataske ♀ سرخپوستی) لاک‌پشت تخم می‌گذارد، از ریشه‌ی زبان شاونی.

متوشائل (Metoshael) ♂ عبری) مرد خدا، از ریشه‌ی سامی [پسر قابیل].

متوشلح (Matoshelah) ♂ عبری) فرستاده شده، کسی که بعدش از مرگش خواهد آمد (صفت توفان)

[فرزند شیث].

متوکل (♂ عربی) کسی که به دیگری اعتماد می‌کند، اسم فاعل از ریشه‌ی وکل [از خلفای عباسی].

متوکی (♂ عربی) سرپرست، اسم فاعل از ریشه‌ی ولی.

متیس (Metis) ♂ یونانی) خرد، از ریشه‌ی یونانی باستان μητις (خرد).

متین (♂ عربی) نیرومند، استوار، صفت از ریشه‌ی متن (استواری).

مجاهد (♂ عربی) جهاد کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی جهد.

مُجیب (♂ عربی) پاسخگو، صفت از ریشه‌ی جواب (پاسخ دادن).

مجید (♂ عربی) بلندمرتبه، صفت از ریشه‌ی مجد (بزرگی، عظمت) [از القاب خداوند].

محتشم (♂ عربی) باشکوه، از ریشه‌ی حشم.

محمود (♂ عربی) ستوده شده، اسم مفعول از ریشه‌ی حمد.

مختار (♂ عربی) مستقل، خود محور، صفت از ریشه‌ی اختیار.

مُدبِر (♂ عربی) اندیشمند، صفت از ریشه‌ی عربی دبر (تدبیر کردن) [از القاب خداوند].

مدوزا (Medusa ♀ یونانی) نقشه کشنده، فریبکار، از ریشه‌ی یونانی باستان μεδουσαι (نقشه کشیدن)

[از گورگون‌ها که به دست پرسئوس کشته شد].

مدی (Madai ♂ عبری) میانه [پسر یافت].

مُربط (♂ عربی) کسی که در مرزهای دشمن ساکن است، اسم فاعل از ریشه‌ی ربط [نام دودمانی از جنگجویان شمال آفریقا].

مراد (♂ عربی) مقصود، هدف، خواسته، اسم مفعول از ریشه‌ی رید.

مرداد (♂ پارسی) میرا، در اصل از ریشه‌ی پهلوی امرداد به معنای نامیرا [نام پنجمین ماه سال].

مرداس (♂ عربی) ابزار کشاورزی که برای صاف کردن زمین به کار می‌رود [نام پدر ضحاک].

مرداس (♂ پارسى) میرنده، از ریشه‌ی ایرانی کهن مَر (مردن) [نام پدر ضحاک].

مردان خوره (♂ پارسى) فرهنگِ مردانه، بر ساخته از مردان و خوره/ فرّه [از سرداران فریدون]

مردخای (Mordchai ♂ عبری) بنده‌ی مردوک، از ریشه‌ی بابلی مردوک (اسم خدای بزرگ بابلیان) [عموی استر].

مردوک (♂ بابلی) گوساله‌ی خورشید، تغییر یافته‌ی کلمه‌ی اکدی آمر-اوتوکه از دو بخشِ آمر (گوساله) و اوتو (خدای سومری خورشید) گرفته شده است. این نام در تورات به صورت مروداخ (מְרֹדַח) و در منابع یونانی به شکل مردوخائوس (Μαρδοχαῖος) ثبت شده است. [ایزد بزرگ بابلیان]

مردوک نادین آخه (♂ بابلی) مردوک برادری عطا می‌کند، از ریشه‌ی بابلی مردوک (خدای بزرگ بابلیان)، نادین (عطا می‌کند)، و آخه (برادر) [جانشین نبوکدنصر، شاه بابل].

میرامونرع (Mereramunre ♂ مصری باستان) محبوب آمون رع، از ریشه‌ی مصری باستان میر (محبوب) و آمون رع [لقب ستناخته، از فراعنه‌ی دودمان بیستم].

میرسدس (Mercedes ♀ لاتین) رحم، بخشش، از ریشه‌ی لاتین.

مِرکوری (Mercury ♂ یونانی) بازرگان، از ریشه‌ی یونانی باستان μερκαρι (تجارت) [خدای دانش و تجارت].

مِرلین (Merlin ♂ سلت) دژ دریایی، از ریشه‌ی ولش myr (دریا) و din (دژ، قلعه) [جادوگری افسانه‌ای که مشاور شاه آرتور بود].

مِرِن رِع (Meren-re) ♂♂ مصری باستان) معشوقِ رِع، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِرِن (معشوق) و رِع [از فراغنه‌ی دودمان ششم].

مِرِن پِتَاح (Meryenptah) ♂♂ مصری باستان) محبوبِ پِتَاح، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِرِن (محبوب) و پِتَاح (نام خدایی است) [نام چند تن از فراغنه‌ی دودمان نوزدهم].

مِرِنْفِرْع (Merneferre) ♂♂ مصری باستان) عشقِ رِع زیباست، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِر (عشق)، نفر (زیبا) و رِع [لقب "آی"، از فراغنه‌ی دودمان سیزدهم].

مِرِوان (♂♂ عربی) صندوق، کمد لباس [آخرین خلیفه‌ی اموی].

مِرِوسِرْع (Meruserre) ♂♂ مصری باستان) عشقِ رِع نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِر (عشق)، اوسِر (نیرومند) و رِع [لقبِ یاکوبِ حر، از فراغنه‌ی دودمان پانزدهم].

مِرِی رِع (Mery-re) ♂♂ مصری باستان) محبوبِ رِع، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِرِی (محبوب) و رِع [از فراغنه‌ی دودمان ششم، با نامِ پپی نخست هم شناخته می‌شود].

مِرِی اِیْبِرِع (Meryibre) ♂♂ مصری باستان) قلبِ رِع محبوب است، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِرِی (محبوب)، ایب (قلب) و رِع [نخستین فرعون دودمان نهم].

مِرِی کَارِع (Merykare) ♂♂ مصری باستان) روحِ کا محبوب است، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِرِی (محبوب) و کا (روح) و رِع [از فراغنه‌ی دودمان نهم].

مِرِیامون سِتِپِنِرِع (Meryamunsetepenre) ♂♂ مصری باستان) محبوبِ آمون و برگزیده‌ی رِع، از ریشه‌ی مصری باستانِ مِرِی (محبوب)، آمون، سِتِپِن (برگزیدن)، و رِع [لقب اسکندر مقدونی و فیلیپ آریدایوس، بنیانگذار، و دومین شاه دودمان مقدونی].

مزدک (♂ پارتی) منسوب به مزدا، از ریشه‌ی پهلوی [پیامبر ایرانی عصر قباد ساسانی].

مزهَر (♂ عربی) شکوفه، گل، از ریشه‌ی زهر (گل).

مِسَانِه پادِه (♂ سومری) قهرمان برگزیده‌ی ان، از ریشه‌ی سومری مِس (قهرمان)، ان (خدای آسمان)، و پادِه (برگزیده) [شاه اور در 2550 پ.م].

مستَجیر (♂ عربی) پناهنده، زنه‌ار خواهنده، از ریشه‌ی جار.

مسرور (♂ عربی) خوشنود، صفت از ریشه‌ی سرور [اسم جلاد هارون‌الرشید].

مَسعود (♂ عربی) نیکبخت، اسم مفعول از ریشه‌ی سعد (خوشبختی) [شاه غزنوی].

مِسْکَلِم دَوگ (♂ سومری) قهرمان خوب شرق، از ریشه‌ی سومری مِس (قهرمان)، کَلِم (شرق) و دَوگ (خوب) [شاه اور در 2550-2600 پ.م].

مِسوتیرِ (Mesutire) (♂ مصری باستان) نوزادِ رع، از ریشه‌ی مصری باستان مِسوت (نوزاد) و رع [لقب کمبوجیه، اولین فرعون دودمان بیست و هفتم].

مسیح (♂ عربی) لمس شده توسط خداوند، تقدیس شده، برگرفته از لقب کوروش در تورات: מָשִׁיחַ

مشتاق (♂ عربی) علاقه‌مند، صفت از ریشه‌ی شوق.

مَشِخ (Meshekh) (♂ عبری) بیرون کشیده شده.

مشکور (♂ عربی) کسی که مورد سپاسگزاری واقع شده، اسم مفعول از ریشه‌ی شکر.

مِشولام (Meshullam) (♂ عبری) پرداخته شده، ارزشمند.

مِشی / موسی (Moses) (♂ عبری) از آب گرفته شده، از ریشه‌ی عبری مِشی (آب) [پیامبر یهود].

مَشِيرٌ (عربی) طرفِ مشورت، از ریشه‌ی شور.

مُصَدِّقٌ (عربی) راستگو، اسم فاعل از ریشه‌ی صدق.

مِصْطَفَى (عربی) برگزیده، اسم مفعول از ریشه‌ی صفو.

مِصْطَفَى (عربی) برگزیده، اسم مفعول از ریشه‌ی صفی (برگزیدن) [لقب حضرت محمد].

مُصْعَبٌ (عربی) شتر نر سرکش، اسبی که زیر زین نرفته [مصعب بن عمیر: از صحابی].

مِصِيبٌ (عربی) راستگو، اسم فاعل از ریشه‌ی صوب (صواب).

مِظْهَرٌ (عربی) محل آشکار شدن، اسم مکان از ریشه‌ی ظهر (ظهور).

مُعَاذٌ (عربی) پناهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی عوض.

مِعَاوِيَهٌ (عربی) توله روباه [اولین خلیفه‌ی اموی].

مِعْتَصِمٌ (عربی) نگاه دارنده از گناه، اسم فاعل از ریشه‌ی عصم [از خلفای عباسی].

مُعْزٌ (عربی) گرامی دارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی عزز (گرامی داشتن) [از القاب خداوند].

مِعْصُومٌ (عربی) بی‌گناه، اسم مفعول از ریشه‌ی عصم.

مِعْصُومَهٌ (عربی) بیگناه، اسم مفعول از ریشه‌ی عصمت.

مُعَمَّرٌ (عربی) کلان‌سال، کسی که زیاد عمر کند، اسم فاعل از ریشه‌ی عمر.

مَعْنٌ (عربی) بلند و کوتاه، کم و زیاد.

مَعِينٌ (عربی) یاور، همراه، اسم فاعل از ریشه‌ی عون.



مغنی (♂ عربی) بخشنده‌ی ثروت، خواننده‌ی سرود، اسم فاعل از ریشه‌ی غنا.

مُغیرة (♂ عربی) بسیار تاخ و تاز کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی غور.

مفید (♂ عربی) سودمند، صفت از ریشه‌ی فید (فایده).

مقداد (♂ عربی) بسیار قطع کننده، از ریشه‌ی کَنده، صفت از ریشه‌ی قدّ.

مقدم (♂ عربی) پیشتاز، پیشرو، صفت از ریشه‌ی قدم [از القاب خداوند].

مقصود (♂ عربی) هدف، آماج، اسم مفعول از ریشه‌ی قصد.

مُکرم (♂ عربی) ارجمند، بخشنده، اسم فاعل از ریشه‌ی کرم.

مگابیز (♂ پارسی) بخشش خداوند، خداداد، تحریفِ یونانیِ نام پارسی باستانِ بگه‌بخشه که از دو کلمه‌ی بگه

(بغ، خدا) و بَخشه (بخشش، داده شده) تشکیل یافته [از اشراف مهم دوران هخامنشی]

مگابرن (♂ پارسی) شکوه خداوند، فره‌مندیِ بغ، تحریف شده‌ی یونانیِ اسم پارسی باستانِ بگه‌فرنه که از بگه

(بغ، خدا) و فرنه (فره‌مندی، شکوه) تشکیل یافته [پسر راشتی‌ویگه، آخرین شاه ماد]

مُلحِم (♂ عربی) کسی که بدن پر گوشت دارد، صفت از ریشه‌ی لحم (گوشت).

ملقارت آزر (♂ Melquartazar فنیقی) ملقارت یاری کرد، از ریشه‌ی سامی آزر (کمک کردن).

ملقارت‌شما (♂ Melquartshema فنیقی) ملقارت (دعاهای ما را) شنید.

ملک (♂ عربی) دارنده، شاه، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی ملک (داشتن) [از القاب خداوند].

مَلکُوس (♂ پارسی) مرگ، از ریشه‌ی اوستایی مَهْرُکَسَه (مرگ‌آور) [قاتل زرتشت].

ملوبوسیس (♂ Melobosis یونانی) بارور همچون میوه.

مِلیسئوس (Mellisseus) ♂ یونانی) مردِ عسلی، از ریشه‌ی یونانی باستان mellis (عسل، شیرین).

مَمْنُون (Memnon) ♂ یونانی) با اراده، مصمم، از ریشه‌ی یونانی باستان μἠμνον (اراده) [پادشاه اتیوپی

در اودیسه].

مَنَات (♀ عربی) بخت، تقدیر، از ریشه‌ی مُنیة [بت مشهور اعراب جاهلی]

مِناهِم / مِناخیم (Menahem) ♂ عبری) آرامش دهنده، راحت کننده.

مِنیخْتیرِع (Menpehtyre) ♂ مصری باستان) نیروی رع جاودان است، از ریشه‌ی مصری باستان مِ

(جاویدان)، پِختی (قدرت) و رع [لقب رامسس اول، نخستین فرعون دودمان نوزدهم].

مِنتو حوتِپ (Mentuhotep) ♂ مصری باستان) منتو راضی است، از ریشه‌ی مصری باستان منتو (اسم

خدایی است) و حوتپ (راضی بودن) [نام چند تن از فراعنه‌ی دودمان یازدهم].

مِنیخِپَرِع (Menkheperre) ♂ مصری باستان) جلوه‌ی رع جاویدان است، از ریشه‌ی مصری باستان مِ

(جاویدان) خِپَر (ظهور) و رع [لقب توت‌موزیس سوم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

مِنیخِپَرورِع (Menkheperure) ♂ مصری باستان) تجلیات رع جاویدان است، از ریشه‌ی مصری باستان

مِن (جاویدان)، خِپَر (ظهور) و رع [لقب توت‌موزیس چهارم، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

مُنذَر (♂ عربی) تهدید کننده، هشدار دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نذر [نعمان بن منذر: امیر افسانه‌ای یمن].

مَنَسِه (Manasa) ♂ عبری) فراموش سازنده [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

مِناصور (♂ عربی) پیروز، اسم مفعول از ریشه‌ی نصر.

مُنعم (♂ عربی) برخوردار، ثروتمند، صفت از ریشه‌ی نعمت.

مِنکاوحور (Menkauhor ♂♂ مصری باستان) ارواح هوروس جاویدان هستند، از ریشه‌ی مصری باستان  
مِن (جاویدان) و کا (روح) و حور (هوروس، خدای خورشید) [از فراغنه‌ی دودمان پنجم].

مِنکورع (Menkaure ♂♂ مصری باستان) جاودان همچون روح رع، از ریشه‌ی مصری باستان مَن  
(جاویدان) و کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان چهارم و سازنده‌ی یکی از هرمهای سه گانه].

مَنگو تیمور (♂♂ ترکی) آهن جاویدان، از ریشه‌ی ترکی مَنککو (جاویدان) و تیمور (آهن) [پسر هلاکو].

مَنگو قآن (♂♂ ترکی) شاه جاویدان، از ریشه‌ی ترکی مَنککو (جاویدان) و قآن (شاهنشاه) [پسر تولو و نوه‌ی  
چنگیز].

مَنگو (♂♂ ترکی) جاویدان، از ریشه‌ی ترکی مَنککو (جاویدان) [پسر تولو و نوه‌ی چنگیز].

مِنلائوس (Menelaus ♂♂ یونانی) کسی که در کنار مردم ایستاده، از ریشه‌ی یونانی باستان μενει  
(ایستادن) و λαοσ (مردم) [پهلوانی یونانی در نبرد تروا].

مِنموزینه (Mnemosyne ♀♀ یونانی) حافظه، از ریشه‌ی یونانی μνημοσυνη (حافظه) [مادر موزها].

مَنوچهر (♂♂ پارسی) از نژاد مَنوش، از ریشه‌ی اوستایی مَنوش (نام جد لهراسپ) و چِشَرَه (نژاد، دودمان)  
[پادشاه کیانی].

مُنیب (♂♂ عربی) جانشین، باران زیاد، اسم فاعل از ریشه‌ی نیب (نایب).

مِنیپه (Menippe ♀♀ یونانی) قدرت اسبها، از ریشه‌ی یونانی باستان μενεσ (قدرت) و ιπποσ' (اسب).

مُنیر (♂♂ عربی) نورانی، صفت از ریشه‌ی نور.

مِنیژه (♀♀ پارسی) از نژاد مَنوش، شکل مادینه‌ی منوچهر.

مَنیشِ توسو (♂ اکدی) همراهش کیست؟، از ریشه‌ی اکدی مَنی (کیست؟) و توسو (همراه) [امپراتور اکد و پسر شروکین].

مو (♂ Mu چینی) چوب.

موئرا (♀ Moera یونانی) مرحله، از ریشه‌ی یونانی باستان μoηρα (دوره‌ی زندگی) [ایزدبانوهای سرنوشت].

موآب (♂ Moab عبری) آرزو [از قبایل کنعانی].

مورانا (♀ Morana اسلاو) مرگ (صفت زمستان)، از ریشه‌ی روسی.

موریکو (♀ Moriko ژاپنی) فرزند جنگل.

موریگان (♀ Morrigan سلت) ملکه‌ی بزرگِ جنگجو، از ریشه‌ی ایرلندی باستان mhor (بزرگ) و rioghain (ملکه‌ی جنگجو) [ملکه‌ای در انگلستان سلت].

موسکوکوان (♂ Muscovequan سرخپوستی) تیغِ سخت، از ریشه‌ی کری [رهبر قبیله‌ی کری در قرن نوزدهم].

موکوش (♀ Mokosh اسلاو) خیس، مرطوب (صفت چیزهای بارور)، از ریشه‌ی روسی.

مولوتوف (♂ Molotoff اسلاو) چکش [رهبر شوروی].

مونتسرات (♀ Montserrat اسپانیایی) کوه دندان‌دار، نام کوهی است نزدیک بارسلون، از ریشه‌ی لاتین mont (کوه) و serrata (دندان‌دار)

مونس (♂ عربی) همدم، اسم فاعل از ریشه‌ی انس.

مویرگن (♀ Muirgen سلت) زاده‌ی دریا، از ریشه‌ی سلتی muir (دریا) و gen (زادن).

مویریان (♀ Muireann سلت) دریای پاک، از ریشه‌ی سلتی muir (دریا) و fionn/eann (سفید، پاک) [مادر فیون مک کومایل در اساطیر ایرلندی].

مهاثما (♂ Mahatma هندی) روح بزرگ، از ریشه‌ی هندی مها (بزرگ) و آتمَن (روح) [رهبر جنبش استقلال هند].

مهارته (♂ هندی) دارنده‌ی گردونه‌ی بزرگ، از ریشه‌ی سانسکریت مها (بزرگ) و رته (گردونه) [پهلوان ودایی و بزرگترین پسرِ رئیس قبیله‌ی کورو]

مهاده (♂ هندی) خدای بزرگ، بر ساخته از مها (بزرگ) و دوه (خدا) [بنیانگذار فرقه‌ی بودایی چایتیکه]

مهاویره (♂ هندی) قهرمان، ابرمرد، در سانسکریت (महावीर) از ریشه‌ی مها (بزرگ) و ویره (مرد) [بنیانگذار کیش جین در هند قرن شش و پنجم پ.م.]

مُهدی (♂ عربی) هدایت شده، صفت از ریشه‌ی هدی.

مُهدب (♂ عربی) پاکیزه، بی‌عیب، صفت از ریشه‌ی هذب.

مهسا (♀ پارسی) همچون ماه، از ریشه‌ی پارسی ماه و پسوند شباهت (-سا).

مهلائیل (♂ Mahlael عبری) ستایش خداوند، از ریشه‌ی عبری مهلا (ستایش) و ایل (خدا) [فرزند شیث].

مُهَّنَا (♂ عربی) شادمان، گوارا، اسم فاعل از ریشه‌ی هنی.

مهوجائل (♂ Mehojael) (عبری) خدا می‌جنگد، از ریشه‌ی عبری مهوجا (جنگیدن) و ایل (خدا) [پسر قابیل].

مهیتابل (♂ Mehitabel) (عبری) خدا شادمان می‌سازد، از ریشه‌ی عبری مهیتا (شادمان کردن) و ایل (خدا).

میا (♀ Mia) مال من، از ریشه‌ی لاتین.

میاکو (♀ Miyako) (ژاپنی) فرزند زیبای اسفند.

میبل (♂ Mabel) (گل - فرانسه‌ی کهن) مستخدم امین من، از ریشه‌ی گل m' (ضمیر ملکی اول شخص) و abel (مستخدم).

میتسوکو (♀ Mitsuko) (ژاپنی) فرزند نور.

میتاق (♂ عربی) پیمان، اسم مکان از ریشه‌ی وثق (وثیقه).

میچیکو (♀ Michiko) (ژاپنی) فرزند زیبای خردمند.

میدوری (♀ Midori) (ژاپنی) سبز.

میرزا (♂ پارسی) امیرزاده، بزرگ مرتبه، شکل کوتاه شده‌ی امیر زاده است.

میرمدون (♂ Myrmedon) (یونانی) مردم مورچه، از ریشه‌ی یونانی باستان μύρμεκος (مورچه) [نام قبیله‌ای در یونان].

میرن ( ♀ Miren باسک) ماریا

میعاد ( ♂ عربی) محل بازگشتن، اسم مکان از ریشه‌ی عود.

میگاه ( ♂ Mikah عبری) کسی که شبیه یهوه است (مایکل).

میکی ( ♀ Miki ژاپنی) تنه‌ی درخت.

میلاَد ( ♂ پارسی) هدیه‌ی ایزدِ مهر، مهرداد، زاده شده، زاد روز، از ریشه‌ی یلْدِ عبری به معنای تولد آمده است  
اما گاه به عنوان شکل تغییر یافته‌ی مهرداد در نظر گرفته می‌شود [پدر گرگین].

میلاَد ( ♂ عربی) محل/زمان زاده شدن، اسم زمان از ریشه‌ی ولد.

میلاگروس ( ♂ Milagros اسپانیایی) معجزه، از ریشه‌ی لاتین.

میمون ( ♂ عربی) مبارک، فرخنده، اسم مفعول از ریشه‌ی یمن.

مینا ( ♀ پارسی) آسمانی، شیشه‌ای، از ریشه‌ی پهلوی مینوگ (آسمان، گنبد فلک) (قدما جنس آسمان را از  
سنگ یا شیشه می‌دانستند).

مینا ( ♀ Meena هندی) ماهی، از ریشه‌ی سانسکریت.

مینروا ( ♀ Minerva لاتین) خردمند، از ریشه‌ی یونانی ΜΕΝΕΣ (اندیشه، خرد) [ایزدبانوی صنعت و کار  
دستی].

مینگ ( ♀ Ming چینی) درخشان، روشن.

مینوتور (Minotaur ♂) یونانی) گاو کوچک، از ریشه‌ی یونانی باستان μινος (کوچک) و ταυρος

(گاو) [دیوی با بدن انسان و سر گاو که فرزند پادشاه کرت بود و تزئوس کشته شد].

مینورو (Minoru ♂ ژاپنی) بذر.

مؤمن (عربی ♂) ایمان آورنده، باتقوا، اسم فاعل از ریشه‌ی آمن.

مؤید (عربی ♂) تأیید کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی أید (تأیید).



# ن

نئوس (Neus ♀ اسپانیایی) برف، از ریشه‌ی لاتین.

نائل (♂ عربی) گردآورنده‌ی چیزی، اسم فاعل از ریشه‌ی نیل.

نائوکو (Naoko ♀ ژاپنی) فرزند مطیع.

نائومی (Naomi ♀ ژاپنی) زیبا، برتر.

ناپلئون (Napoleon ♂ یونانی) شیر ناپل، از ریشه‌ی یونانی باستان νεαπολις (ناپل = شهر جدید) و leon (شیر) [امپراتور فرانسه و فاتح اروپا].

ناپیر آسو (♀ ایلامی) ماه بانو، از ریشه‌ی ایلامی [زن اونتاش ناپیریشا].

ناتالی (Nathalie ♀ لاتین) کریسمس،

ناتان (Nathan ♂ عبری) بخشنده.

ناتسوکو (Ntsuko ♀ ژاپنی) فرزند تابستان.

ناثر (♂ عربی) نویسنده‌ی نثر، اسم فاعل از ریشه‌ی نثر.

ناجی (♂ عربی) نجات دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نجیب (نجات).

ناحور (Nahur ♂ عبری) کسی که خرناس می‌کشد.

ناحوم (Nahum ♂ عبری) غمخوار.

ناختحورحب (Nakhthorheb ♂ مصری باستان) سرور او، هوروس، نیرومند است، از ریشه‌ی مصری

باستان ناخت (نیرومند)، حور (هوروس) و حب (سرور) [آخرین فرعون دودمان سی ام].

ناختنِیف (Nakhtnebef ♂ مصری باستان) سرور او نیرومند است، از ریشه‌ی مصری باستان ناخت

(نیرومند) و نب (سرور) [از فراعنه‌ی دودمان سی ام].

ناخوئته‌وتو (♀ ایلامی) کسی که زهدانش همچون خورشید است، از ریشه‌ی ایلامی ناخوئته (خورشید) و

وتو (زهدان) [زن شیلهاک اینشوشیناک].

نادر (♂ عربی) کمیاب، برجسته، اسم فاعل از ریشه‌ی ندرت.

نادیا (♀ Nadia اسلاو) اسیر،

نارایان (Narayan ♂ هندی) زاده‌ی مرد، از ریشه‌ی سانسکریت [صفت برهما]

نارسه (♀ Narceae یونانی) بی‌حس کننده.

نارمر (Narmer ♂ مصری باستان) گربه ماهی مهاجم [نخستین فرعون مصر].

نازک (♂ پارسی) دوست داشتنی و زیبارو [خان سغد و بلخ که در 708 م مهاجمان عرب را از این منطقه

بیرون راند]

ناسق (♂ عربی) منظم کننده، تنظیم کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی نسق.

ناصح (♂ عربی) نصیحت کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی نصح.

ناظم (♂ عربی) نظم دهنده، اداره کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی نظم.

ناکجِ نبتِ نفر (Naktjnebtnefer) ♂ مصری باستان) قهرمان زیبا و نیرومند، از ریشه‌ی مصری

باستان ناکج (قهرمان)، نبت (نیرومند) و نفر (زیبا) [از فراغنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش ایتف سوم است].

نانا (♀ Nana ژاپنی) سیب.

ناناشی (♀ Nanashi ژاپنی) بی‌نام.

ناهوئته / ناخوئته (♂ ایلامی) خالق روز، از ریشه‌ی ایلامی ناهونده (خالق روز) [خدای خورشید].

ناهی (♂ عربی) نهی کننده، بازدارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نهی.

ناهید (♀ پارسی) بی‌آلایش، پاکیزه، شکل کوتاه شده‌ی آناهیتا [نام سیاره‌ی زهره].

نایلی (♀ Nayeli سرخپوستی) دوستت دارم، در زبان زاپوتک.

نبت حتپ رع (Nebhetepre) ♂ مصری باستان) سرورمان رع خوشنود است، از ریشه‌ی مصری باستان

نبت (سرور)، حتپ (راضی است) و رع [از فراغنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش متوحوتپ اول است].

نبت مات رع (Nebmaatre) ♂ مصری باستان) رع سرور عدالت است، از ریشه‌ی مصری باستان نبت

(سرور)، مات (عدالت)، و رع [لقب رامسس ششم، از فراغنه‌ی دودمان بیستم].

نَبِیج تیرِع (Nebepehtyre) ♂ مصری باستان) رع ارباب قدرت است، از ریشه‌ی مصری باستانِ نب (سرور)، پحتی (نیرو) و رع [لقب آحموسه از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

نَبْتاویرع (Nebtawyre) ♂ مصری باستان) رع ارباب دو سرزمین است، از ریشه‌ی مصری باستانِ نب (سرور)، تاوی (دو سرزمین) و رع [آخرین فرعون دودمان یازدهم، لقب مشهورترش متوحوتپ سوم است].

نَبْخپرورِع (Nebkheperure) ♂ مصری باستان) رع سرورِ تجلیات است، از ریشه‌ی مصری باستانِ نب (سرور)، خپر (ظهور) و رع [لقب توتانخامون، از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

نَبْکاورِع (Nebkaure) ♂ مصری باستان) ارواح رع زرین هستند، از ریشه‌ی مصری باستانِ نوب (طلایی) و کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان دهم].

نَبْپولسر (♂ بابلی) ای نبو پسر م را حفظ کن، از ریشه‌ی بابلی نبو (از خدایان)، اپله (پسر م را) و اوسور (حفظ کن) [رهبر قبایل کلدانی و شاه بابل در اوایل قرن هفتم پ.م].

نَبْوگَدَنصر / بُخت‌النصر (♂ بابلی) ای نبو فرزندانم را حفظ کن، از ریشه‌ی بابلی نبو (اسم خدایی ست)، کودور (حفظ کن)، و اوسوری (فرزندانم) [شاه بابل در 1141-1103 پ.م].

نَبْونعید (♂ بابلی) نبو مرا متعالی ساخت، از ریشه‌ی بابلی نبو (از خدایان) و نعید (متعالی ساختن) [آخرین شاه بابل].

نَبهان (♂ عربی) زیرک و باشرف [جد جاهلی قبیله‌ی طی].

نَبیل (♂ عربی) شریف و فاضل، صفت از ریشه‌ی نبیل.

نَبْجَاد (♂ عربی) بسیار نیرومند و دلیر، اسم فاعل از ریشه‌ی نجد.

نَجْرِي - خِت (Netjeri-khet) ♂ (مصری باستان) دارای کالبد الهی، از ریشه‌ی مصری باستان نَجْر

(الهی) و خِت (بدن) [از فراعنهی دودمان سوم، که بیشتر با اسم یونانی زوسر یا جوسر شهرت دارد].

نَجِیب (♂ عربی) اشرافزاده، بزرگوار، صفت از ریشه‌ی نَجَب (نجات).

نَرَام سِین (♂ اکدی) محبوب سین، از ریشه‌ی اکدی نَرَام (محبوب) و سِین (خدای ماه) [امپراتور اکد در

2254-2218 پ.م].

نَرگَس (♀ پارسی) نام گلی است که به زیبایی شهرت دارد، برگرفته از شکل یونانی اسم اوستایی نریوسنگ.

نَرَسِه (♂ پارسی) جلوه‌ی مردانه، زیبایی انسانی، مشتق شده از اسم فرشته‌ای اوستایی (نریوسنگه) که واسطه‌ی

انسان و خداوند است.

نارسیس (♂ یونانی و ارمنی) از ریشه‌ی یونانی (ναρσισος)، در اساطیر یونانی مرد جوان زیبارویی بود که

عاشق تصویر خود شد. این واژه در یونانی از نریوسنگ / نرسه‌ی پارسی وامگیری شده است.

نَرِیاه (Neriah) ♂ (عبری) بره‌ی یهوه، از ریشه‌ی عبری نری (بره) و یاه (یهوه).

نِسا / نِسو (Nesaea/Neso-ز-م) جزیره.

نَسْبَانِبْجِد (Nesbanebdjed) ♂ (مصری باستان) آن که به رام، سرورِ مَنَدِسِ مربوط است، از ریشه‌ی

مصری باستان نَسْبَا (مربوط بودن به خدای رام)، نِب (سرور)، و جِد (اسم دیگر شهر مندس) [لقب سِمنَدِس

اول، از فراعنهی دودمان بیست و یکم].

نِصُوح (♂ عربی) اندرز دهنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نِصَح.

نِصِیب (♂ عربی) بر پای دارنده، اسم فاعل از ریشه‌ی نِصَب.

نِظِیف (♂ عربی) تمیز، پاکیزه، صفت از ریشه‌ی نِظَف.

نُعامه (♂ ♀) (عربی) شتر مرغ.

نِفارود (Nefaarud) (♂) (مصری باستان) ثروتِ بزرگان، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِف (ثروت) و رود (بزرگان) [از فراعنه‌ی دودمان بیست و نهم].

نفتالی (Naphtali) (♂) (عبری) چیزی که هنگام کشتی گرفتن به دست آمده، مبارز [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

نِفرتاری (Neferkari) (♀) (مصری باستان) زیباترین، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِفِر (زیبا) و تاری (پسوند مخصوص صفت برتر) [ملکه‌ای مصری].

نِفرتی تی (Nefertiti) (♀) (مصری باستان) آن زیبا می‌آید، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِفِر (زیبا) و تی (آمدن) [ملکه‌ای از دودمان هژدهم، زنِ آخن‌آتون].

نِفِر حوتِپ (Neferhotep) (♂) (مصری باستان) زیبای خوشنود، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِفِر (زیبا) و حوتِپ (خوشنود) [نام دو تن از فراعنه‌ی دودمان سیزدهم].

نِفِر خِپِرورِع (Neferkheperure) (♂) (مصری باستان) تجلیاتِ رع زیبا هستند، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِفِر (زیبا)، خِپِر (ظهور) و رع [لقب آخناتن، از فراعنه‌ی دودمان هژدهم].

نِفِر فِرِع (Neferefre) (♂) (مصری باستان) رع زیباست، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِفِر (زیبا) و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

نِفِر کَارِع (Neferkare) (♂) (مصری باستان) روح رع زیباست، از ریشه‌ی مصری باستانِ نِفِر (زیبا) و کارِع (روح) و رع [آخرین فرعون دودمان ششم، با نام پپی دوم هم شناخته می‌شود].

نفریرکارِع (Neferirkare) ♂ مصری باستان) روح رع زیباست، از ریشه‌ی مصری باستان نفر (زیبا) و کا (روح) و رع [از فراغنه‌ی دودمان پنجم].

نلسون (Nelson) ♂ آلمانی) پسر نیل، از ریشه‌ی ساکسونی nel (اسم) و son (پسر).

نماح (Nemah) ♂ عبری) شیرینی [همسر نوح].

نمّیم ساف (Nemtiemsaf) ♂ مصری باستان) نمّی حافظ اوست، از ریشه‌ی مصری باستان نمّی (اسم خدایی ست) و امّساف (نگهبان او) [نام دیگر مرن رع است].

نمّرتس (Nemertes) ♂ یونانی) خطاناپذیر.

نمّیس (Nemesis) ♀ یونانی) انتقام، از ریشه‌ی یونانی νημεσις (انتقام) [ایزدبانوی خشم و انتقام، زن زئوس].

نو (Nuó) ♀ چینی) پرافتخار.

نوئل (Noel) ♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) کریسمس، از ریشه‌ی عبری.

نوادا (Nuada) ♂ سلط) نگهبان، از ریشه‌ی سلطی [خدای پشتیبان و رهبر تواتا دنوان].

نوبخپرِع (Nubkheperre) ♂ مصری باستان) رع همچون طلا هستی می‌یابد، از ریشه‌ی مصری باستان نوب (طلایی)، خپر (هستی یافتن) و رع [لقب اینتف هفتم، از فراغنه‌ی دودمان هفدهم].

نوبکاورِع (Nubkaure) ♂ مصری باستان) ارواح رع زرین هستند، از ریشه‌ی مصری باستان نوب (طلایی) و کا (روح) و رع [لقب آمنحت دوم، از فراغنه‌ی دودمان دوازدهم].

نوب‌مات‌رع (Nubmaatre) ♂♂ (مصری باستان) رع سرور عدالت است، از ریشه‌ی مصری باستان نب

(سرور، مات (عدالت) و رع [لقب آمن حوتپ سوم، از فراغنه‌ی دودمان هژدهم].

نوبو (Nobu) ♂♂ (ژاپنی) گسترش.

نوح (Noah) ♂♂ (عبری) آسودگی [پیامبر عبرانی].

نوذَر (♂♂ پارسی) از ریشه‌ی اوستایی نئوترَه [نام خاندان گشتاسپ].

نوری (Nori) ♂♂ (ژاپنی) قانون.

نوریا (♀ Nuria اسپانیایی) [صومعه‌ایست در اسپانیا که تندیس مریم باکره‌اش مشهور است].

نوفَل (♂♂ عربی) جوان زیبارو.

نوویو (Novio) ♂♂ (اسپانیایی) دوست پسر، از ریشه‌ی اسپانیایی.

نویان (♂♂ ترکی) امیر سپاه.

نویل (Nevil) ♂♂ (گل - فرانسه‌ی کهن) شهر جدید، از ریشه‌ی سلتی ne (جدید) و vil (شهر).

نهمیه (Nehemiah) ♂♂ (عبری) کسی که توسط یهوه آسوده گشته، از ریشه‌ی عبری نوح (آسوده) و یاه (یهوه).

نیام (♀ Niamh سلت) درخشان، روشن، از ریشه‌ی سلتی [دختر خدای دریا].

نیبلونگن (Nibelungen) ♂♂ (آلمانی) پسران مه [اسم اپرای مشهور واگنر].

نیبوری (Nibori) ♂♂ (ژاپنی) برخاسته به جاه.

نیرَم / نَریمان (♂♂ پارسی) مردانه، از ریشه‌ی پارسی نری (نرینه، مرد) و مان (پسوند نسبت) [از پهلوان شاهنامه].



نیزرائیم (Nizraem) ♂ (عبری) آزار و اذیت [پسر کوش، جد مصریان].

نیکه (Nike ♀ یونانی) پیروزی، از ریشه‌ی یونانی باستان νίκη (پیروزی) [ایزدبانوی پیروزی].

نیل / نیگل (Neil/ Nigel) ♂ (آنگلوساکسون) قهرمان.

نی‌مات‌رع (Nymaatre) ♂ (مصری باستان) متعلق به عدالت رع، از ریشه‌ی مصری باستان نی (متعلق به) مات (عدالت) و رع [لقب آمن‌محت سوم، از فراعنهی دودمان دوازدهم].

نیمرود (Nimrud) ♂ (عبری) شکارچی [پسر کوش].

نینا (Nina ♀ بابل) تله‌ی ماهیگیری، از ریشه‌ی بابل [ایزدبانوی نگهبان شهر نینوا و نماد باروری].

نینجر (Ninetjer) ♂ (مصری باستان) خداگونه، از ریشه‌ی مصری باستان [از فراعنهی دودمان دوم].

نین‌خورساگ (Nin ♀ سومری) بانوی کوهستان، از ریشه‌ی سومری نین (بانو) و خورساگ (کوهستان) [خدای باروری و زایمان].

نینگ (Ning ♀ چینی) صلح، آرامش.

نین‌گیرسو (Nin ♀ سومری) بانوی گیرسو (اسم محله‌ای در دولت‌شهر لاگاش) [ایزدبانوی جنگ].

نین‌لیل (Nin ♀ سومری) بانوی آسمان، از ریشه‌ی سومری نین (بانو) و لیل (آسمان) [ایزدبانوی پدیده‌های جوی].

نیو (Niu ♀ چینی) دختر.

نیوس (Nieves) ♂ (اسپانیایی) برفها، از ریشه‌ی لاتین.

نیوسرع (Niuserre) ♂ مصری باستان) دارای قدرت رع، از ریشه‌ی مصری باستان نیوسر (حامل قدرت)

و رع [از فراعنه‌ی دودمان پنجم].

## و

وئی (Wei ♂ چینی) بزرگ، قوی.

واپ واپ (Wapvawet) گشاینده‌ی راه [راهنمای قایق مردگان].

واپاشا (Wapasha ♂ سرخپوستی) برگ سرخ، از ریشه‌ی داکوتا [چند تن از روسای قبیله‌ی سو].

واثق (♂ عربی) اعتماد کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی وثق.

واجخپر (Wadjkheperre ♂ مصری باستان) ظهور رع شکوفاست، از ریشه‌ی مصری باستان واج

(شکفتن)، خپر (هستی یافتن) و رع [لقب کاموسه، آخرین فرعون از دودمان هفدهم].

واجد (♂ عربی) دارنده، توانگر، اسم فاعل از ریشه‌ی وجد.

واجکار (Wadjkare ♂ مصری باستان) روح رع کامیاب است، از ریشه‌ی مصری باستان واج (کامیابی)

و کا (روح) و رع [اولین فرعون دودمان هفتم].

واخانک (Wahankh ♂ مصری باستان) دارای زندگی قدرتمند، از ریشه‌ی مصری باستان واح (نیرومند)

و آنخ (حیات) [از فراعنه‌ی دودمان یازدهم، لقب مشهورترش ایتف دوم است].

واحد (♂ عربی) یکتا، اسم فاعل از ریشه‌ی وحد (یک) [از القاب خداوند].

واحیْبِرِع (Wahibre) (♂ مصری باستان) قلب رع پاینده است، از ریشه‌ی مصری باستان واح (پاینده)، ایب

(قلب) و رع [لقب پسامتیک نخست، و چهارمین فرعون دودمان بیست و هفتم].

وارتوهی (♀ Vartouhi ارمنی) بانوی گل سرخ.

وارث (♂ عربی) ارث برنده، اسم فاعل از ریشه‌ی ورث (به ارث بردن).

وارن (Warren) (♂ گُل - فرانسه‌ی کهن) محل بازی.

وارن (Warren) (♂ آلمانی) چهار دیواری.

وارونا (♂ هندی) استوار دارنده، محکم کننده، از ریشه‌ی هند و ایرانی ور- به معنای گره زدن و بستن [در

وداها वरुण ایزد گنبد آسمان و حامی نظم و قانون آسمانی است]

واسع (♂ عربی) در بر گیرنده، اسم فاعل از ریشه‌ی وسع (گستردن) [از القاب خداوند].

واسکو/ولاسکوئز (Velasquez/Vasco) (♂ اسپانیایی) کلاغ، از ریشه‌ی اسپانیایی.

واصل (♂ عربی) رسیده، متصل شده، اسم فاعل از ریشه‌ی وصل.

واعظ (♂ عربی) موعظه کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی وعظ.

واقد (♂ عربی) فروزنده‌ی آتش، اسم فاعل از ریشه‌ی وقد.

والتر/ والت (Walt/ WALTER) (♂ آلمانی) قانون مردم،

والتر (Walter) (♂ آلمانی) قانون مردم، از ریشه‌ی آلمانی wal (قانون) و ter/der (مردم).

والتیانوس / والنس (Valentianus/ Valence ♂ لاتین) قدرتمند، سالم، از ریشه‌ی لاتین valent (توانایی) [امپراتور روم که به ایران حمله کرد و از پاپور ساسانی شکست خورد].

والکیرا (Valkyra ♀ آلمانی) برگزینده‌ی کشته شدگان، از ریشه‌ی نوردیک باستان valr (مقتول) و kyrja (برگزیننده) [ایزدبانویی که پهلوانان کشته شده در میدان نبرد را به بهشت ژرمن‌ها (والهالا) راهنمایی می‌کند].

والنسیا (Valencia ♀ اسپانیایی) قدرت، از ریشه‌ی لاتین valent (قدرت).

والی (عربی ♂) حاکم، جانشین شاه، اسم فاعل از ریشه‌ی ولی.

واهان (Vahan ♂ ارمنی) پسر.

واهاراگن (Vaharagen ♂ ارمنی) همان بهرام پارسی است.

واهب (عربی ♂) بخشنده، اسم فاعل از ریشه‌ی وهب (موهبت).

واین (Wayne ♂ آنگلساکسون) ارابه‌ساز.

وایو (پارسی ♂) باد [ایزد باد و توفان در ایران باستان]

وجیه (عربی ♂) خوشرو، زیبارو، صفت از ریشه‌ی وجه.

وحید (عربی ♂) یکتاپرست، یگانه، صفت از ریشه‌ی وحد (وحدت).

وَحْشِ آرْتَه (پارسی ♂) آورنده‌ی پارسایی، در پارسای باستان از دو بخشِ وَخْشُو (آورنده) و آرْتَه (پارسایی)

تشکیل یافته [برادر داریوش سوم هخامنشی که با اسکندر جنگید و شاه افغانستان کنونی شد]

ودود (عربی ♂) دوستدار، صفت از ریشه‌ی دود (دوست داشتن).

ورتره (♂ هندی) مسدود کننده، از ریشه‌ی پیشاهندواروپایی \*wel یعنی بستن و گره زدن [دیوی که در وداها  
هماورد اصلی ایندیره است و به دست او کشته می‌شود]

وَرَد سین (♂ اکدی) بنده‌ی سین، از ریشه‌ی اکدی ورد (بنده) و سین (خدای ماه) [شاه ایلامی لارسا، برادر  
ریم‌سین].

وَرْدَهَمَنَه (♂ هندی) Vardhamana) بُرزمند و افزاینده، در شکل سانسکریت‌اش वर्धमान با برز و ورز ایرانی  
هم‌ریشه است [نام اصلی مهاویره، بنیانگذار آیین جین در قرن ششم پ.م.]

وَرَسینِ گتوریکس (♂ Vercingetorix سلت) برترین شاه جنگجو، ترکیبی از ریشه‌ی سلتی ver  
(برتر)، و cingeta (جنگجو) و rix (شاه) [شورشی مشهور گل که با سزار جنگید و او را شکست داد].

وَرنا (♀ Verna اسلاو) ایمان.

وَسلی (♂ Wesly) آنگلوساکسون) چمنزار غربی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان wes (غرب) و ley  
(دشت).

وَسنا (♀ Vesna اسلاو) بهار، از ریشه‌ی کرواسی.

وَقاص (♂ عربی) شکننده، گردن شکن، اسم فاعل از ریشه‌ی وقص.

وُلکان (♂ لاتین) Vulcan) آتشفشان، از ریشه‌ی لاتین fulgere (جرقه زدن، شعله کشیدن) [خدای  
آهنگری].

وَلی (♂ عربی) صاحب امر، اسم فاعل از ریشه‌ی عربی ولی (فرمان راندن) [از القاب خداوند].

ولید (♂ عربی) نوزاد، کودک، اسم از ریشه‌ی ولد.

ون (♀ Wen چینی) فرهیخته.

وِنچِسْلاس (Wenceslas ♂ اسلاو) افتخارِ بیشتر، از ریشه‌ی اسلاو wenc (بیشتر) و eslas (افتخار) [دوک بوهم در قرن دهم م. قدیس نگهبان ملت چک].

وَنَداد/بُنَداد (♂ پارسی) بنیاد، ریشه و اصل، از ریشه‌ی پهلوی وِنَدات (بنیاد)

وو (♀ Wu چینی) جادوگر، گروهان ارتش.

ووسگی (♀ Vosgi ارمنی) طلا.

وولوس (♂ Volos اسلاو) گاو، از ریشه‌ی روسی [خدای رمه‌ها].

وَهَاب (♂ عربی) روزی دهنده، صفت از ریشه‌ی وهب (روزی دادن) [از القاب خداوند].

وهب (♂ عربی) بخشش بلاعوض.

وهرز (♂ پارسی) دولتمند، ثروتمند و بخشنده، تغییر یافته‌ی وهریز یا وهریچ در زبان پهلوی [سرداری که در دوران انوشیروان یمن را فتح کرد]

وهیزداته (♂ پارسی) بخششِ بهتر، آنچه که بهتر بود داده شده، از ریشه‌ی پارسی باستان وهیز (بهتر) و داته (بخشش) [سردار پارسی رقیب داریوش بزرگ]

ویجی (♂ Vijay هندی) پیروزی، از ریشه‌ی سانسکریت.

ویرجینیا (♀ Virginia لاتین) باکره، دوشیزه، از ریشه‌ی لاتین virgo (دوشیزه، باکره).

ویرژیل (Virgil) ♂ لاتین) عصا [ادیب و شاعر بزرگ رومی].

ویرگو (Vtigo ♀ لاتین) باکره، دوشیزه، از ریشه‌ی لاتین vierge (خوشه) [ایزدبانوی دوشیزگان، دختر زئوس].

ویسه (پارسی) ♂ اوستایی وئسکه که در پهلوی به وسک تبدیل شده [نام پدر پیران تورانی].

ویشپا (هندی) ♂ زهراب، سم، نامش در سانسکریت از دو بخش ویش (زهر) و آپه (آب) ساخته شده [دیوی که به دست ایندره کشته می‌شود]

ویشنو (Vishnu) ♂ هندی) فراگیر، از ریشه‌ی سانسکریت [خدای نگهدارنده و محافظ، یکی از سه خدای بزرگ هندوان].

ویکانینیش (Wickaninnish) ♂ سرخپوستی) هیچکس در زورق جلوش نیست، از ریشه‌ی کلایوکوت [رهبر قبیله‌ی کلایوکوت در قرن هژدهم].

ویلفرد (Wilfred) ♂ آلمانی) آرزوی صلح، از ریشه‌ی آلمانی باستان wil (آرزو، اراده) و frey (صلح).

ویلیام (William) ♂ آلمانی) آرزوی کلاهخود، از ریشه‌ی آلمانی باستان wil (آرزو، اراده) و liam (کلاهخود).

وینستون (Winston) ♂ آنگلوساکسون) سنگ شادی، از ریشه‌ی انگلیسی باستان win (پیروزی، شادی) و ston (سنگ).

وینونا (Winona ♀ سرخپوستی) نخست‌زاده، اولین فرزند، از ریشه‌ی داکوتا [شاهزاده‌ای اساطیری].



ویویان (Vivian) ♂ لاتین) زنده، از ریشه‌ی لاتین vivere (زنده بودن).

هابیل (Abel ♂) عبری) چمنزار، سرخ، از ریشه‌ی سامی [دومین پسر آدم].

هابیل کین اوم (♂ سومری) دریغا پسر قبلی‌ام، از ریشه‌ی گوتی باستان [از شاهان گوتی].

هاتور (♀ Hathor مصری باستان) خانه‌ی خورشید، از ریشه‌ی مصری باستان حت/هوت (خانه) و هورو (هوروس، خدای خورشید) [ایزدبانوی عشق].

هاجر (♀ Hajer عبری) مهاجر [زن ابراهیم].

هاچیرو (Hachiro ♂ ژاپنی) پسر هشتم.

هادریان (♂ Hadrianus لاتین) اهلِ هادریا، از ریشه‌ی لاتین Hadria (اسم روستایی است در شمال ایتالیا) [امپراتور روم در قرن دوم میلادی].

هادس (♂ Hades یونانی) ناپیدا، از ریشه‌ی یونانی باستان αιδεσ' (پنهان) [خدای قلمرو مردگان].

هادی (♂ عربی) راهنما، اسم فاعل از ریشه‌ی هدی (رهبری کردن).

هاروکو (♀ Haruko ژاپنی) فرزند بهار.

هارولد (Harold) ♂ آنگلو ساکسون (سپهسالار، از ریشه‌ی نوردیک باستان har (رهبر) و wald (قدرت)).

هارون (Aaron) ♂ عبری) تلخی، کوه مرتفع [برادر موسی].

هاسدروبال (Hasdrubal) ♂ فنیقی) بعل یاری خواهد کرد، از ریشه‌ی فنیقی آزرو (یاری کردن) و بعل (خدای بزرگ فنیقیان) [سردار بزرگ کارتاژی].

هاشم ♂ عربی) بخشنده، جوانمرد، اسم فاعل از ریشه‌ی هشم (خُرد کردنِ نان، تولید کردن) [نام جد حضرت محمد].

هاگ (Hugh) ♂ آلمانی) روح، روان، از ریشه‌ی آلمانی hu (قلب، جوهر).

هاگار (Hagar) ♀ عبری) پرنده.

هاگوب (Hagop) ♂ ارمنی) همان جاکوب است.

هالتوش اینشوشیناک ♂ ایلامی) انیشوشیناک (خدای شوش) با سرزمین ما مهربان بود، از ریشه‌ی ایلامی هاله لوتوش (با زمین مهربان بود) [شاه ایلام در 1185-1205 پ.م].

هالیا (Halía) ♀ یونانی) نمکی، از ریشه‌ی یونانی باستان αλίσ' (نمک) [از فرشتگان دریا].

هامیلکار (Hamilkar) ♂ فنیقی) دوستِ ملکارت، از ریشه‌ی فنیقی هی (دوست) و ملکارت (خدا/پهلوانی فنیقی) [سردار بزرگ کارتاژی در قرن سوم م.].

هانی ♂ عربی) شادمان، اسم فاعل از ریشه‌ی هنی.

هانیبال (Hannibal) ♂ فنیقی) شکوه بعل، عظمت خدا، از ریشه‌ی سامی هانی (شکوه) و بعل (اسم یک

خدای مهم سامی) [سردار بزرگ کارتاژی].

های (Hai) ♂ چینی) دریا.

هایدن (Hayden) ♂ آلمانی) بت پرست.

هایل (♂ عربی) ترساننده، اسم فاعل از ریشه‌ی هول.

هایلی (Hayly) ♂ آنگلو ساکسون) دشتِ علفِ خشک، از ریشه‌ی انگلیسی باستان hay (گاه) و ley

(دشت).

هَبَل (♂ عربی) آن خدا، احتمالا کوتاه شده‌ی حرف تعریف هه و نام بعل (خداوند) [بت مشهور اعراب در

صدر اسلام]

هَبه (♀ Hebe یونانی) جوان، از ریشه‌ی یونانی باستان ηβη (جوان) [دختر زئوس و هرا، ساقی خدایان].

هَخامنش (♂ پارسی) خیراندیش، نیکخواه، از ریشه‌ی پارسی باستان هَخَی (دوست) و مَنیش (اندیشه) [رهبر

پارسها و نیای کوروش].

هَدی (♀ عربی) بیان، راستی، راهنمایی، هم‌ریشه‌ی هدایت.

هَدیر (♂ عربی) صدای رعد و برق.

هرا (♀ Hera یونانی) کدبانو، از ریشه‌ی یونانی ηρα (بانو) [خواهر و زن زئوس].

هراَفن (Hrafn) ♂ آلمانی) کلاغ، از ریشه‌ی نوردیک باستان.

هراکلس (Heracles) ♂ یونانی) افتخارِ هرا، ηρα (هرا)، و Κληα (افتخار) [ابرهلوان یونانیان].

هربرت (Herbert) ♂ (آلمانی) ارتش درخشان، از ریشه‌ی آلمانی her (جنگجو، ارتشی) و bert (درخشان).

هرمان (Hermann) ♂ (آلمانی) مرد جنگی، از ریشه‌ی آلمانی her (جنگجو، ارتشی) و mann (مرد).

هرمز (♂ پارسى) مقدسِ خردمند، دانای آسمانی، از ریشه‌ی اوستایی آهوره (آسمانی، الهی) و مزده (دانا، خردمند) [نام خدای بزرگ زرتشتیان].

هرمس (Hermes) ♂ (یونانی) تپه‌ی سنگی [خدای سفر و تجارت].

هرمنگیلدو (Hermenegildo) ♂ (آلمانی) قربانیِ کامل، از ریشه‌ی آلمانی باستان hermen کامل، خالص) و gildos (قربانی).

هرودوت (Herodotus) ♂ (یونانی) به قهرمان داده شده، از ریشه‌ی یونانی باستان 'ηρος (قهرمان) و δότα (داده شده) [مورخ مشهور یونانی].

هزیود (Hesiod) ♂ (یونانی) سرودخوان، از ریشه‌ی یونانی باستان ηειο (انداختن) و οιδεσ (سرود) [مورخ رومی قرن هشتم میلادی].

هزیر / هَجیر (♂ پارسى) زیبارو، نژاده، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب، زیبا) و چیثره (نژاد، چهره) [از پهلوانان شاهنامه].

هستیا (Hestia) ♀ (یونانی) آتشدان [ایزدبانوی خانواده].

هشام (♂ عربى) بخشش، کرم، اسم از ریشه‌ی هشم (بخشش) [ابن هشام، نویسنده یکی از کهنترین تواریخ اسلام].

هَفْتَوَان (♂ پارسى) رستگار شده به کمک هفت امشاسپند، شکل تحریف شده‌ی هَفْتِ بوختِ پهلوی [از بزرگان کرمان در شاهنامه].

هکتور (Hector ♂ یونانی) صاحب، سرور، از ریشه‌ی یونانی باستان εχχιν (صاحب بودن، داشتن) [پهلوان بزرگ تروا].

هگمونه (Hegemone ♀ یونانی) سلطه‌گر، از ریشه‌ی یونانی ηγεμονη (سلطه) [دختر زئوس و اورینمه، از کاریت‌ها].

هلگا (Helga ♀ آلمانی) شادمان.

هُمام (♂ عربی) دلیر، سخاوتمند، اسم فاعل از ریشه‌ی هم (همت).

هُمام (♂ ♀ عربی) شیر، کنایه از آدم با اراده.

هُمای (♀ پارسى) مایه‌ی نیکی، جوهر خوبی، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب)، مای (مایه، جوهر) [نام دختر گشتاسپ].

همایون (♂ پارسى) خجسته، فرخنده، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب)، مای (مایه) و اون (پسوند نسبت).

همفری (Humphrey ♂ آنگلساکسون) خانه‌ی آرام، از ریشه‌ی انگلیسی باستان hum (خانه) و phrey (آرامش، صلح).

هَنّاد (♂ عربی) تیز کننده‌ی شمشیر، اسم فاعل از ریشه‌ی هند.

هند (♀ عربی) صد یا دویست شتر [نام همسر حضرت محمد].

هنری (Henry) ♂ (آلمانی) حاکم خانه.

هنگ (Heng) ♂ (چینی) جاویدان.

هنگیست (Hengist) ♂ (آلمانی) اسب نر، از ریشه‌ی آلمانی باستان.

هو (Hua) ♂ (چینی) آتش.

هوارد (Howard) ♂ (آلمانی) جسور، شجاع، از ریشه‌ی آلمانی hu (قلب) و wald (شجاع).

هواری (Huar) ♂ (عربی) چریک، تکاور، مفرد هواره (گروه شبه نظامی) [هواری بوم‌دین: رئیس جمهور الجزایر].

هوان (Huan) ♂ (چینی) شادمانی.

هوانگ (Huang) ♂ (چینی) زرد.

هوبرت (Hubert) ♂ (آلمانی) قلب درخشان، از ریشه‌ی آلمانی hu (قلب) و bert (درخشان).

هوتارو (Hotaru) ♀ (ژاپنی) کرم شب‌تاب.

هوتاکا (Hotaka) ♂ (ژاپنی) اسم کوهی است در ژاپن.

هوتن / اوتانس (Hutan) ♂ (پارسی) دارنده‌ی تن زیبا و سالم، بر ساخته از دو بخش هو (نیک و زیبا) و تن، یونانیان

اسمش را به اوتانس (Ευτανης) تحریف کرده‌اند [از اشراف دوران داریوش بزرگ]

هود (Hud) ♂ (عربی) توبه کنندگان، اسم جمع هاند (توبه‌گر) [پیامبر قوم عاد].

هور-آحا (Hor-Aha) ♂ (مصری باستان) شاهین جنگجو، از ریشه‌ی مصری باستان هور (شاهین) و آحا

(جنگیدن) [اولین فرعون دودمان نخست].

هوراتیوس / هوراس (♂ Horatius لاتین) ساعت، زمان، از ریشه‌ی اتروسکی hora (زمان).

هوراس (♂ Horace لاتین) دارای چشمان تیزبین، از ریشه‌ی لاتین [ادیب و نویسنده‌ی برجسته‌ی رومی]

هورچیتره (♂ پارسی) خروشیدچهر، هورچهر، برساخته از ریشه‌ی اوستایی هور (خورشید) و چیتره (چهر، سرشت) [نام پسر زرتشت]

هوریگ (♀ Hourig ارمنی) آتش کوچک.

هوشنگ (♂ پارسی) سازنده‌ی خانه‌های خوب، از ریشه‌ی اوستایی هئو (خوب) و شنگه (خانه، آشیان) [از پادشاهان کیانی].

هوشی (♀ Hoshi ژاپنی) ستاره.

هوکولسکوا (♂ Hokolessqua سرخپوستی) ساقه‌ی ذرت، از ریشه‌ی شاوئی [رئیس قبیله‌ی شایان در قرن هژدهم].

هول (♂ Hol عبری) دایره [پسر آرام].

هوم (♂ پارسی) فشرده و کوبیده شده، از ریشه‌ی اوستایی هو (خرد کردن، کوبیدن) [ایزدی گیاهی در ایران باستان و فرشته‌ای زرتشتی که بخشنده‌ی جاودانگی است]

هومان (♂ پارسی) نیک اندیش، از ریشه‌ی پهلوی هو (خوب) و مَّه (اندیشه) [از پهلوانان شاهنامه].

هون (♂ ترکی) خلق، مردم، از ریشه‌ی ترکی خون (مردم) [قبیله‌ی بزرگی از زردپوستان آسیای میانه].

هونوراتوس (♂ Honoratus لاتین) متمایز، مشهور، از ریشه‌ی لاتین honora (افتخار).



هونی (Huni) ♂ (مصری باستان) خُرد کننده، ویرانگر، از ریشه‌ی مصری باستان [آخرین فرعون دودمان سوم].

هووَخِشْتَرَه (♂ پارسى) شاه خوب، بر ساخته از دو بخشِ هووَه (نیک) و خَشْتَرَه (شاه) [شاه نامدار ماد]

هووسپ (Hovsep) ♂ (ارمنی) همان یوسف است.

هووهانس (Hovhannes) ♂ (ارمنی) همان یوحنا است.

هیاواتا (Hiawatha) ♂ (سرخپوستی) سازنده‌ی رودخانه، از ریشه‌ی ایروکوآیی هائیو-هواتا [رئیس قبیله‌ی ماهاوک در قرن هزدهم].

هیپولیت / هیپولیتوس (Hypolitotos) ♂ (یونانی) رها کننده‌ی اسبها، از ریشه‌ی یونانی باستان 'ἵππος (اسب) و ἵλιτος (رها کننده) [پسر تزئوس و آنتیوپه].

هیتومی (Hitomi) ♀ (ژاپنی) چشم.

هیدآکی (Hideaki) ♂ (ژاپنی) بی نقص و درخشان.

هیربد (♂ پارسى) آموزشگر، آموزگار، از ریشه‌ی اوستایی ائثرَه (آموزش) و پیتی (صاحب، مولا) [از سمتهای دینی زرتشتیان].

هیرود (Hirod) ♂ (عبری) پسر قهرمان [حاکم یهودیه هنگام تولد مسیح].

هیروشی (Hiroshi) ♂ (ژاپنی) سخاوتمند.

هیروکو (Hiroko) ♀ (ژاپنی) فرزند سخاوتمند.

هیکاری (Hikari) ♀ (ژاپنی) نور.

هیلاری (Hilary) ♀ (لاتین) شاد، از ریشه‌ی لاتین.

# ی

یار (Jar) ♂ (آلمانی) اشرافی، نجیبزاده، از ریشه‌ی نوردیک باستان [پسر ریگ در اساطیر اسکاندیناوی].

یارل (Jarl) ♂ (آلمانی) اشرافی، نجیبزاده، از ریشه‌ی نوردیک باستان [پسر ریگ].

یاسر (Yasar) ♂ (عربی) آسان کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی یسر (آسانی).

یاسر (Yasar) ♂ (عربی) آسان کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی یسر [عمار یاسر، از صحابه‌ی قدیمی].

یاسو (Yasu) ♀ (ژاپنی) آرام.

یافت (Yafeth) ♂ (عبری) رشید، مجبور کننده [پسر نوح، جد زردپوستان].

یاقوت (Yaqut) ♂ (عربی) سنگی قیمتی [یاقوت حموی: مورخ بزرگ].

یامین (Jamin) ♂ (عبری) دست راست.

یانیک/ یان (Yannick/ Yann) ♂ (آلمانی) جان.

یاوان (Javan) ♂ (عبری) یونانی، برگرفته از اسم منطقه‌ی ایونیه [پسر یافت، جد مدیترانه‌ای‌ها].

یحیی (عربی)  $\text{♂}$  زنده، از ریشه‌ی حی (زندگی).

یرلیغ (ترکی)  $\text{♂}$  فرمان و حکم شاه.

یرمیاه / جرمیا / جرمی (Jermiah)  $\text{♂}$  عبری) برکشیده‌ی یهوه، از ریشه‌ی عبری یرمی (برکشیدن) و یاه (یهوه) [از نبی‌های یهودی].

یروبوآم (Yeruboaam)  $\text{♂}$  عبری) توسعه یافته.

یزدگرد (پارسی)  $\text{♂}$  خداداد، آفریده‌ی ایزد، از ریشه‌ی اوستایی یزَـتو (ایزد) کَرِـتَه (آفریدن، خلق کردن) [آخرین شاه ساسانی].

یزید (عربی)  $\text{♂}$  زیاده شدن، از ریشه‌ی زیاد [خلیفه ی اموی].

یسار (عربی)  $\text{♂}$  بسیار آسان کننده، اسم فاعل از ریشه‌ی یسر.

یعقوب (Jacob)  $\text{♂}$  عبری) ریشه‌کن کننده [پیامبر و جد یهودیان].

یقظان (عربی)  $\text{♂}$  بیدار، هوشیار، صفت از ریشه‌ی قظی [حی بن یقظان: اسم کتاب بوعلی سینا].

یمانی (عربی)  $\text{♂}$  اهل یمن.

یمه (هندی)  $\text{♂}$  دوقلو، همزاد، برگرفته از ریشه‌ی سانکسريت **यम** به همین معنا [خدای مرگ و عدالت در وداها و همتای جمشید ایرانی]

یوآب (Joab)  $\text{♂}$  عبری) یهوه پدر است، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و آب (پدر).

یوآخ (Joach)  $\text{♂}$  عبری) آتش یهوه، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و آشی (آتش).

یواخیم (Joachim) ♂ (عبری) مستحکم شده توسط یهوه، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و آخیم (محکم کردن).

یوا (Yeva ♀) (ارمنی) همان حوا است.

یوحنا (Johanah) ♂ (عبری) یهوه پرافتخار است، از ریشه‌ی عبری ایو (یهوه) و آناه (افتخار) [از حواریون].

یوری (Yori) ♂ (ژاپنی) وابستگی.

یوری (Yuri ♀) (ژاپنی) زنبق.

یوستیتیا (Justitia ♀) (لاتین) عدالت، از ریشه‌ی لاتین [ایزدبانوی عدالت، همان هبه است].

یوسف (Yoseph) ♂ (عبری) او (نسل مرا) خواهد افزود (י'סוף) [پیامبر، نیای یکی از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

یوشی (Yushi ♀ ♂) (ژاپنی) بخت، نیکی.

یوشیرو (Yoshiro) ♂ (ژاپنی) پسر خوب.

یوشیکو (Yoshiko ♀) (ژاپنی) فرزند خوب.

یوکو (Yoko ♀) (ژاپنی) فرزند خورشید.

یوکو (Yuko ♀) (ژاپنی) فرزند پرافتخار.

یوکی (Yuki) ♂ (ژاپنی) برف.

یوکیکو ( Yukiko ژاپنی) فرزند برف. ♀

یومی ( Yumi ژاپنی) تعظیم زیبا. ♀

یون ( Yun چینی) ابرها. ♀

یوناتان / جاناتان (Jonathan ♂ عبری) یهوه بخشیده است، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و ناتان (بخشیدن).

یونا (Yunah ♂ عبری) کبوتر.

یونون ( Junon لاتین) کدبانو، از ریشه‌ی لاتین [همان هرا است]. ♀

یوونتوس ( Juventus لاتین) جوان [زن هرکول، دختر زئوس و هرا]. ♀

یهلیل (Jahleel ♂ عبری) خدا منتظر است، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و یلیل (منتظر بودن).

یهودا (Yahuda ♂ عبری) ستایش خدا، از ریشه‌ی عبری یوه (یهوه) و آدا (ستایش) [از قبایل دوازده‌گانه‌ی یهودی].

یهودا (Judah ♂ عبری) خداوند پرستش می‌شود [پسر چهارم یعقوب و لیه]

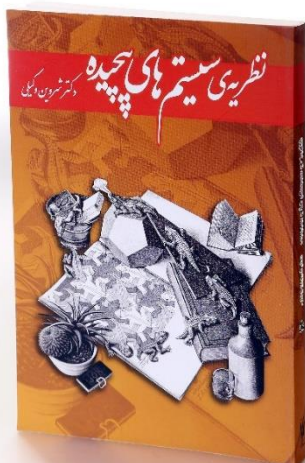
یهوه (Yahweh ♂ عبری) زنده، از ریشه‌ی عبری حی (زنده)، در متون باستانی عبری به صورت «ی.ه.و.ه.» ثبت شده و به دلیل مقدس بودن این نام و ممنوع بودن تلفظ کردنش در میان یهودیان، از شکل اولیه‌ی خواندنش چیزی نمی‌دانیم [خدای یهودیان].

یین ( Yin چینی) سالم، نقره، با ادب. ♀

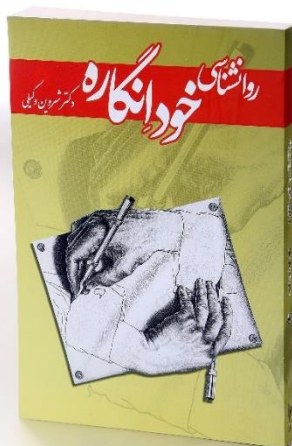


## مجموعه‌ی دیدگاه زروان

کتاب نخست: نظریه‌ی سیستمهای پیچیده، شورآفرین، ۱۳۸۹

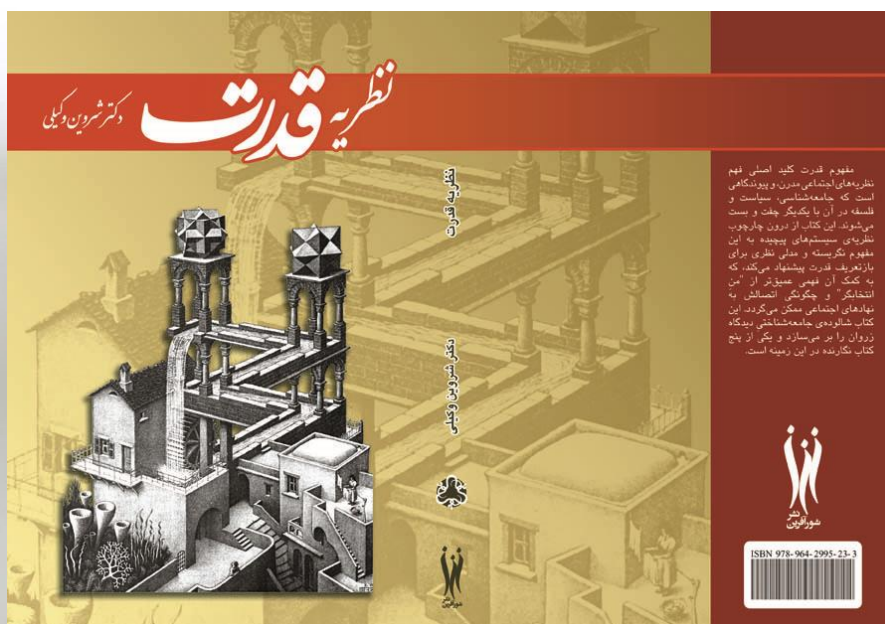
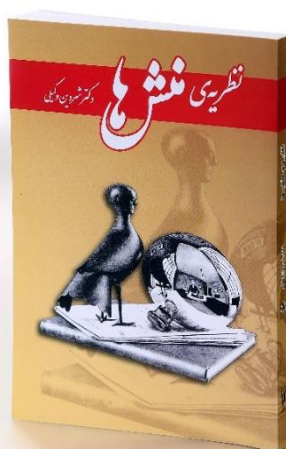


کتاب دوم: روانشناسی خودانگاره، شورآفرین، ۱۳۸۹



کتاب سوم: نظریه‌ی قدرت، شورآفرین، ۱۳۸۹

کتاب چهارم: نظریه‌ی منش‌ها، شورآفرین، ۱۳۸۹





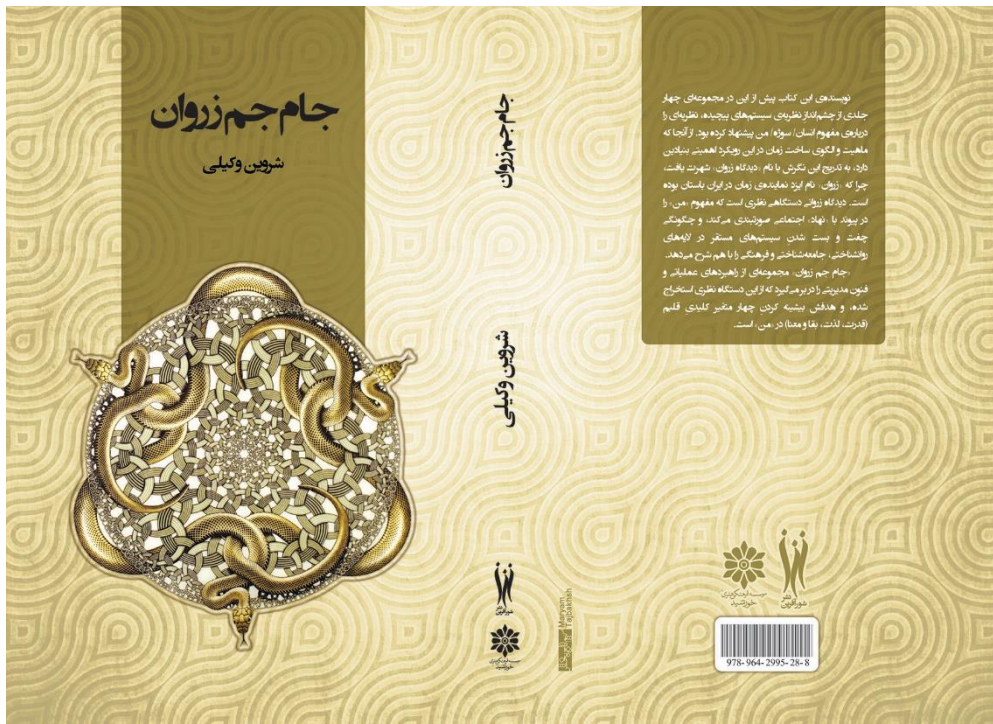


کتاب پنجم: درباره‌ی زمان؛ زروان کرانمند، شورآفرین، ۱۳۹۱

کتاب ششم: زبان، زمان، زنان، شورآفرین، ۱۳۹۱



کتاب هفتم: جام جم زروان، شورآفرین، ۱۳۹۳



نویسنده‌ی این کتاب پیش از این در مجموعه‌های چهار جلدی از چشم‌انداز نظریه‌ی سبب‌های پیچیده، نظریه‌ی زا دریای مفهوم انسان، سوزا، من پیشنهاد کرده بود. از آنجا که ماهیت و الگوی ساخت زمان در این روشکرده اهمیت بسزایی دارد، به تدریج این نگارش با نام دیدگاه زوین، شهرت یافت. چرا که زوین، نام این دیدگاهی زمان در ایران باستانی بوده است. دیدگاه زوین در دستگاه نظری است که مفهوم من، را در پیوند با نهاد اجتماع صورتی سرکنند و چگونگی چفت و بست شدن سیستم‌های مستقر در لایه‌های رویشناختی، جابه‌جاشدن و فرسایشگر را با هم شرح می‌دهد. جام جم زوین مجموعه‌ای از زوین‌های معانی و فوین می‌باشد. زوین‌ها می‌تواند که از این دستگاه نظری استخراج شده، و هدفش پیشه‌گری چهار متغیر گامی قدم (قدرت، لذت، بقا و معنا) در من است.



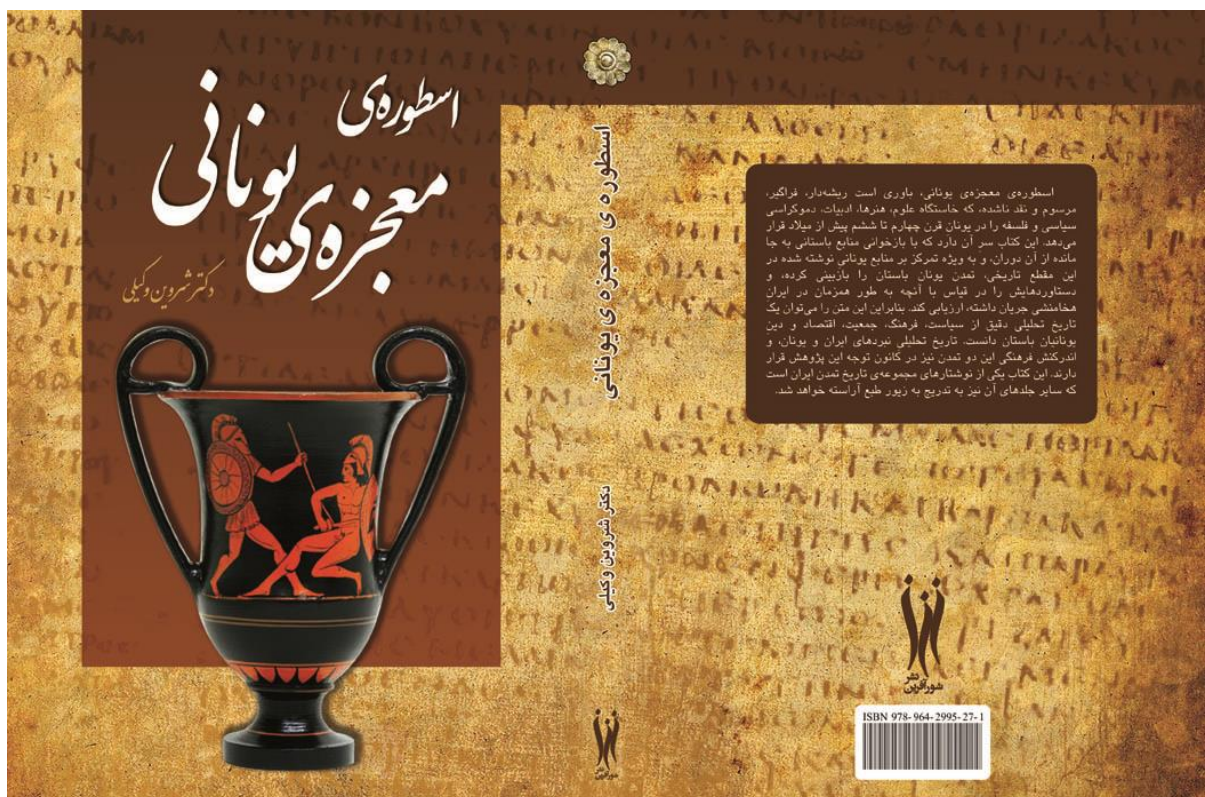
## مجموعه‌ی تاریخ تمدن ایرانی

کتاب نخست: کوروش رهایی‌بخش، شوراآفرین، ۱۳۸۹-۱۳۹۱

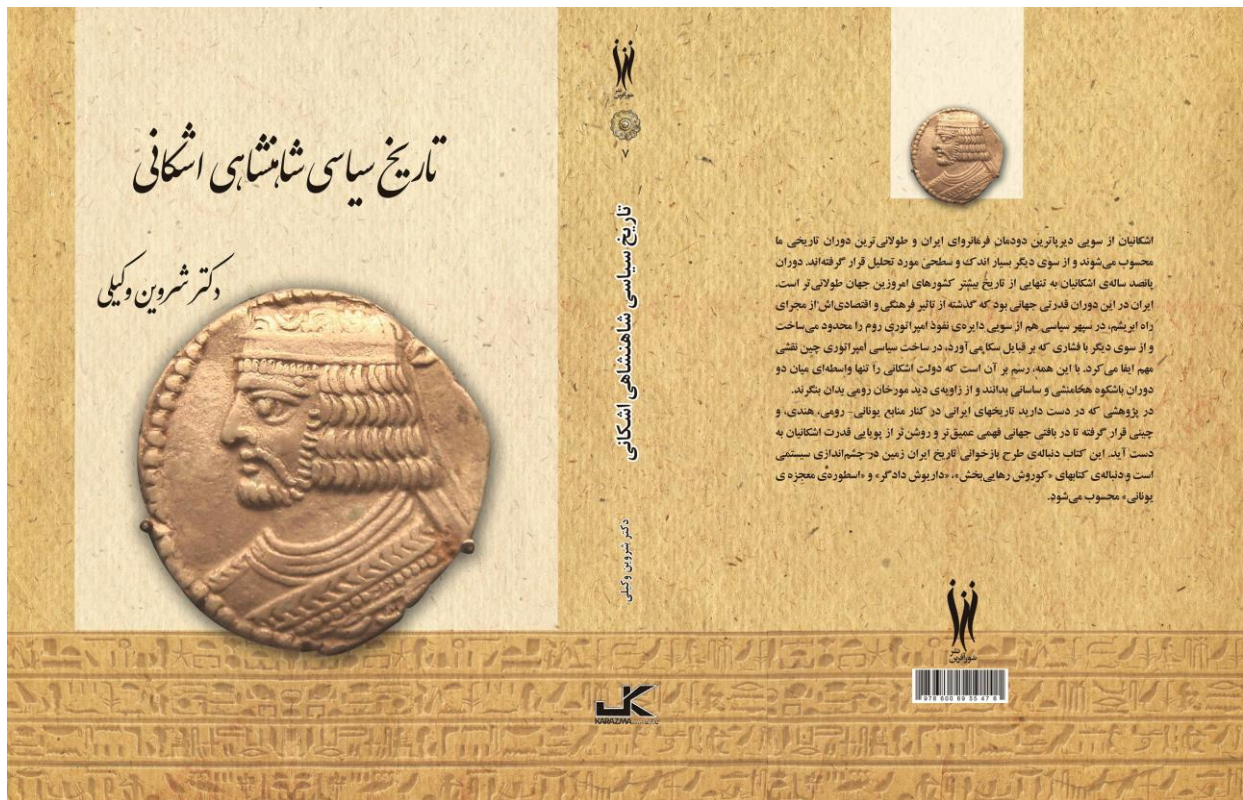
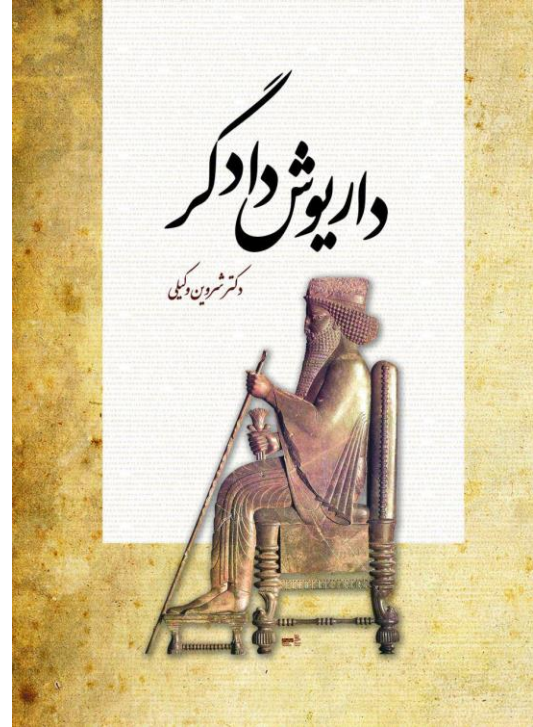
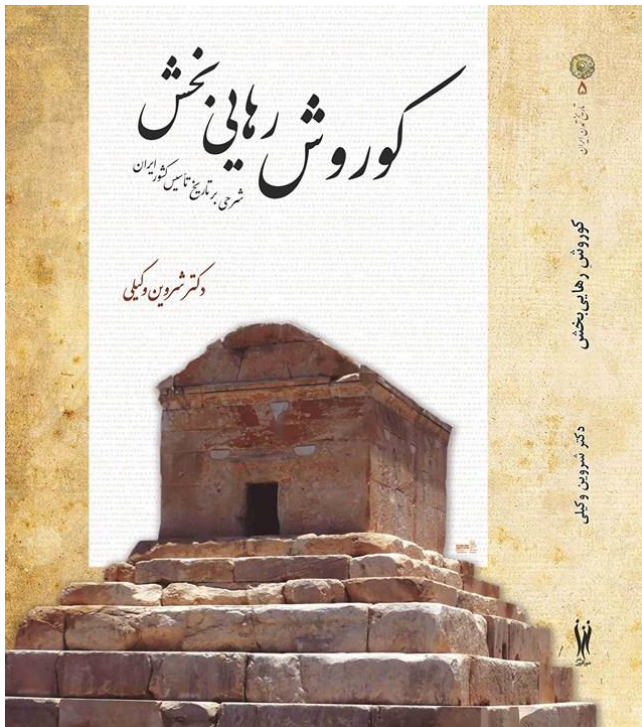
کتاب دوم: اسطوره‌ی معجزه‌ی یونانی، شوراآفرین، ۱۳۸۹

کتاب سوم: داریوش دادگر، شوراآفرین، ۱۳۹۰

کتاب چهارم: تاریخ سیاسی شاهنشاهی اشکانی، شوراآفرین، ۱۳۹۳







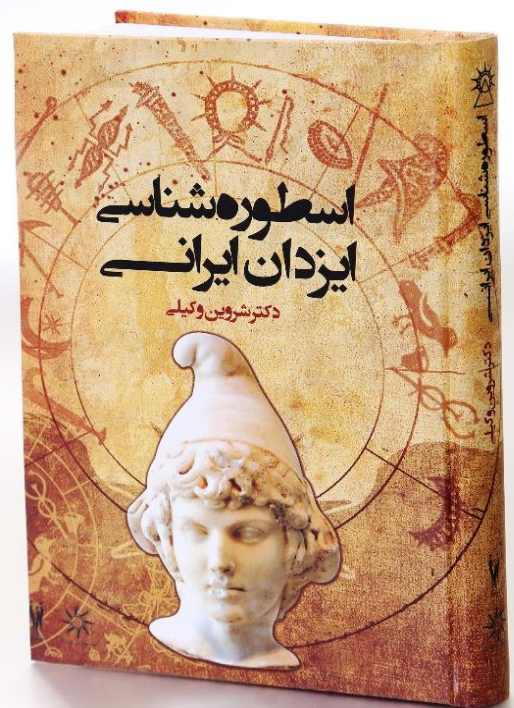
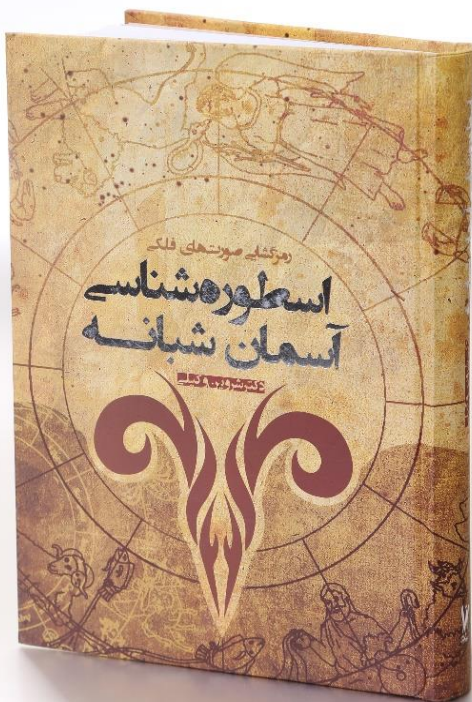


## مجموعه‌ی اسطوره‌شناسی ایرانی

کتاب نخست: اسطوره‌شناسی پهلوانان ایرانی، پازینه، ۱۳۸۹

کتاب دوم: رویای دوموزی، خورشید، ۱۳۷۹

کتاب سوم: اسطوره‌شناسی آسمان شبانه، شورآفرین، ۱۳۹۱

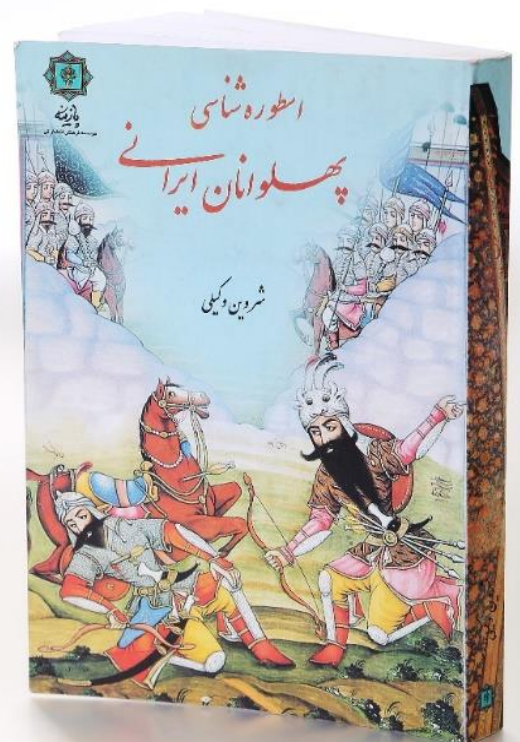
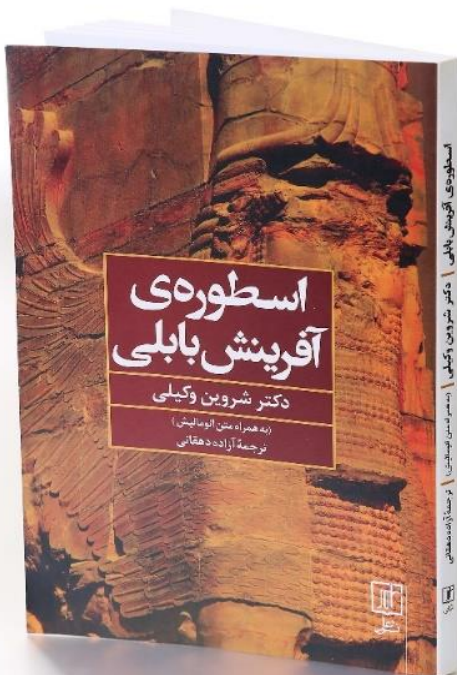


کتاب چهارم: اسطوره‌ی یوسف و افسانه‌ی زلیخا، خورشید، ۱۳۹۰

کتاب پنجم: اسطوره‌ی آفرینش بابلی، علم، ۱۳۹۲

کتاب ششم: پالایش‌های امیدوکلس، خورشید، ۱۳۹۴

کتاب هفتم: اسطوره‌شناسی ایزدان ایرانی، شورآفرین، ۱۳۹۵



## جامعه‌شناسی جوک و خنده



شروین وکیلی

## مجموعه‌ی عصب - روانشناسی و تکامل

کتاب نخست: کلبدشناسی آگاهی، خورشید، ۱۳۷۷

کتاب دوم: رساله‌ی هم‌افزایی، خورشید، ۱۳۷۷

کتاب سوم: مغز خفته، اندیشه‌سرا، ۱۳۸۵

کتاب چهارم: جامعه‌شناسی جوک و خنده، اندیشه‌سرا، ۱۳۸۵

کتاب پنجم: عصب‌شناسی لذت، خورشید، ۱۳۹۱

کتاب ششم: فرگشت انسان، بی‌نا، ۱۳۹۴

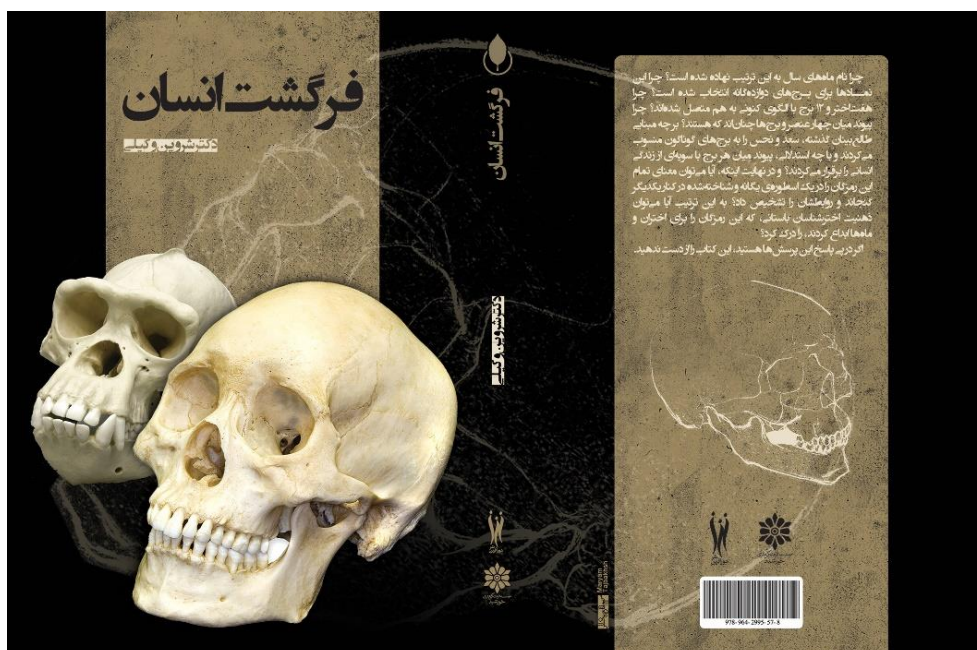
کتاب هفتم: همجنس‌گرایی: از عصب‌شناسی تا تکامل، خورشید، ۱۳۹۵

## مغز خفته

فیزیولوژی و روانشناسی خواب و رویا



شروین وکیلی



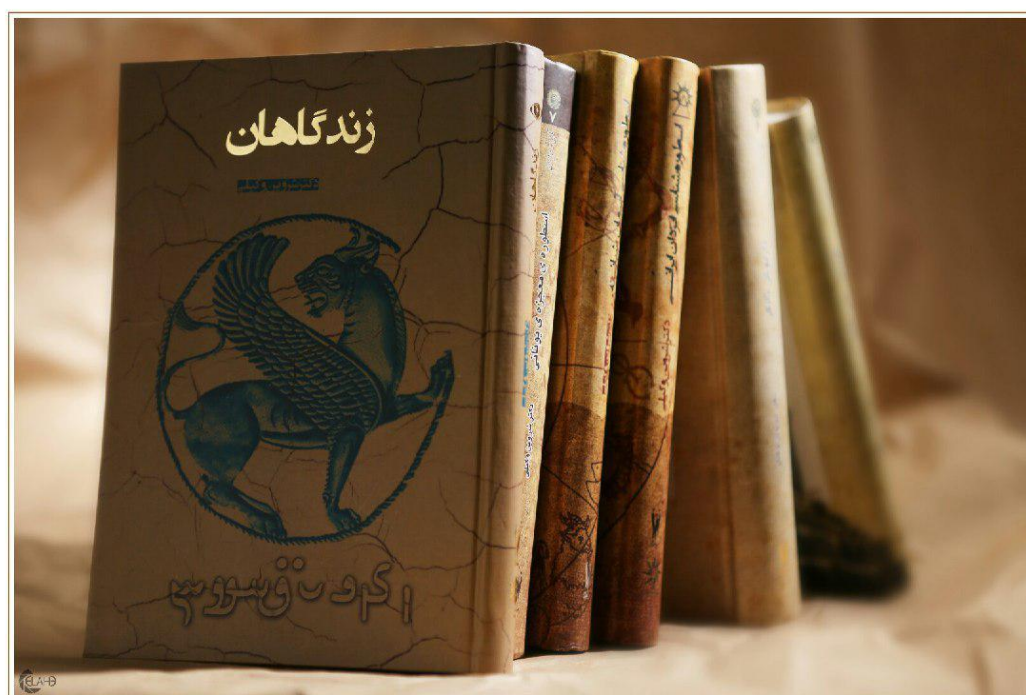


## مجموعه‌ی فلسفه

کتاب نخست: آناتومی شناخت، خورشید، ۱۳۷۸

کتاب دوم: درباره‌ی آفرینش پدیدارها، خورشید، ۱۳۸۰

کتاب سوم: کشتن مرگ‌ارزان، خورشید، ۱۳۹۵

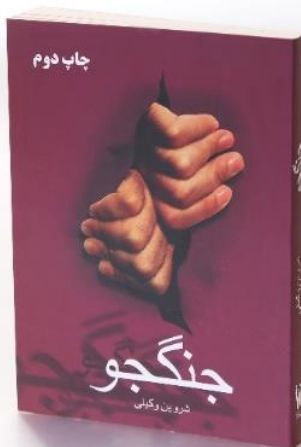




مجموعه‌ی داستان، رمان و شعر

کتاب نخست: ماردوش، خورشید، ۱۳۷۹

کتاب دوم: جنگجو، اندیشه‌سرا، ۱۳۸۱



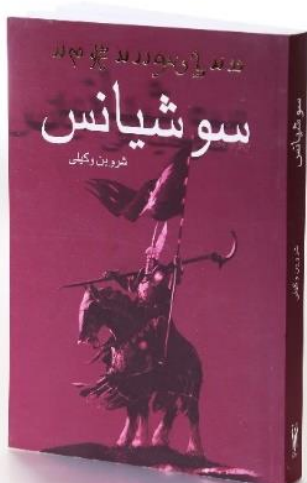
کتاب سوم: سوشیانس، تمدن - شورآفرین، ۱۳۸۳

کتاب چهارم: جام جمشید، خورشید، ۱۳۸۶

کتاب پنجم: حکیم فارابی، خورشید، ۱۳۸۷

کتاب ششم: راه جنگجو، شورآفرین، ۱۳۸۹

کتاب هفتم: نفرین صندلی (مبل جادویی)، فرهی، ۱۳۹۱





کتاب هشتم: دازیمدا، بی‌نا، ۱۳۹۳

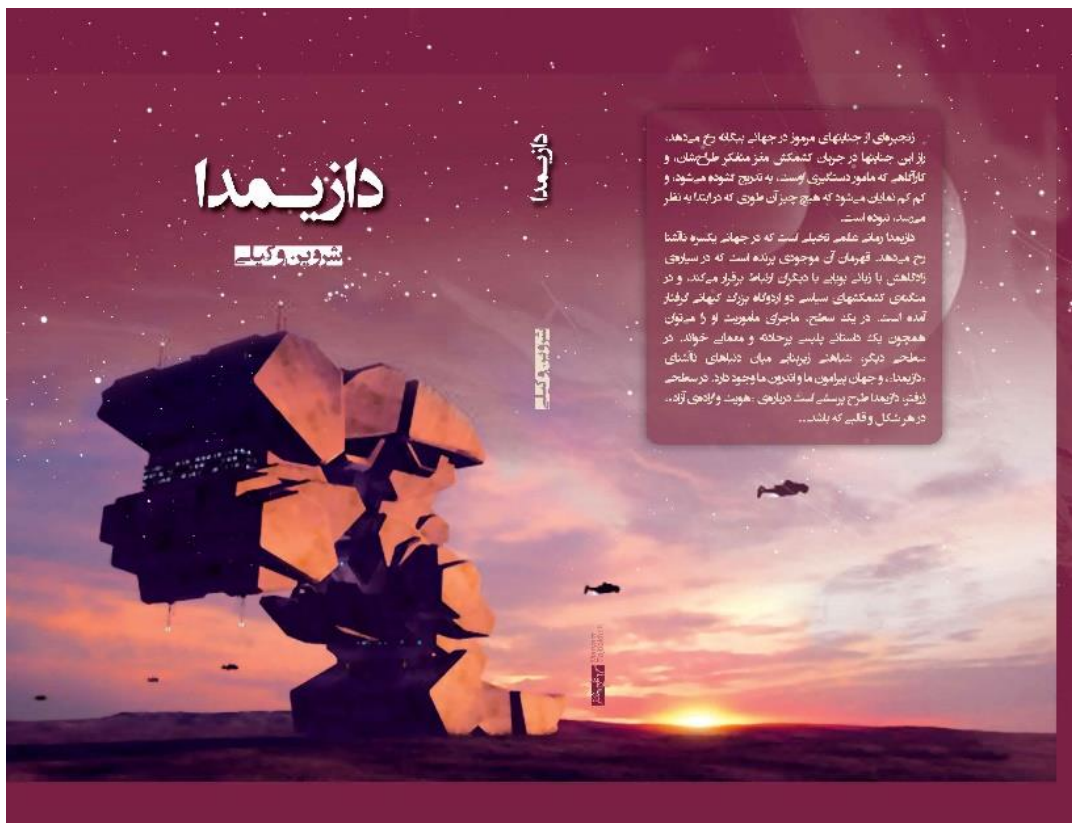
کتاب نهم: فرشگرد، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب دهم: جم، شورآفرین، ۱۳۹۵

کتاب یازدهم: آرمانشهر؛ مجموعه‌ی داستان کوتاه، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب دوازدهم: زیر؛ مجموعه داستان کوتاه تاریخی، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب سیزدهم: مرتاض؛ مجموعه داستان کوتاه طنز، خورشید، ۱۳۹۵



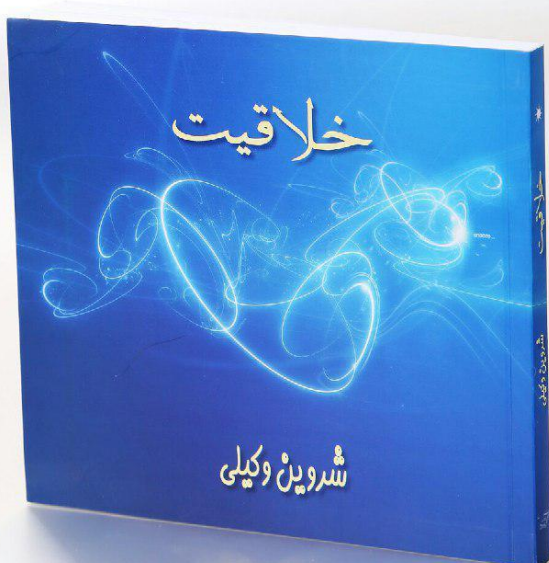


## مجموعه‌ی راهبردهای زروانی

کتاب نخست: خلاقیت، اندیشه‌سرا، ۱۳۸۵

کتاب دوم: کارگاه مناظره، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲

کتاب سوم: بازی‌نامک، شورآفرین، ۱۳۹۵



## مجموعه‌ی ادبیات

کتاب نخست: ملک‌الشعراى بهار، خورشید، ۱۳۹۴

کتاب دوم: نیمایوشیج، خورشید، ۱۳۹۴

کتاب سوم: پروین، سیمین، فروغ، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب چهارم: لاهوتی و شاعران انقلابی، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب پنجم: خویشتنِ پارسی، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب ششم: عشاق‌نامه، خورشید، ۱۳۹۵





## مجموعه‌ی سفرنامه‌ها

کتاب نخست: سفرنامه‌ی سغد و خوارزم، خورشید، ۱۳۸۸

کتاب دوم: سفرنامه‌ی چین و ماچین، خورشید، ۱۳۸۹

## کتابهای دیگر

کتاب نخست: نام شناخت، خورشید، ۱۳۸۲

کتاب دوم: کاربرد نظریه‌ی سیستمهای پیچیده در مدلسازی

تغییرات فرهنگی، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

کتاب سوم: گاندی، خورشید، ۱۳۹۴

کتاب چهارم: رخ‌نامه: جلد نخست، خورشید، ۱۳۹۵

کتاب پنجم: سرخ، سپید، سبز: شرحی بر رمانتیسیم ایرانی، خورشید، ۱۳۷۹

## مجموعه مقاله‌ها

جلد نخست: نظریه‌ی زروان، خورشید، ۱۳۹۵

جلد دوم: جامعه‌شناسی، خورشید، ۱۳۹۵

جلد سوم: تاریخ، خورشید، ۱۳۹۵

جلد چهارم: اسطوره‌شناسی، خورشید، ۱۳۹۵

جلد پنجم: ادبیات، خورشید، ۱۳۹۵

جلد ششم: روانشناسی، خورشید، ۱۳۹۵

جلد هفتم: فلسفه، خورشید، ۱۳۹۵

جلد هشتم: زیست‌شناسی، خورشید، ۱۳۹۵

جلد نهم: آموزش و پرورش، خورشید، ۱۳۹۵

